

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بهاء ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۶۰

در صفحات دیگر این شماره:

- حمله مزدوران رژیم به روستای نخودچر صفحه ۹
- رژیم به جنگزدگان خدمت میکند یا خیانت؟ صفحه ۱۷
- در جمهوری اسلامی زن نصف آدم می‌آرزد! صفحه ۲۴
- حزب توده: همصدا با شکنجه‌گران، علیه انقلابیون صفحه ۲۶
- ترس و هراس لیبرالها از شنیدن صدای انقلاب است! صفحه ۲۹

مروری بر درگیریهای
حزب دمکرات با کومه‌له در اطراف مهاباد

ریشه‌ها و علل حمله حزب دمکرات به کمونیستها

صفحه ۵

تثبیت نرخ دستمزد سال ۵۹: تسدید فقر و فلاکت کارگران

صفحه ۳

بیانیه ده ماده‌ای و بحث آزاد: تاکتیک حزب جمهوری اسلامی در تشدید سرکوب و خفقان

لنین، آموزگار بزرگ پرولتاریا گفتار دایره‌های دایره‌بندی مضمون که، انقلاب و مبارزه طبقاتی نه تنها کارگران و زحمتکشان بلکه همچنین بورژوازی و دشمنان طبقه کارگر و توده‌های محروم را نیز "موزش" میدهد و آبدیده می‌سازد. این گفته، در مورد حزب جمهوری اسلامی یعنی جناح مسلط رژیم حاکم، مصداق کامل و روشنی یافته است.

حزب جمهوری اسلامی، بدلیل کیفیت و نحوه تکوین و شکل‌گیری خود، بی‌مثال به یک حزب سیاسی و یک جریان مؤتلف قدرت سیاسی، و نیز لحاظ بقیه در صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی: مذاکره با آمریکا ادامه دارد!

هما نظریه‌ها را گفته‌ایم
آزادی گروگانهای جاسوس
آمریکائی و بیدل و بخش‌های
چند میلیاردری رژیم جمهوری
اسلامی به امپریالیستهای
آمریکائی مقدمه وابستگی‌های
بیشتر رژیم‌کنونی به امپریالیسم
آمریکا بود. و طبیعی است که
اقدامات ذکر شده رژیم جمهوری
اسلامی بنده از یک زنجیر بهم
پیوسته است به ما هیت ارتجاعی
رژیم و منافع طبقاتی زما مداران
کنونی که با حفظ و حراست و تحکیم
سرما به‌داری و وابسته‌گرفته‌خورد
است بر میگردد. با زهم‌گام
طبیعی است که تحکیم سرما به
داری و وابسته‌بدون نیاز به
گسترش روابط چیا و لگرا نه با
امپریالیستها - علاوه بر تمام

عوامل دیگری که سرما به‌داری
ایران در ادامه زندگی انگلیش
به آن نیاز دارند - امکان پذیر
نیست و از همینجاست که رژیم
جمهوری اسلامی و هر دو جناح
مرتجع آن و از جمله جناح برتر
در قدرت سیاسی یعنی حزب
جمهوری اسلامی علیرغم ادعاهای
پوچش و با وجود رنگ و روغنهای
بظاهر "فدا امپریالیستی" که
خا شنین حزب توده و "فدا شنان
اکثریت" بسروصورت آن می‌مانند
به زد و بند با امپریالیستها و از
جمله امپریالیسم آمریکا سرگرم
هستند و صدا لبته منافع رژیم
ایجاب نمی‌کند که این اسرار
نهان! از دیدگان تیزتوده‌ها
بگذرند و با بس در

بقیه در صفحه ۳۱

لبنان: مصاف انقلاب و ضد انقلاب در اوج

صفحه ۲۱

لیبرالها از چه موضعی به لایحه پیشنهادی بودجه می‌نگرند؟

صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرفصله

مجموعه عوامل درونی و بیرونی خود، که در اینجا مورد بحث ما نیست، فاقد انسجام لازم و سیاست دقیقاً روشن بود، و نقطه در جریان پراکنج بود - انقلابی خویش این امکان را یافت که بتدریج از نقطه نظرها منع و مقتضیات رژیم سیاسی و اقتصادی سرمایه داری ایران، برای انسجام بیشتر گام بردارد. این حزب می‌رود تا با تکیه بر آموخته‌های پراکنج ضد انقلابی دوساله خود در رویا روشی با انقلاب و درگیری با جناح دیگر حکومت، و نیز با انکار بر تبار تاریخی بورژوازی ضد انقلابی، قابلیت‌های جدیدی کسب نماید و به موازات زدودن "ندانم‌کاریها" از دامن خطوط اساسی سیاست خویش در عرصه‌های گوناگون عنصر "درایت" و "پختگی" را نیز در مقلوبه تا کتیک‌های خود وارد نماید. حزب جمهوری اسلامی "پخته‌تر شده است" و حرکتهای اخیر این جریان ضد انقلابی، گواهی برای این امر است. در محور این حرکات نوین، "اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب" و سیاست عملی مبتنی بر آن از جانب جناح مسلط حکومت، قرار دارد که هم‌اکنون به یکی از مهمترین مسائل و موضوعات سیاسی جامعه تبدیل شده است.

"بیا نیده ماده‌ای" بمنابر تاکتیک نوین جناح مسلط حکومت، محصول تکامل سیاستهای حزب جمهوری اسلامی، بمنابر یک حزب ضد انقلابی در رویا روشی با مسائل اساسی جامعه، بحران کنونی و مبارزه او گریخته طبقاتی، در شرایط کنونی است. این "بیا نیده" و سیاست ناشی از آن آمیختگی از عوام‌فریبی، اخلاق و سرکوب، و درایت و کاردانی ضد انقلابی است که در آن اهداف چند گانه‌ای دنبال می‌شود. ما در شماره‌های گذشته "پیکار" جنبه‌های از این سیاست و تاکتیک نوین را مورد اشاره و بررسی قرار دادیم و در ذیل خواهیم کوشید تا اهداف اساسی نهفته در این تاکتیک و سیاست را، بطور مختصر و مفید اشاره قرار دهیم و سپس نتایج سیاسی حاصله از آن و تاکتیک صحیح کمونیستها را در برابر آن روشن نمائیم.

۱- تشدید سرکوب و اخلاق در پوشش "قانون"؛ از همان زمان که سردمداران رژیم سال جدید را سال "قانون" اعلام کردند، روشن بود که روش جدیدی در خط سرکوب و تهدید از دیهای سیاسی از جانب رژیم در پیش گرفته خواهد شد. این خط جدید رژیم در واقع همان خطی بود که بعداً در قالب "اطلاعیه ماده‌ای توسط جناح حزبی" فرمولبندی و ارائه گردید. چرا می‌گوئیم سیاست رژیم، به این دلیل که فی الواقع از مدت‌ها پیش و به موازات تسلط حزب به ارگانهای اصلی قدرت این جناح حزب بود که سیاست رژیم را در آن - ترین وجه آن طرح ریزی کرده و عملاً به پیش میبرد.

این تاکتیک جدید و پلانتفرم! آن یعنی

"بیا نیده ماده‌ای"، مبین این واقعیت بود که حزب جمهوری اسلامی، پس از یک دوره سرکوب در ایران و فاقدهرگونه پوشش و لباس قانونی، اکنون میخواهد که پوشش مناسب و عوام‌فریبانه‌ای برای این سیاست سرکوب و خفقان خویش فراهم نماید.

تجربه دوساله عملکرد حزب جمهوری اسلامی سرکوب خونین و آشکارا رودن استناد به قانون بورژوازی - چیزیکه لیبرالها بشدت بر آن پای فشردند - از "حزب یک چهره" قانون شکن بوجود آورده بود. چهره‌ای که بویژه لیبرالها در ترسیم و تجسم آن در ذهن متوهم توده‌ها نقش بسیاری ایفا کرده بودند. بعلاوه توده‌ها در تجربه مبارزاتی خود با کسب آگاهی بیشتر چهره حزب را بیشتر دریا فتند. این واقعیت‌ها در انفراد حزب بنحو بیابانه‌ای نقش ایفا نمود. "حزب" اکنون در پی آن بود که این سیاست را لباس قانون ببوشاند. تا درزیر چتر آن، بتواند تشدید خفقان و سرکوب را در عرصه سیاسی جامعه، با آسودگی بیشتری به اجرا درآورد.

از طرف دیگر بحران سیاسی جامعه، و تشدید نارضایتی توده‌ها و تندآدم‌اعتدالی جنبش در طمی این مدت، هیچ چشم اندازی از فروکش مبارزه طبقاتی را تصویر نمیکرد.

آنچه که از ابتدا قابل پیش بینی بود، گسترش بازم بیشتر مبارزه طبقاتی و نفوذ سیاسی نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست از سوی دیگر بود. بنا بر این "حزب" بمنابر نیروی مسلط حکومت، در پی راهی بود تا بتواند در آن زمینه، به نحو مطلوب به مقابله با این وضعیت بپردازد و نظام حاکم را از آبرو تعرض مبارزه توده‌ها، مومن دارد. "بیا نیده ماده‌ای" تبلور چنین سیاستی بود. با دقت تمام در موارد این "بیا نیده" بروشنی میتوان در پس عبارات عوام‌فریبانه و ظاهراً راسته‌آن، چهره‌گری تشدید خفقان و سرکوب مبارزه طبقاتی و آزادیهای دمکراتیک را مشاهده نمود. در این بیا نیده رژیم برای اولین بار بطور قانونی و رسمی، میکوشد تا نیروهای پیگیر کمونیستی را منفر دساخته و نیروهای سیاسی متزلزل را در دوراهی سائین با بورژوازی و یا "غیر قانونی شدن" قرار میدهد.

"بیا نیده ماده‌ای" اعلام رسمی جنگ، در پوشش قانون، به نیروهای انقلابی و کمونیست توده‌های تحت ستم! اعلام رسمی سیاست تشدید هر چه بیشتر خفقان و سرکوب، و اعلام نبردها آشکارتر به هر جلوه‌ای از آزادیهای دمکراتیک در صحنه سیاسی جامعه امروز است. در پس این بیا نیده بخوبی میتوان سیاست گسترش خفقان و سرکوب بورژوازی را، در عوام‌فریبانه‌ترین شکل خود مشاهده کرد. عملکرد این "بیا نیده" و سیاست در دوره اخیر و تاکنون بخوبی این چهره‌گری و ضد-انقلابی را در هیئت جدید آن، به نمایش گذاشته

است. از آن پس در لباس "قانون"، تظاهرات را ت مسالمت آمیز نیروهای انقلابی و کمونیست را با گلوله و نارنجک به خون کشیدند، و این کار را در پوشش قانون و بدلیل "مخدوش شدن قانون" انجام دادند. هرگونه تظاهرات را بمنابر علنی را بشدت سرکوب کردند، دستگیری و شکنجه را شدت بخشیدند و هرچنان شی از حرکت توده‌ها یافتند، و حشانه ترا گذشته و برای حفظ "قانون" بدانجا یورش بردند. چنین است مهمترین وجه سیاست جدید حزب جمهوری اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی.

۲- تعیین دقیق مرز دوستان و دشمنان رژیم و بهره‌گیری از ستون پنجم بورژوازی در درون جنبش کارگری، تا دیروز حزب جمهوری اسلامی با کودنی تمام، کاسلیسان و مشاطه‌گران خود را بدیده "بیمه‌ری" مبتکریت و آنان را از قبضه دوستی و محبت خویش محروم میساخت. یکی از جلوه‌های "پختگی" سیاست حزب و در عین حال، از عوام‌فریبانه‌ترین جلوه‌های آن، در ازگر دن دست دوستی به سمت این دشمنان انقلاب و طبقه کارگر و قانونیت بخشیدن به فعالیت آنها و نشان دادن آنان در کنار خویش بمنابر متحد

آشکارا حکومت است. رویزیونیستهای خائون توده‌ای و "اکثریت" که به کاسلیسی ارتجاع مشغول بودند، اکنون فرصتی یافته اند تا اجرو مزدخیا نت خویش را از دست رژیم دریا فت نمایند رژیم با این کار دود هدف مشخص را دنبال میکند، از یک سو در صددیت با ما رکیسم لنینیم، عا ملین خویش را در درون جنبش کارگری بطور فعال بکار می‌اندازد تا به مشاطه‌گری بیشتر چهره‌گری رژیم بپردازد و نودهن توده‌ها را نسبت به ما هیست ضد مکرراتیک و ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و بویژه حزب جمهوری مخدوش و مسموم نمایند، و از سوی دیگر با قانونی کردن آنها، بیبوند خویش را با متحدین واقعی اش در درون جنبش کارگری مستحکم سازد و از این طریق با یگانه اجتماعی خویش را گسترده تر سازد و انفراد بیشتر خویش را تا حد ممکن جبران نماید. حزب جمهوری دروا با این عمل بطور اوتوماتیک، مرز میان دوستان و دشمنان و واقعی خود را ترسیم میکند و با گذاشتن معیارها و ملاکهای در "بیا نیده ماده‌ای" خود که فی الواقع مرز میان خیانت به انقلاب و فساداری به آن را تعیین مینماید، مرزها را بروشنی ترسیم مینماید و هرگونه کدورتی را از صورت آن میزداید.

۳- گرفتن ابتکار عمل از لیبرالها و خلع سلاح کردن آنها، یکی از ابزارهای اساسی که لیبرالها، در جهت مقابله با رقیب سیاسی خویش در قدرت، یعنی حزب جمهوری اسلامی، از آن سود جستند، و مهمترین آنها، "التزام" خویش به "قانون" و "عدم پایبندی" حزب" به آن بوده است. بنی صدر، سخنگو و رهبر اصلی بقیه در صفحه ۸

زنده باد سوسیالیسم!

جنبش کارگری



**تثبیت نرخ دستمزد
سال ۵۹: تشدید فقر
وفلاکت کارگران**

سرانجام بعد از زمینه چینی های بسیار، مقامات رژیم جمهوری اسلامی اعلام کردند که حداقل دستمزد کارگران همچون سال گذشته بمقدار ۶۳۵ ریال تثبیت خواهد گردید و تنها مبلغ ۴۰ ریال بعنوان "حق پایه" بکارگرانی که بیش از یکسال سابقه داشته باشند تعلق میگیرد. ضمن آنکه مدیران صنایع حق خواهند داشت که مبلغ ۲۰ الی ۶۰ ریال بکارگرانی که از کارشان رضایت دارند بپردازند. این تصمیم ضدکارگری رژیم در شرایطی صورت میگیرد که دامنه عظیم فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان، موجب تیز شدن اعتراضات کارگران برای افزایش دستمزد گردیده است. خواست افزایش دستمزد به اندازه رشد تورم یکی از محورهای عمده مبارزات اقتصادی کارگران است، چرا که با توجه به نرخ فزاینده تورم و بر طبق آمار رسمی دولت (هما نظیر که در سپتامبر ۱۹۵۹ نشان دادیم)، حداقل مینمایست ۴۲/۵٪ بردستمزد کارگران اضافه شود تا سطح زندگیشان در حد سال گذشته ثابت بماند (مادریا هر حداقل واقعی افزایش دستمزد در آینده نظر خود را خواهم گفت).

تورم کنونی جامعه که ناشی از تضادهای ذاتی سرمایه داری بوده و از سال ۵۵ به اینطرف شدیدتر شده است، باعث میشود که سطح زندگی کارگران و زحمتکشان روز بروز پایین تر آمده و زندگی مشقت بار آنها با زهم سخت تر شود و ما در عرض جیب سرمایه داران روز به روز برتر شود. بنا بر این بغرض افزایش درصد مذکور به حقوق کارگران که حداقل آنها معادل ۹۰۰ ریال قرار میدهد، تا زهم کارگران زحمتکش مینمایست زندگی فلاکت بار سال گذشته خود را تکرار نمایند. اما با تصمیم خرید دولت، کارگران به زندگی بمراتب فلاکتنازتری برتاب میشوند آنچه مسلم است اینست که تصمیم رژیم مبنی بر عدم افزایش حداقل دستمزد کارگران، عکس العمل مبارزاتی گسترده ای را از سوی کارگران بدنبال خواهد داشت. این حقیقتی است که خود رژیم نیز بدان واقف است منتها سعی دارد تا با تبلیغات عوامفریبانه خود مسئله را وارونه جلوه دهد و این اقدام ضدکارگری خویش را "مقابله با افزایش سرسام آور قیمتها" (!؟) قلمداد نماید. اما با این وجود این سوال پیش میاید که هدف رژیم از این اقدام چیست و عوام فریبیها پیش در کجاست؟ آنچه که با رها توسط مقامات رژیم (از سخن -

اعتصاب در کارخانه پارس الکتریک

اعتصاب کارگران پارس الکتریک (تهران و کرج) و حوادثی که در طی آن اتفاق افتاده است یکبار دیگر این حقیقت انکارناپذیر را نشان داد که آگاهی و تشکیل سلاح کارگران در مبارزه با مهای سرمایه داری است و مبارزه نشان داد رژیمهای سرمایه داری همچون رژیم جمهوری اسلامی در هر مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگری در خلغ سلاح آن، یعنی برهم زدن اتحاد و تشکیل آنان در اندوخته شوراها و زودمهر میزد بر این حرکت میزنند.

روز شنبه ۱۹ اردیبهشت عده ای از کارگران قسمت قطعات (قسمت های قالب سازی و توشیای کارخانه پارس الکتریک در تهران) با خواست دریافت ۲۰ روز و دو بیوه دست به اعتصاب می زدند.

روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت کارگران پارس الکتریک در کرج هم، با شنیدن خبر اعتصاب در تهران، اعتصاب میکنند. انجمن اسلامی برای درهم شکستن اعتصاب، عناصرش را به اتفاق تعدادی از سرپرستان به جای کارگران میگردانند تا کارآنها را پیدا کنند اما کارگران اعتصابی با هو کردن این مزدوران توطئه آنها را خنثی مینمایند. اما انجمن اسلامی از دردیگروارده شده و سعی میکند با ایجاد برخوردهای لفظی و احتمالا

اخراج کارگران شرکت اترک و چپاول دستمزدشان

شرکت دولتی اترک در بندر عباس در اوائل اردیبهشت ماه حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کارگر خود را که نیمی از آنان بومی و بقیه کرد و ترک و... بوده اند، بدلائل نامعلومی و در حالی که کارگران شرکت تمام نشده بود، اخراج میکنند.

کارگران اخراجی که دستمزدشان روزانه فقط ۶۳ تومان میباشد، بین ۳ تا ۵ ماه حقوق از شرکت طلبکارند، برای رسیدگی بوضعشان به اداره کار مراجعه میکنند. اداره کار طبق معمول کارگران را سر میدواند. کارگران بر علیه شرکت اعلام جرم میکنند، شکایت به دادستانی و از آنجا به زندان مری و سپس به باسگاه خون سرخ فرستاده

میشود و با سگاه خون سرخ تیز سلب مسئولیت کرده و پرونده برگشت داده شده و به جانی نمیرسد. کارگران میگویند سوء استفاده های مالی بسیاری توسط شخصی بنام مهندس موسوی، صورت گرفته. این فرد با ما مورخ بر شرکت و مهندسین دیگر تباری کرده و حقوق کارگران را با لاکشیده است. اینست نمونه ای از باقیمال کردن حقوق کارگران، آنهم توسط شرکتهای دولتی!

به نقل از پیکار خلیج، نشریه هسواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - بندر عباس شماره ۳۰ با تلخیص و تغییر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



گوی دولت گرفته تا مسئولان وزارت کار) بعنوان توجیهی جهت پاشیدن نگاهداشتن دستمزدها و عدم افزایش آنها، بیان شده، این ادعاست که گویا افزایش دستمزدها موجب بالارفتن قیمتها خواهد شد و بنابراین برای مقابله با تورم (افزایش قیمتها) میبایست دستمزدها را ثابت نگاهداشت (ما در باره این شاید و گوشه‌های عوامفریبانه سرما به داران در پیکار شماره ۱۰۵ توضیحات لازم را داده‌ایم. در این رابطه معاون پارلمانی نظارت و وزارت کار و امور اجتماعی، در تشریح سیاست دولت در باره مزد میگوید:

"افزایش دستمزدها پدیده‌ای افزایش تولید ارتباط مستقیم و بیوسوده‌اشته‌با شد تا تناسب حجم پول در گردش و میزان کالای عرضه شده را برهم نزند. به همین لحاظ وزارت کار و امور اجتماعی تلاش میکند تا این نکته به بالارفتن قدرت خرید کارگران کمک کند حتی المقدور ترتیبی بدهد تا از مهاجرت‌های بی‌رویه روستا نشین به شهرهای بزرگ جلوگیری نماید و در جوار آن نیز از اجناسی نابهنگام با به اصطلاح از مهاجرت کارگران از بخشی به بخش دیگر صنعت خودداری گردد." (۸)

این مطلب بیان نگرسه مسئله است: نخست آنکه رژیم قصد دارد علت کمبود دستمزدها کارگران را کمبود تولید درجه‌ای معجله دهد. و بدین ترتیب کارگران را به امید افزایش دستمزد، وادار به تولید هر چه بیشتر تا خسته و بر شدت استثمار آنها و نتایج تیرسوز سرمایه‌داران، بیا فراید. در حالیکه تورم موجود ناشی از تفاذهای ذاتی سیستم سرمایه‌داری وابسته میباید دورا حل متضاد دارد: راه نخست راه انقلابی است که بحران را بنبفع کارگران و زحمتکشان حل میکند، راهی که در چهار چوب سیستم موجودا مکان پذیر نیست.

و اما راه دوم راه افدا انقلابی و سرمایه‌دارانه میباید شد که بحران را بقیمت تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر کارگران و زحمتکشان، برای مسدود کردن راهی که رژیم جمهوری اسلامی با انتقال فشار بحران بر دوش کارگران از طریق استثمار روحیانه آنها، سعی در انجامش دارد. آری بیپوده نیست که رژیم زیگسویه سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران میباید زدها زوسی دیگری کسک نوکران رویزین نیستش اما کارگران را به افزایش دستمزدها و رفع افزایش استثمار و محرومیتها نشان وادار میباید.

نکته دوم، مربوط میشود به ادعای معاون

۶۰/۳/۵ - روزنامه میزان

وزیر کار رمیننی بر "تلاش رژیم برای بالابردن قدرت خرید کارگران"؟! حتما منظور آقای معاون از این "تلاش"، افزودن ۴۰ ریال "حق پایه" برای آنها که پیش از یکسال سابقه کار دارند، و دادن اجازت به کارفرمایان برای پرداخت مبلغی بین ۲۰ تا ۶۰ ریال جهت "تشویق" کارگران، میباید! خوبست که در اینجا به این "تلاش"‌های سخاوتمندانه رژیم برای بالابردن قدرت خرید کارگران نظری بیافکیم:

میبینیم که اولاً با توجه به اخرجهای متعدد و عدم استخدام رسمی بسیاری از کارگرانی که چندسال سابقه کار دارند، توسط کارفرمایان در صد محدودی از کارگران میتواننند از ۴۰ ریال "حق پایه" استفاده کنند. ثانیاً با محول کردن پرداخت ۲۰ الی ۶۰ ریال به تصمیم کارفرمایان روشن است که آنها از پرداخت این مبلغ حتی الامکان خودداری خواهند کرد و تنها به مزدوران و جاسوسان خود بعنوان دستخوش خواهند پرداخت. ثالثاً رژیم کامی سرمایه‌داران سعی دارند بدین وسیله رقابت را در میان کارگران دامن زده. این رقابت باعث میشود که از یکطرف کارگران به امید دریافت دستمزد بیشتر کاریگری کرده و شدیدتر استثمار شوند و از طرف دیگر با ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف کارگران وحدت مبارزاتی آنها از بین برود و در نتیجه نتوانند متحداً به مبارزه خود بر علیه سرمایه‌داران اقدام دهند و حداقل به بعضی از خواسته‌های خود برسند. اما مهمترین زهره این مسئله است که



رقابت بین کارگران باعث میشود که سرمایه‌داران بتوانند با استفاده از این رقابت باز هم دستمزدها را کمتر کنند. رقابت بین کارگران یکی از بهترین حربه‌هایی است که سرمایه‌داران سعی میکنند همیشه از آن استفاده کنند. عوامفریبی رژیم جمهوری اسلامی یعنی حکومت سرمایه‌داران وقتی روستر میشود که

نگاهی به بودجه سال ۱۳۶۰ بیندازیم، در بودجه سال ۶۰ سهم مالیاتهای غیر مستقیم در درآمدهای دولت به نسبت سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است. بعبارت دیگر در سال ۶۰ مالیاتهای برروری اجناس مورد مصرف کشیده میشود با عت گرانتر شدن هر چه بیشتر آنها خواهد شد. سهم بیشتری در درآمدهای دولت خواهد داشت. این مسئله باعث خواهد شد که قیمت اجناس با زهم بالاتر برود و صرف کارگران و زحمتکشان با زهم کمتر شود، زیرا فشار این مالیاتها هم مثل مالیاتهای مستقیم با لاجره بردوش کارگران و زحمتکشان قرار میگیرد. بنا بر این میبینیم که رژیم سرمایه‌داران چطور از یکطرف ادعای افزایش قدرت خرید کارگران را میکنند و از طرف دیگر با ثابت نگاهداشتن دستمزدها و با افزایش مالیاتهای غیر مستقیم، قدرت خرید آنها و بعبارت دیگر

میزان مصرف آنها را با زهم محدودتر میکند. برای اینکه تصویر روشن تری ترسیم کنیم وضعیت از این قرار است: قیمتها روز به روز با طر تورم بالاتر میروند، دستمزدها همچنان ثابت میمانند، عده زیادی بخاطر بیکاری و نداشتن کار حتی هم

دستمزدها را هم ندارند، رژیم جمهوری اسلامی برای دفاع از منافع سرمایه‌داران به وحشیانه‌ترین شکلی دست به سرکوب مبارزه طبقه کارگر برای افزایش دستمزد میزند. نتیجه: کارگران علی‌رغم اینکه بیشتر و

بیشتر کار میکنند و استثمار میشوند، اما با زهم فقر و فلاکت بیشتری دامنگیرشان میشود و سرمایه‌داران روز به روز جیبهاشان پرتر میشود و زندگی آسوده‌وار حاشان راحت‌تری اینست

سرمایه‌داری و اینست رژیم جمهوری اسلامی. اما از همه اینها که بگذریم میبینیم که حداقل مبلغی که میتواند به دستمزد یک کارگر با سابقه اضافه شود، ۱۰۰ ریال میباید، که در این صورت نیز با توجه به حداقل دستمزدی (۹۰۰ ریال) که طبق محاسبه خود رژیم باید پرداخت شود

حداقل سطح زندگی چنین کارگرانی نسبت به سال گذشته، فاصله زیادی وجود دارد.

بدین ترتیب واضح است که این "تلاش"‌های رژیم تنها موجب بالابردن قدرت خرید کارگران نمیشود، بلکه جز در خدمت فریب آنها و دامن زدن تفرقه در میان نشان نیست.

و اما نکته سومی که آقای معاون وزیر سعی دارد به ما القا کند، اینست که گویا "مهاجرت" - های بی‌رویه روستا نشین به شهرهای بزرگ "ویا" - جاجاشی نابهنگام کارگران از بخشی به بخش دیگر صنعت "از عوامل پاشیدن سطح زندگی کارگران و زحمتکشان است.

در حالیکه و لاجوه این پدیده "مهاجرت‌های بی‌رویه" چیزی جز مهاجرت دهقانان و ورشکست خانوار شده‌ها را شرح کمیت سرمایه‌داری بر طبقه در صفحه ۳۰

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق‌ها و مسئله ملی



**حزب دمکرات با حمله
به کومله در مقابل
خلق کرد ایستاده است!**

علیرغم توافق حزب دمکرات جهت آتش بس و مبارزه با سرای طرفین با کومله در تاریخ ۶۰/۲/۹، حزب دمکرات کماکان دشمنی خود با کومله را ادا نموده و با زیر پا گذاشتن مفاد توافقنامه، تبلیغات، دروغ‌ها و حملات مسلحانه خود به کومله و هوادارانش را گسترش داده است. ما ضمن اعلام حمایت همه‌جانبه خود از سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) به خلق رزمنده کرد و خلق‌های سراسر ایران، به تمام کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی و مترقی هتدای ردا ده و یادآوری می‌کنیم که ادا ما بین تعزات ضد انقلابی حزب دمکرات به پیشمرگان انقلابی کومله، باعث گسترش هر چه بیشتر تاخت و تاز رژیم جمهوری اسلامی در کردستان قهرمان گشته و با فراموش کردن زمین‌های شکست جنش مقاومت موجب پایداری شدن خون هزاران شهید و زخمی خلق کرد و دستاوردهای دمکراتیک دو سال مبارزه حماسه آفرین این خلق ستندیده خواهد گشت. بنابراین ما از این نیروها می‌خواهیم که با تمام قوا به مقابله با توطئه‌های حزب دمکرات برخاسته و مانع از تجدید کردستان به عرصه مبارزات شود. توسط حزب دمکرات گشته و از پایداری شدن حقوق خلق ستندیده کرد جلوگیری نمایند.

ما با دیدن گریزناکی کیدر این نکته که مسئولیت کلیه بی‌مادهای ناخواسته درگیری‌های تحمیلی حزب دمکرات با کومله، بر عهده حزب دمکرات می‌باشد، خواهان حل اختلافات فی‌مابین از طریق مصلحت‌آمیز و مذاکره، استرداد گروگان‌ها و پایداری دادن به جواری و تروار و خفقان ایجاد شده توسط حزب دمکرات، می‌باشیم. در مورد توطئه‌های اخیر حزب دمکرات، کومله طی اعلامیه‌ای به خلق کرد و همه نیروهای انقلابی ایران هتدای ردا ده است که ما قسمت‌های از اعلامیه مذکور را در اینجا می‌آوریم:

هتدای ردا ده به خلق کرد و همه نیروهای انقلابی ایران! هم‌میهنان مبارز! خلق رزمنده کرد!

بیش از بیست روز از درگیری‌های که حزب دمکرات فراداده می‌سازد، مشاهده می‌کنیم، به ما تحمیل نمود، می‌گذرد، ما طی روزهای درگیری آنچه در توان داشتیم بکار بردیم تا از توسعه آن جلوگیری نمائیم. با آتش بس و مذاکره

مروری بر درگیری‌های حزب دمکرات با کومله در اطراف مهاباد ریشه‌ها و علل حمله حزب دمکرات به کمونیست‌ها

را مجروح کردند. پس از این واقعه چاقو را به حزب به فروشندهگان نشریات نیروهای انقلابی حمله کرده و بوسه‌ها و اعلامیه‌ها و نشریات انقلابی را پاره کرده و چند نفر را دستگیر کردند.

— بوکان ۵۹/۱۲/۷، افراد حزب دمکرات با وحشیگری به قهرمان زمان پیکار حمله کرده و سه کمونیست قهرمان، رفقا محمود بلاغیان، باقی خیاطی و طاهر ابراهیمی را بشهادت رساندند. آنها چندین نفر را مجروح و بی‌سازگار از غارت‌ها و آموال سازمان حدود ۳۰ نفر از رفقای ما را دستگیر کردند.

وقتی که اقدامات ضد انقلابی فوق را به ترتیب تاریخ وقوع آنها ارزیابی کرده و آنرا در کنار تعرض گسترده اخیر حزب به پیشمرگان کومله قرار می‌دهیم درمی‌یابیم که با گذشت زمان دامنه دشمنی این حزب با کمونیست‌ها و بطور اجتناب‌ناپذیری با خلق کرد گسترش یافته و به حمله مسلحانه مستقیم دستگیری و ضرب و جرح انقلابیون کمونیست، خلع سلاح و کشتن کمونیست‌ها کشیده شده است.

با نگاهی به فرازونشیب دو سال مقاومت حماسه آفرین خلق کرد و دستاوردهای گرانبهای آن، میتوان دریافت که علیرغم تلاش‌های سرکوب‌گرانه رژیم پیکارگری اشکال پیچیده‌تری از سرکوب توسط جمهوری اسلامی، جنش مقاومت همچنان تداوم و خویش را حفظ کرده است. چنین روندی بدون تردید نمیتواند جدا از شرکت فعال کمونیست‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد، چه دقیقاً موجودیت کمونیست‌ها در جنبش خلق کرد، بیان آن را در ادیکال لیستی است که بر اساس آن جنش مقاومت در مقابل جنايات و توطئه‌های گسترده رژیم در کردستان، تاکنون پایداری نموده است. بعلاوه در راستای این پیرویه،

اخیراً حزب دمکرات در ادا می‌سازد که ضد دمکراتیک خود در جهت سرکوب نیروهای انقلابی کردستان، طی حملاتی به پیشمرگان انقلابی کومله، به تن‌آنها را بشهادت رسانید و تنافلاً در اثر مقابله انقلابی پیشمرگان کومله در جهت دفاع از دستاوردهای دمکراتیک دو سال مقاومت حماسه آفرین خلق کرد ۸۰ تن از افراد مسلح حزب کشته و چندین نفر مجروح شدند. ما جزئیات درگیری‌های اخیر روستا‌های مهاباد را در شماره‌های پیشین به تفصیل شرح دادیم. آنچه در اینجا مورد نظر ماست بررسی علل و ریشه‌های این حملات ضد انقلابی حزب دمکرات به کمونیست‌ها بویژه به کومله در روزهای اخیر و افشای سیاستی است که از جانب حزب به چنین درگیری منجر شده و نتایج آن را به خوشحالی دشمنان و جلادان خلق کرد و نوکسران رویزیونیست آنها را فراهم آورده است. برای شناخت و بررسی علل و ریشه‌های این درگیری مروری بر گوشه‌هایی از اقدامات ضد انقلابی حزب و دشمنی آن با کمونیست‌ها ضروری است:

- مهاباد ۵۹/۹/۲۰، دستگیری و آزار چارتن از پیشمرگان کومله که یک جانش را جهت بازجوئی به ما داد می‌بردند.
- مهاباد ۵۹/۹/۲۰، تن از پیشمرگان پیکار توسط افراد مسلح حزب دمکرات خلع سلاح شدند.
- بوکان ۵۹/۱۰/۵، افراد حزب بطور مسلحانه به میتینگ کومله حمله کرده و به ضرب و ستم مردم و پیشمرگان کومله پرداختند.
- بوکان ۵۹/۱۱/۲۰، افراد حزب به روستای "حمایان" حمله کرده و ضمن دستگیری اعضای شورای انقلابی روستا، به ما موستا و کومله توهین کردند.
- بوکان ۵۹/۱۱/۲۲، افراد مسلح "حزب دمکرات" برای آزادی یک سرمایه‌دار پیشمرگان کومله راه‌پیکار بسته و یک پیشمرگه و یک کودک خردسال

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق‌هاست



خلق ها و مسئله ملی

موافقت کردیم و در جریان آن توافقنا مه ای را به تاریخ ۶۰/۲/۹ با حزب دمکرات به امضاء رساندیم که به موجب آن می بایستی طرفین آزادبها ی دمکراتیک را محترم شمرده و اختلافات خود را از طریق سیاسی و مذاکره حل کنند و همچنین قرار شد زندانیان طرفین با اسلحه و وسایلشان زیر نظریک هیئت چهار جانبه مبادله گردند. توافقات ما برپایه یک سیاست اصولی بود که از ابتدای جنبش مقاومت در پیش گرفته و با رها کردن آن به مردم اعلام نموده بودیم. یعنی اینکه ما مخالف درگیری نظامی با حزب دمکرات بوده و هستیم و از جانب خودنا کنون حتی در یک مورد نیز این سیاست خود را نقض نکرده ایم. سبب بنیم در برسی سیاست اصولی و روشن ما حزب دمکرات چه سیاستی داشته است؟

حزب دمکرات همواره از این موضع ما سوا استفاده کرده و از هر فرصتی برای اغلال در فعالیت سیاسی و نظامی ما بهره برداری کرده است. دستگیری و شکنجه پیشمرگان ما، دستگیری و شکنجه هواداران مسلح و غیرمسلح ما، دستگیری و توهین و کتک کاری کسانی که در برابر سیاست های ضددمکراتیک حزب ما روزه کرده اند تحت عنوان اینکه کومله آنها را تحریک کرده است و صدها مورد از این قبیل، بعلاوه تا به امروز کتبی علیه کومله کار همیشگی حزب بوده است ...

... با وجود اینکه در مذاکرات اخیر با حزب دمکرات سرانجام به امضاء توافقنا مه ای مبنی بر عدم تعرض و تلاش برای حل اختلافات از طریق سیاسی و مذاکره دست یافتیم، اما بزودی آشکار گردید که این توافقنا مه از جانب حزب دمکرات ظاهری بوده و به هیچ وجه خود را ملزم به رعایت آن نمی بیند. حزب دمکرات از همان ابتدا آتش بس مورد توافق را رعایت نکرد و در اطراف ما با چندین بار جمع کردن نیرو و حمله به مواضع پیشمرگان کومله، ما را با زهم آزمایش کرد. گذشته از آن با بیانه ترا شیهای بی مورد مبادله زندانیان و اسلحه ها را بتمویق انداخت و با لاخره حاضر نشد همه زندانیان را مبادله کند ...

... هر روز که به تاریخ نهائی مبادله تعیین شده از طرف هیات چهار جانبه یعنی ۱۳۶۰ / ۲ / ۱۹ نزدیک میشدیم بر خلاف توصیه ها و تذکرات مکرر ما به هیات چهار جانبه و از این طریق به حزب دمکرات، نه تنها هیچ اقدامی از طرف حزب برای اتمام مرمیادله صورت نگرفت بلکه نمایندگان آنها در جریان مذاکرات آشکارا اعلام کردند که توافق اخیرشان در مورد مبادله کامل گروگانها مطابق سیاست حزب نبوده و کسانیکه آن را امضاء نموده اند، اشتباه کرده اند. با اینحال ما بر طبق موافقتنا مکه که تجدیدکارها ت چهار جانبه را پیش بینی کرده است کتبا تقاضا کردیم که هیات چهار جانبه به کار خود ادامه دهد.

اما مسئله بدینجا ختم نشد و تا می عملکرد - های حزب در روزهای اخیر بیوزنه در منطقه سداشت نشان میدهد که حزب دمکرات نقشه های دیگر و بزرگتری در سر می پروراند.

افراد مسلح حزب طی روزهای اخیر بر سر راههای اصلی عبور و مرور پیشمرگان ما کمین کرده و یکی از موارد آن ایجاد درگیری در نزدیکی "واوان" بوده که در آنجا با وجود اینکه قصد خود را مبنی بر عبور به آنها اطلاع دادیم، راه را بر عبوریک گاروان ما بستند که ما قبلا جزئیات آن را طی اطلاعیه ای اعلام کردیم در حالیکه حزب دمکرات به کمین گذاری و حمله آشکارا به پیشمرگان ما در سردشت دست میزند از راه دیوی خود دروغی پخش میکرد مبنی بر اینکه گویا پیشمرگان ما در میوان چهل نفر از افراد آنها را خلع سلاح کرده اند که ما بلافاصله تکذیب آنرا به هیات چهار جانبه اعلام کردیم. به این ترتیب آنها نشان دادند که با اینگونه دروغها کتبی قصد زمینه سازی برای جریانات سداشت را داشته اند.

حزب دمکرات در ادامه عملیات خود علیه کومله چندتن از پیشمرگان ما را که به مرخصی رفته بودند، در جاده پیرا شهر - سردشت دستگیر نموده است. ما برای اینکه طبق موافقتنا مکه از توسعه درگیری ها اجتناب کنیم، نیروهای خود را از "سویستی سردشت" به "گورگ سردشت" آوردیم. زیرا پیشمرگان ما هرآنجا با خطر کمین - گذاری و حمله افراد مسلح حزب روبرو بودند، اما حزب از این عمل مانع از بدینصورت بهره برداری کرد که:

اولا - شروع به دستگیری و شکنجه و غارت اموال هواداران مسلح و غیرمسلح مانده و خانواده های پیشمرگان ما را تحت فشار و آزار قرار داده است.

ثانیا - سد حال سازمان دادن نیروهای خود برای حمله به پیشمرگان ما در ناحیه ربط میباند (و معلوم نیست که تا هنگام پخش این اعلامیه حمله را عملا آغاز نکرده باشد.)

ثالثا - پس از این جریانات سردشت بود که ما بناچار برای متوقف ساختن تعرض حزب بر روی پیشمرگان و هواداران کومله و حفظ جان آنها عده ای از افراد حزبی را در جاده های اطراف سردشت دستگیر کردیم.

خلق رزمنده کرد!

ما با رهاگفته ایم که درگیری بین ما و حزب به جنبش مقاومت خلق کرد لطمه میزند، زیرا در نتیجه آن حکومت جمهوری اسلامی قادر خواهد شد تسلط ارتجاعی و سیا خود را بر خلق کردنیست عمل نماید. بنا بر این بر طبق حقیقت فوق منتهای سعی خود را بکار برده ایم تا اگرچه حزب دمکرات به آن وقتی ننهد که از طریق سیاسی مانع از گسترش تعرضات حزب گردیم و از انجام عمل متقابل خودداری کنیم. ما رهبران حزب دمکرات اکنون سیاست اصلی خود را برای حمله به کومله و تلاش در جهت پایمال کردن دستاوردهای دمکراتیک جنبش مقاومت خلق کرد قرار داده اند ...

... حزب دمکرات که اکنون در سردشت به دامنه

تحریکات و اعمال ضد انقلابی خود علیه کومله افزوده است، چرا از اعلام صریح موضع خود طفره میبرد؟ ما بدینوسیله به خلق کرد و پیشمرگان حزب دمکرات اعلام میکنیم که ما در اجرائی توافقنا مه اخیرنا بت احساس مسئولیت را نشان داده ایم و چنانچه حزب نیز به اجرای آن یا نبندد یا شد، ما مکان هیچگونه برخوردنا می بینیم طرفین وجود نخواهد داشت و از حزب دمکرات کردستان نیز رسامیخواهیم که سیاست خود را در ایتمورد روشن نموده و آن را اعلام نماید. در غیر اینصورت مبارزات خلق کرد با مال سیاست های ضددمکراتیک رهبران حزب خواهد گردید و کردستان ایران لبنان دیگری در خاورمیانه خواهد شد. خلق رزمنده کرد!

زحمتکشان کردستان!

حزب دمکرات در حال توطئه چینی و تهاجم وسیعتر از گذشته به پیشمرگان کومله در جهت سیاست "حزب مختاری" است. ما مراحتنا هشدار میدهیم که حزب دمکرات در پی ایجاد یک جنگ تمام عیار با کومله میباید ...

ما مسلما با قاطعیت تمام در برابر تهاجمات آنها ایستادگی نموده و تهاجم را با شکست روبرو خواهیم ساخت.

اما آنچه در اینجا مهم است این است که این تعرضات حزب مسلما راه را برای گسترش هجوم رژیم جمهوری اسلامی و به خلق کرد نیز فراهم خواهد ساخت و حزب چه بخواد چه نخواهد در این عمل همکار مستقیم رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود. چنانچه شما خلق رزمنده کردنی خواهد در

برابر سرکوب و تعرض رژیم جمهوری اسلامی سرخ کنید، چنانچه میخواهید به دفاع از دمکراسی در کردستان ادامه دهید و تسلیم جبر و زور رژیم نشوید، باید از هر طریق ممکن با این سیاست حزب به مقابله برخیزید. غیر از این راهی نیست یا مبارزه در راه حفظ و کسب دمکراسی یا تسلیم سرکوب و خفقان شدن، سرکوب و خفقانی که در نتیجه هماهنگی و پیوند عملی سیاست حزب و رژیم جمهوری اسلامی شامل خلق کرد خواهد گشت.

مبارز دیگران رهبری حزب دمکرات میخواهیم که:
با ما وارد مذاکره شوند، به مبادله تمام گروگانها از دو طرف رضایت دهند، به دستگیری و آزار و اذیت هواداران ما در سردشت و ایجاد جو خفقان در آنجا ختم دهند و ما نندما تعهد نمائیم که در اختلافات خود به راه حل نظامی متوسل نخواهیم شد.

در غیر اینصورت ما نسبت به تمامی نتایجی که در اثر سیاستهای حزب دمکرات به بار خواهد آمد، به خلق کرد و همه نیروهای انقلابی ایران هشدار میدهیم.

ما از همه نیروهای انقلابی آگاه ایران میخواهیم که فعلا نه و مسئولان در این رویدادها دخالت نکنند و با اتخاذ مواضع روشن و صریح انقلابی به مردمگراسی در ایران یاری نمایند. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) ۱۳۶۰/۲/۲۵

تظاهرات اول ماه مه در خارج از کشور

دانشجویان کمونیست هواداران سازمان ما، با شرکت در تظاهرات اول ماه مه در شهرهای آمریکا و اروپا مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران را به میان کارگران کشورهای امپریالیستی برده و همبستگی بین المللی کارگران ایران و جهان را با شعارهای انقلابی خود بیان کردند. در آمریکا: رفقای هواداران در شهرهای سانفرانسیسکو و برکلی، در تظاهرات "حزب کمونیست انقلابی RCP شرکت نمودند و همبستگی کمونیستهای ایرانی و آمریکایی را منعکس کردند این تظاهرات با یورش پلیس فاشیست آمریکا روبرو شد که دهها نفر دستگیر و یکی از رفقای ما زخمی گردید.

در کانادا: رفقای هواداران که فرا رسد تظاهرات مشترکی با هواداران اقلیت بر گزار نمایند، بیکروز قبیل از اول ماه مه اطلاع یافتند که هواداران "اقلیت" با هواداران مجاهدین را همبستگی خواهند کرد و در نتیجه دانشجویان کمونیست هواداران برای انعکاس همبستگی کارگران ایران و کانادا در صدف E.L. (ما رکیست لنینیستهای کانادا) شرکت نمودند.

ایتالیا: رفقای هواداران و رفقای اقلیت در شهرهای مختلف از جمله رم، فلورانس و... در تظاهرات مشترکی خروش ختم کارگران ایران را منعکس ساختند.

فرانسه: اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه هواداران سازمان "پیکار" همراه با رفقای هواداران کومله در تظاهرات مشترکی با شرکت سازمان م-راه پروولتاریا (فرانسه) دانشجویان ترک و کارگران ترک، اول ماه مه روز جهانی کارگران را گرامی داشتند.



این تظاهرات که یک ساعت بطول انجامید شرکت کنندگان انقلابی با روحیه ای کمونیستی و انقلابی با دادن شعارهای زنده باد انترناسیونالیسم کارگری، مرگ بر امپریالیسم فرانسه، مرگ بر فاشیسم و ترکیه، مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی در ایران، کارگران فرانسه - مهاجر، تساوی در تمام حقوق، نس است کشتار در کردستان ایران و زنده باد مبارزات کارگران ایران و جهان و... همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان را به نمایش



گذاشتند. در پیشاپیش صف عسکری رهبران پروولتاریا مارکس، انگلس، لنین و استالین حمل میشد که همراه با شعارهای کوبنده رفقای شرکت کنندگان شیرمنبتی در کارگران و زحمتکشان فرانسوی و مباحثه کردند. در این راه همبستگی موفقیت آمیز کارگران ناساچی سن دن (جومه با ریس) نیز شرکت داشتند.



مراسم اول ماه مه در پاریس

● روز سوم از طرف سازمان پاریس عفو اتحادیه جهانی هواداران سازمان ما جشنی سیاسی برگزار گردید که ۲۵۰ نفر در آن شرکت داشتند که رفقا با خواندن مقاله‌هایی به فارسی و فرانسه مسائل مربوط به زحمتکشان ایران و ارتجاع سیاسی جامعه را مطرح کردند. در این برنامه سرودهای انقلابی، شری از سر توتو، موسیقی کوردی و آوازه‌های انقلابی با جراد آمده و رفقا با بخش اسلاید زنجیر مقاومت خلق کرد و اجرای تئاتر در مورد جنگ ارتجاعی کنونی و تائیر آن - زندگی زحمتکشان به دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران پرداختند.

● به مناسبت اول ماه مه در پاریس میتینگ دیگری برگزار گردید. سازمانهای برگزارکننده عبارت بودند از: اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (UEIF)، هواداران سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)، فدراسیون زحمتکشان ترک در فرانسه (FTTF)، اتحادیه دانشجویان ترک در فرانسه عفو کنفدراسیون دانشجویان در خارج (UETF) و سازمان کمونیستی مارکسیست

لنینیست "راه پروولتاریا"ی. هدف از برگزاری این سخنرانی آن بود تا یکبار دیگر وضعیت کارگران و زحمتکشان در ایران، ترکیه و فرانسه تشریح گردد و مبارزه انقلابی آنان معرفی شود. این اتحاد عمل بین نگران بود که طبقه کارگریک طبقه بین المللی است و انترناسیونالیسم پروولتاریا بی پرچم سرخ کارگران و کمونیستهای سراسر جهان میباشد. به مناسبت این اتحاد عمل کمونیستی نیروهای برگزار کننده نشریه مشترکی منتشر نمودند که در آن طی بیانیه‌هایی دربار مبارزه طبقه کارگران ایران و ترکیه و مبارزات طبقه کارگران فرانسه و کارگران مهاجر مقیم فرانسه سخن گفته شده است.

FTTF, UEIF, UEF, PEYKAR, KOMALA, 1er MAI, Lutte Internationale, وحدت روزمده مبارزه انترناسیونالیستی!

در قسمتی از بیانیه مشترک هواداران سازمان ما و هواداران کومله چنین آمده است: "خلقهای ایران رژیم شاه را به زباله‌دان تاریخ انداختند. رژیم جمهوری اسلامی جز این سرنوشته دیگری ندارد. بنا بر این وظیفه اساسی کارگران و توده‌های زحمتکش جهان است که به حمایت متقابل دست زده و از طبقه کارگران ایران در مبارزه برای سوسیالیسم پشتیبانی نمایند. مرگ امپریالیسم جهانی و ارتجاع! زنده باد مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران! زنده باد مبارزه مسلحانه خلق کرد در ایران! پیش بسوی جمهوری دمکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر. زنده باد انترناسیونالیسم پروولتاریائی!"

بعلاوه "اطلاعیه مشترک به مناسبت اول ماه مه ۱۹۸۱" توسط همه سازمانهای شرکت کننده منتشر گشته که در قسمتی از آن چنین میخوانیم: "... کارگران و خلقهای ستمدیده تحت فشار شرایط طاقت فرسای زندگی خود بیش از پیش و در سطوح مختلف به مبارزه انقلابی روی میاورند این واقعیت ژرف دنیای کنونی است... ملحد امپریالیستی با شداید جنگ امپریالیستی وظیفه پروولتاریای جهان یکی است: متحد شدن برای سرنگونی امپریالیستهای وحشی و تمام متحدین آنها."

از فعالیتهای رفقای هواداران سازمان

در خارج از کشور

اتحادیه دانشجویان ایرانی هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، که در آمریکا اقامت دارند لیستی از فعالیتهای پیوسته در صفحه ۳۰

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش

بقیه از صفحه ۲ **سرمقاله...**

بورژوا لیبرالها در شرایط کنونی و آخرین نقطه میدانها در قدرت سیاسی، مهمترین حملات تبلیغاتی و سیاسی خویش را تا کنون، از این زوایا بر "حزب" وارد کرده است. حزب جمهوری اسلامی، با این سیاست جدید خویش، در واقع گامی در جهت خلع سلاح کردن تاکتیک لیبرالها، و گرفتن ابتکار عمل از دست آنها برداشته است و اکنون میگوید، "قانونی کردن اقدامات ضد-انقلابی خویش در جهت تشدید سرکوب و خفقان، لیبرالها را از مهمترین ابزار روسپله تبلیغی و هجوم سیاسی خویش محروم سازد، در "بیا نیه ده ماده ای" سخن از "بحث آزاد" با همه نیروها شبکه ملتزم به "قانون اساسی" با شند رفته است. میدانیم که این وسیله، یعنی "بحث آزاد" یکی از نکات محوری سیاست "قانونی" گری لیبرالهای ضد-انقلابی میباشد. "حزب" بدین وسیله این سلاح را از دست لیبرالها گرفته است و در عرصه عمل نیز با برپا کردن "شوای" تلویزیونی، این سیاست را پیگیری تا به بیش برده است.

بدین ترتیب میبینیم چگونه حزب جمهوری اسلامی با اجرای یک سیاست ضد انقلابی و عوام فریبانه گامی فراتر در جهت تشدید خفقان و سرکوب بر-میدارد و نمودهای این سیاست را هم اکنون در عرصه های گوناگون به نمایش گذاشته است. حزب جمهوری، و در واقع جناح مسلط حکومت، اکنون این سیاست نوین را در قالب لایحه قانونی "بیمجلس شورای" ارائه داده است تا با تصویب آن با فراغ البال، هجوم خویش را به هرگونه مظهر آزادیها و دموکراسی و عینیت بخشد و در سایه آن، سرکوب نیروهای کمونیست و انقلابی را در لباس قانون، هرچه بیشتر تشدید نماید. این است جوهر واقعی سیاستی که رژیم جمهوری اسلامی، بر مبنای سیاست حزب جمهوری اسلامی، هم اکنون در پیش گرفته است. طبیعی است که کمونیستها و انقلابیون در واقع نیا بد در برابر این هجوم ضد انقلابی در جهت تحدید آزادیها و تشدید خفقان و سرکوب ساکت نشسته و بدان بی توجه باقی بمانند، افشای ماهیت واقعی این سیاست ضد انقلابی دریدن ما سگ عوام فریب آن و بسیج توده های مردم بحول مبارزه در جهت خنثی کردن این سیاست و تاکتیک ضد انقلابی، امری است که بردوش نیروهای آگاه انقلابی و کمونیست سنگینی میکند. بی آنکه در این مبارزه و تلاش، مرز خویش را با لیبرالهای خائن، که عوام فریبانه ما سگ آزادیخواهی را بر چهره خویش فرو کشیده اند، مخدوش سازند، با از افشای گری بر علیه این عوام فریبی غافل بمانند.

در شرایط کنونی، این سیاست ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی، از جمله در بحث به اصطلاح آزادی دموکراسی و تلویزیونی خود را متبلور ساخته است. این "بحث آزاد"، که در واقع به یک شوئی تلویزیونی شباهت دارد، از پیش و با توجه به معیارها و ملاکها شبکه بیا نیه ده ماده ای و قانون احزاب رژیم، تعیین کرده است، راه را بر ورود

نیروهای انقلابی و کمونیست، بسته است و تنها ورود نیروهای را آزاد گذارده است که مدافعین پیکار رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ضد-انقلابی، حاکم هستند. نیروهای از قبیل - رومیونیستها یا توده های و فداشی اکثریت رژیم اکنون میگویند تا با توسل به این نیروها و استفاده از آنها در شوای تلویزیونی تحت نام عوام فریب "بحث آزاد"، خویش را مدافع آزادی، دموکراسی و قانون قلمداد نماید. طبیعی است که کمونیست-ها میبایست این سیاست فریب را که در تضاد و همان تاکتیک ضد انقلابی "بیا نیه ده ماده ای" و در واقع اجرای عملی آن است، وسیع افشا کرده و ماهیت دروغین آن را بر ملا سازند و اهداف واقعی حزب جمهوری را در این رابطه افشایند اما طبیعی است که کمونیستها و منجمله سازمان ما، "بحث آزاد" بطور کلی و با تحت شرایط معینی را مردود نمیشمارد و به رد آن نمی پردازد. ما همچنان نگاه زهر تریبونی که رژیم زیر فشار جنبش و افشای انقلابیون در دسترس ما قرار میدهد، در صورتیکه امکان بهره برداری از آن در جهت افشای چهره بورژوازی و دفاع از منافع انقلاب، حتی در مقیاس محدود آن، را فراهم نماید، استفاده میکنیم، "بحث آزاد" را نیز، با چنین مختصاتی، جایز می شماریم. اما ماده ایم تا در بحث "بحث آزاد" بدون قید و شرط و زنده، پیرامون همین سیاست جدید رژیم در قالب "بیا نیه ده ماده ای" و ماهیت واقعی تاکتیک بحث به اصطلاح "بحث آزاد"، شرکت نمائیم و با افشای خود، نشان دهیم که در پشت این ظاهر آراسته و تاکتیک مردم فریب، چه سیاست ضد دموکراسی و ضد انقلابی نهفته است. اما بپیدا است که سردمداران رژیم، درست به همان دلیلی که به اتخاذ این سیاست برداشته اند، از روی روشی با یک نیروی انقلابی در برابر بردگان مردم، و بحث بر سر اساسی ترین مسائل سیاسی جامعه و بویژه همین بیا نیه ده ماده ای و تاکتیک "بحث آزاد" رژیم (یعنی آنچه که در طی این مدت صورت گرفته است هراس دارند و درست به همین دلیل هم تنها با نیروهای بی بحث میشینند که در اساسی ترین خطوط سیاست-های خویش، از رژیم جمهوری اسلامی دفاع می-نمایند و بنا بر این حضور آنها در صحنه را دپوو تلویزیون در جهت منافع بورژوازی است. اگر رژیم جمهوری اسلامی واقعاً خواستار یک "بحث آزاد" باشد - که نیست - و اگر هیچ هراسی از بحث بر سر ماهیت واقعی تاکتیک جدید خود ندارد - که دارد - ما آماده ایم، تا به حول همین سیاست جدید - که از دیده ما علیرغم هر ظاهراستهای، تشدید خفقان و سرکوب و تحمیق توده ها را در برداشته است و دارد - در بحث شرکت نماییم، تا بر اساس آن توده ها را هم نسبت به این سیاست و تاکتیک گفته های خویش و هم نسبت به مخالفت - ها شبکه زجانب و موضع بورژوا لیبرالها نسبت، به آن صورت میگیرد، به قضاوت فراخوانیم. اما در عین حال ما تردیدی بخود راه نمیدهم - و نداده ایم - که از مجاری اصلی فعالیت آگاهگانه

**جنايات سپاه پاسداران
در زندانهای زاهدان
را افشای کنیم!**

... اکنون مدتهاست که در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی زاهدان، تعدادی از فرزندان آگاه و انقلابی خلق، اسیر میباشند. آنان از ابتدا با وجود شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی بمنظور اعتراف به دستگیریهای بدون دلیل و عدم رسیدگی به پرونده های خود، در آشغال مختلف به اعتراف و مقابله برخاسته اند.

اکنون برای چندمین بار است که آنان دست به اعتصاب غذا میزنند. آخرین اعتصاب غذا آنان از تاریخ ۶۵/۲/۲۷ شروع شده و از ۶۵/۲/۱۸ علاوه بر اعتصاب غذا، به اعتصاب ملاقات نیز دست زده و از ملاقات با خانواده ها یشان خودداری کرده اند. رفقای انقلابی و کمونیست، زندان را نیز به عرصه دیگری از مبارزه بر علیه ارتجاع امپریالیسم تبدیل ساخته اند. و متقابلاً، پاسداران سرمانه نیز وحشت زده و خمگین از مذاق و مست دلاوران رفقای زندانی، توهین و شکنجه خود را نسبت به آنها گسترش داده اند. آنان مذبحخانه رفیق کارگری را با دکنک گرفته و بشدت مجروح می نمایند و پس از بییهوش شدن رفیق کارگر، وی را در توالی که مستقیماً به چاه فلاب وصل بوده است، زندانی میکنند.

آنان بمنظور جلوگیری از گسترش اعتراضات زندانیان سیاسی و حرکتهای جمعی آنان، رفقای دربند را در زندانهای سپاه، شهربانی و میواد مخدر تقسیم مینمایند و مدت هوا خوری زندانیان انقلابی را کاهش داده اند. آنان نه تنها به شکنجه و آزار زندانیان انقلابی اقدام میکنند بلکه خانواده های زندانیان نیز از شکنجه جسمی و روحی مزدوران رژیم در مان نیستند. آنها به خانواده های زندانیان انقلابی میگویند "بچه شما کافر است و ما گفته ایم با بد آنها را اعدام کنید...". "دادستان" انقلاب نیز با توهین به خانواده های زندانیان سیاسی، آنها را به زور از اتاقش بیرون کرده است... مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در زاهدان و حشتر زده از اعتراضات و وسیع خانواده های زندانیان انقلابی لجن پراکنی خود بر علیه سازمانهای انقلابی و کمونیست را گسترش داده اند...

به نقل از: "نبرد بلوچ" (۲۳) نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات بلوچستان



خود، تنها جمعی از حزب جمهوری اسلامی به آزادیهای دموکراسی و سیاست نوین سرکوب در هیئت "قانونی" آن، و نیز چهره عوام فریب لیبرالهای مرجع را در مخالفت با این سیاست و ماهیت واقعی این مخالفت، بر ملا سازیم.

اخبار مبارزات توده‌ها



بزرگداشت اول ماه مه در شهرهای مختلف ایران

مسجد سلیمان

بدعت تشکیلات خوزستان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، قرار بود در روز ۶۰/۲/۱۰ بمناسبت اول ماه مه یک تظاهرات در شهر بزرگزا برگزار کرد. در این روز رفقای اقلیت نیز در ساعت شش بعد از ظهر دست به یک راهپیمایی موضعی زدند که با یورش اوباشان و پاسداران رژیم مواجه شد. این یورش در محلی صورت گرفت که رفقای ما قصد تظاهرات از آنجا را داشتند. در پی این هجوم، اوباشان و پاسداران رژیم در خیابانها و کوچه‌ها در پی شکار انقلابیون بودند و در نتیجه رفقای ما تصمیم گرفتند تظاهرات خود را به روز بعد موکول سازند.

ساعت ۹ صبح روز ۶۰/۲/۱۱ تظاهرات تشکیلات خوزستان سازمان بصورت موضعی، از مقابل بازاریچه شهرداری آغاز گردید و در طول مسیر عده‌ای از توده‌های زحمتکش نیز به صف آنها پیوستند. تظاهرات کنندگان با مشت‌های گره‌کرده ضمن دادن شعارهای زیر، با ردیگر همبستگی و اتحاد دخیوشن را با کارگران ایران و جهان و نفرت خود را از رژیم سرما به‌دانا و امپریالیسم بیابان‌دشته و به افشای رژیم و جنگ ارتجاعی کنونی پرداختند: "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد، زحمتکشان اتحاد"، "زحمتکشان بدانید، این جنگ ارتجاعی است - کشتار زحمتکشان، آوارگی، گواهیست"، "فریاد هر آواره، فریاد هر زحمتکش: نان، مسکن، آزادی"

"زحمتکشان ایران، بر می‌کشند فریاد، دیگر کسی است گران، دیگری است بیکاری"، "امیرالیم، ارتجاع دشمن خونخوار ما، نابود یا بیدگردد" "کارگر پیروز است، سرما به‌دانا بود است" "زندانی سیاسی آزادی بیدگردد - شکنجه، اختناق، نابودی بیدگردد"، "دانشگاه‌ها بین سگر آزادی، بهمت توده‌ها گشوده یا بیدگردد" و... در پیشاپیش صفوف، پلاکاردهای سرخ که روی آن نوشته شده بود "خجسته با داول ماه مه روز همبستگی جهان کارگران"، شکوه خاصی به تظاهرات میبخشید. سایر پلاکاردها عبارت بودند از: "رهبری طبقه کارگرها من پیروزی انقلاب دمکراتیک و فدا میریایستی خلقهای ایران"، "کارگران جهان متحد شوید"، "زند به دیکار توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی"، "شوراها واقعی کارگری ایجاد یا بیدگردد" و...

در پایان شرکت کنندگان در مراسم، در محوطه ای روی زمین نشسته و قطعنا ما را هیما شنی فرات کردید. و بدین ترتیب، مراسم با موفقیت به پایان رسید. در طول راهپیمایی، پاسداران

حمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به روستای نخودچر

کارگران زحمتکش، مردم مبارز گیلان

روز پنجشنبه ساعت ۴/۵ بعد از ظهر بیش از ۲۵ نفر از پاسداران و جا قوکنان رژیم جمهوری اسلامی به محله نخودچر هجوم آوردند. مزدوران رژیم که با سلاح گرم و سرد مسلح بودند، رهبریشان به عهده شخص جنایتکاری بنام حسین سمعی مسئول آموزش اسلامی پاسداران بود. نتیجه این حمله وحشیانه تیر خوردن دو نفر از زحمتکشان محله و زخمی شدن تعداد زیادی از زنان و جوانان و آتش زدن دو مغازه و غارت و بهیم زدن بیش از ده خانه بوده است. پاسداران سرما به در زمان حمله از هیچ جنایتی نسبت به اهالی زحمتکش محله ارتجاعی تا نثارندازی و آتش زدن اموال مردم نیز نگذاشتند. اما چرا انصاری استاندار مرجع گیلان دستور این حمله را صادر کرد؟

کرده و بین خود تقسیم کرده بودند: (این زمین قبلا متعلق به خودکشا ورزان بود)
۳- کشا ورزان و نمایندگان نخودچر برای وام کشاورزی سال ۵۹ تاپیروزی کامل مبارزه کرده بودند.
۴- کشا ورزان خواستار بخشودگی کلیه بدهکاریهای خود شده بودند و امسال نیز از پرداخت وام آب بها خودداری کرده بودند.
۵- کشا ورزان خواستار تحویل کود و تلرکشواری بودند.
۶- کشا ورزان از آگایها بلامتی برخوردار بوده و از شیر و های انقلابی سوپیه کمیستهابشتیانی میکردند.
۷- محله نخودچر مرکز فعالیت نیروهای انقلابی بود و جوانان محل از آگایها و تشکل خوبی برخوردار بودند و ارتجاع از اینها وحشت داشت و تدارک حمله را دیده بود.
تنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی! مستحکم با اتحاد زحمتکش روستا بر علیه رژیم سرما به داران!
اهالی روستای نخودچر ۶۰/۲/۲۸

۱- نخودچر دارای شوری دهقانی است و رژیم از نمایندگان واقعی زحمتکشان و آگایها آنها وحشت دارد.
۲- کشا ورزان زمین یکی از ملاکین را مصادره

پیام "هواداران سازمانهای انقلابی محبوس در بندهای عادی زندان قصر"

۴- چند زندانی سیاسی را که در اندرگاه شماره ۶ بسر میبردند با طراعتی به فاش زندانیانان به یکی از زندانیان سیاسی که بعلت مرضی قادر به ورزش اجباری نبود، به زندان قزل حمار انتقال میدهند و دوستان دیگر آنها را هم که برای برگرداندن آنها، تهدید به اعتصاب نموده بودند مجبور میشوند به زندان قزل حمار انتقال بدهند که همگی آنها اکنون در بند ۱۰ این زندان بسر میبرند. رئیس این بند شخصی بنام "ارجمندی" است که در زمان شاه خائن رئیس انفرادیهای زندان قمر بوده که بعد از قیامها طرح شکنجه زندانیان، دستگیر و به ۲ سال حبس محکوم میگردد، اما از آنجا شیکه تجربیات این مزدور نشینان مورد احتیاج رژیم جمهوری اسلامی بوده، به‌یست جدید منصوب میشود.
۵- گذاشتن کلانایدولوژیک و تحقیق زندانیان با فرهنگ پیوسیده سرما به داری و...

اخیرا بیامی از زندانیان سیاسی انقلابی محبوس در بندهای عادی زندان قصر با امضای فوق بدست ما رسیده که خلاصه‌ای از آنرا می‌آوریم: "... ما هواداران سازمانهای انقلابی محبوس در بندهای عادی زندان قمر در این برهه‌ها زمان وظیفه خود را نستیم که شمه‌ای از باعمال کسردن حقوق زندانیان سیاسی و عادی را بوسیله رژیم جمهوری اسلامی، برای اطلاع مردم بیان داریم: ۱- حق گرفتن هرگونه کتب و نشریه‌ای که با صلاح خودشان بوی "انقلابی" داشته باشد و حقوق داشتن رادیوهای دوجا اکیدا ممنوع میباشد ۲- تنبیه کربندهای سخت و فحش‌های رکیکی که مثل نقل و نبات در دهان آفتابان میچرخد و نمونه‌هایی از "ارشا ده‌های" اسلامی مورد ادعای رژیم حاکم میباشد. ۳- گذاشتن مسابقات اجباری بین زندانیان و زندانیان و ضرب و شتم زندانیان به بیانه‌های مختلف در حین این مسابقات!

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتایم

پاسداران ضد خلقی زحمتکشان فیروز کوه را بخون کشیدند

انقلابیون و زحمتکشان فیروز کوه، شاه دستهاجمات هرروزه ارگانهای حکومت به خودشان هستند. آنها هم رژیم به ثوراها و واقعی دهقانی، تشکیل ثوراها و انجمنهای فرمایشی در مدارس و روستا، دستگیری و شکنجه دهقانان مبارز و انقلابیون، تفتیش خانه ها و... از حرکات روزمره مزدوران رژیم در فیروز کوه شده است. پاسداران سرما به در ادا مهابت آنها خود در تار و پود یکشنبه ۶۰/۲/۱۳، به قصد دستگیری فروشندگان نشربه مجاهد به آنها حمله میبرند، اما بر اثر مقاومت مردم و نیروهای انقلابی موفق نمیشوند کاری از پیش ببرند. مزدوران سپاه را بدیگر مجهز تر از دفعه قبل به محل برگشته و چون میبینند که جمعیت پراکنده شده است، رگبار گلوله های خود را بسوی مردمی که در پیاده روها و همچنین در صف گوشت و... بودند سرازیر میکنند. به گفته مردمی که در آنجا حضور داشتند، یکی از پاسداران که مستقیماً به سوی کمانی که در صف گوشت بودند تیراندازی میکرد به خناب تیر عوض کرده و بر اثر تیراندازی همین پاسدار مزدور، یک نفر که از افراد بسیج بوده کشته و نفر از مردم زخمی میگردد و تعداد زیادی از شیشه های مغازه ها می شکنند. پس از این وحشیگریها، پاسداران با بلندگو در شهر اعلام میکنند که مجاهدین مسلح یکی از برادران ما را به شهادت رساندند. این دروغ گوئی جنایت کاران، خشم مردم را بیش از پیش دامن میزد. آنها به چشم خود دیده بودند که این مزدوران سپاه بودند که تیراندازی کرده و چندین زخمی بجای گذاشته بودند. پس از آن عده زیادی از مردم فیروز کوه جلوی بیمارستانی که زخمیها در آنجا بستری بودند جمع شدند و با شعار "مرگ بر پاسدار" زخمی های خود را پس گرفته و آنها را با آمبولانس به تهران میفرستند. همچنین در این بیسوس وحشیانه ده نفر دستگیر میشوند.

اعتصاب پیروز تاکسیرانان مسیری (گرمانشاه سابق)

روز دوشنبه ۶۰/۲/۲۱ را تندگانی تا کسی های مسیری از ساعت ۹ تا ۱۱ دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به کاهش مجدد سهمیه بنزین از ۲۰ لیتر به ۱۵ لیتر برای تاکسیرانان مسیری بود. بالاخره افسری از راهنمائی و رانندگی آمده و با قول رسیدگی به خواسته ها، تا روز بعد مهلت میخواست. در روز سه شنبه تاکسیرانان با اجتماع مجدد خود، خواست ۲۰ لیتر بنزین را طرح کردند و سرانجام توانستند آن را به دست اندر کاران رژیم بقبولانند.

"زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده ها، آزاد با بدگردد... و... با آنکه نظرات موضع می بود، بخاطر مضمون انقلابی شعارها که بسیار نگرخواستهای زحمتکشان بود، با استقبال توده های زحمتکش اطراف مسیر و پروگردید.

اراک

روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت، برای بزرگداشت روز جهانی کارگر از طرف رفقای مادر اراک راهپیمائی ده دقیقه ای انجام شد که شعارهای انقلابی و کمونیستی را به میان توده های زحمتکش برد. رفقا با صفوف منظم و شوروی انقلابی بدنبال پلاکار در سرخ "خسته باد اول ماه مهر و زحمتکشان جهان کارگران" با مشت های گره کرده و فریادهای خشم آلود حرکت می کردند. پاسداران و اوباشان حزب جمهوری اسلامی که غالباً گریز کرده بودند و انتظار چینی را راهپیمائی را نداشتند در اواخت نظرات با شعارهای ارتجاعی به صف حمله کردند اما عملاً نتوانستند کاری انجام دهند زیرا راهپیمائی موضعی با برنامهای قبلی بسیار در سیدرفقای ما در اراک در روزهای قبیل از اول ماه مه بسیار شعار نویسی و بخش اعلامیه در تجلیل از آرمان طبقه کارگر موفق شدند شعارهای سازمان را به طور وسیع پیمان توده ها ببرند.

مسلح با چند توپمیل و وانت با ربه محل تظاهرات آمده بودند و اوباشان ارتجاع نیز در طول مسیر در جاشبه نظرات، منتظر فرصتی بودند تا به صف حمله کنند اما کاری از پیش نبردند، این مراسم مورد استقبال توده های مسیر را همیماشی قرار گرفت.

قهرمان شهر

در روز ۶۰/۲/۱۰ تشکیلات سازمان پیکار در قهرمان شهر (گرمانشاه سابق) با برگزاری یک تظاهرات موضعی، عید خونین کارگران جهان را جشن گرفت. تظاهرات ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر از میدان آزادی با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" شروع شد و بسوی "جلوگان" ادامه یافت. علاوه بر آن پلاکار در سرخی با مضمون: "خسته باد اول ماه مه... پلاکاردهای دیگری نیز با مضامین "پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر"، "مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی"... حمل میشد. تظاهرات کنندگان که حدود ۳۵۰ نفر بودند، شعارهای ذیل را تکرار میکردند: "در سنگر کارگر، نه سازش، نه تسلیم، نبرد تا سوسیالیسم"، "زنجار ارتجاعی، زحمتکشان بیزارند - دومیلیون آواره، نان، ممکن ندارند" "کارنا مه دوساله حکومت: گران و بیگاری، کشتار در کردستان، ترور، سرکوب، شکنجه"،

زندانیان سیاسی انقلابی و تعهد نامه های پوشالی رژیم

۴- در محافل که بر ضد جمهوری اسلامی هستند شرکت نکنید. عجباً، رژیم چه می پندارد؟ دلوارانی را که بخاطر بر رسمیت نشناختن قوانین سرکوبگرانه رژیم سرما به داران، بدلیل فعالیت انقلابی و آگاهان و کارگران و شرکت در مبارزات انقلابی توده ها و در یک کلام بخاطر مبارزه علیه تمام مغفوق در بند رژیم گرفتار آمده اند، چگونه میخواهد با اینگونه تعهد نامه های آریا مهربی به تسلیم وادارد؟

جلادان رژیم به عین گمان میبرند که با گرفتن تعهد از انقلابیون در بند، میتوانستند آنها را در خارج از زندان به سکوت وادارند. اما هر یک از دلوارانی که از بند می رهند بی محابا به دریای خروشان مبارزات انقلابی توده های تحت ستمی پیوندند و رژیم جمهوری اسلامی هرگز قادر نخواهد بود به هیچ طریقی رند مبارزات کارگران و زحمتکشان را جلو گیرد و سکوت گورستان را برجا مع جا کم گرداند. انقلابیون در بند اگر امروز در سنگر زندان می رزمند، فردا در کنار توده ها به همه قوانین ارتجاعی رژیم سرما به داران با زهم نه خواهند گفت و به رژیم نشان خواهند داد که چون همیشه تسلیم پذیر و مقاوم، فعالیت انقلابی و آگاهان هرگز از خود را بی میگیرند.

هر روز که میگذرد بر تعداد فرزندان انقلابی خلق که در دست دژخیمان جمهوری اسلامی هستند، افزوده میگردد. جلادان جمهوری اسلامی به رهبرانهای، انقلابیون در بند را تحت فشار و شکنجه جسمی و روحی قرار میدهند، تا مگر آنها را به تسلیم در مقابل خود وادارند. اما اخبار درون زندانهای ارتجاع حاکم از این امر است که فرزندان راستین خلق هرگز از مبارزه و مقاومت در درون زندانها دست نکشیده و پیمان آنها و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی دریائی از خون فامله است. جلادان جمهوری اسلامی که میبینند این فرزندان راستین خلق حاضر نیستند حتی سرسوزنی با آنها سازش نمایند و تمام دوران محکومیت خود را در سنگر زندان در مبارزه طی میکنند، اینک دست به توطئه دیگری علیه کمونیستها و انقلابیون زده اند.

اخبار دژخیمان رژیم در مقابل زندانیان انقلابی ای که دوران محکومیتشان بسر آمده، تمهید نامه ای شامل مفاد زیر قرار میدهند:

- ۱- قانون اساسی - قانون زندان و امری - قانون پلیس و شهر بانی و قانون دادستان کل کشور را با بد رعایت کنید.
- ۲- بر علیه جمهوری اسلامی کاری انجام ندهید.
- ۳- شعار نویسی، بخش و فروش نشریات ضد - انقلابی را انجام ندهید.



لیبرالها از چه موضعی به لایحه پیشنهادی بودند چه می نگرند؟

از همان اوایلین روزهای اردیبهشت که لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ بوسیله دولت رجائی به مجلس آورده شد، سروصدای زیادی از جانب لیبرالها بر علیه این لایحه آغاز گردید. صفحات بسیاری از نشریات لیبرالها به مباحثه و تحلیل و... و بیابان این لایحه اختصاص داده شد و بسیاری از لیبرالهای معروف اعلام زبانی صدر، عزت الله سعایی، معین فرولیبرالهای غیرمعروف از موضع به اصطلاح غمخواری با منافع توده ها، به اظهار نظر بیابان این لایحه پرداختند. آنها مثلا با این ادعا که: "برخود میدانم که حقایق مورراتی طور که هست با مردم در میان بگذارم چرا که نیک میدانم که آنها نیز در این نگرانی ما بن شریکند" (بنی صدر - انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۱۶) و بسیاری ادعاهای عوام فریبانه دیگر، پشت سر منافع مردم موضع گرفته و جبهه دیگری را بر علیه رقیب خود یعنی حزب جمهوری کشودند.

اما واقعیت اینست که این بار نیز همچون گذشته ما مانند بسیاری موارد دیگر از قبیل مسئله شکنجه، گروگان گیری و... حرکت لیبرالها بر علیه حزب نه از موضع طرفداری از منافع توده ها، بلکه کاملاً ملامت بر آن و صرفاً از موضع منافع طبقاتی خودشان صورت میگیرد. لیبرالها - ما در این جبهه جدید نیز همچون موارد قبلی، دست به "افشای" های "بر علیه جناح رقیب خود زده و بیشتر از گذشته پتوی را روی آب ریخته اند. اما از آنجا که بهرحال در دنیا بت هر جبهه گیری ای از جانب لیبرالها بر علیه حزب و همچنین بر عکس آن، همیشه در جناح رقیب رژیم جمهوری اسلامی حفظ و تداوم آن صورت میگیرد این قبیل "افشای" جبهه بندیها نه تنها در دراز مدت نفعی بحال لیبرالها نیز ندارد بلکه بیش از پیش با روشن شدن ماهیت رژیم که لیبرالها هم یک پای آن هستند، کل موجودیت این رژیم در نزد توده ها افشا میشود.

درواقع سروصدای لیبرالها در مورد لایحه بوده، چیزی نیست جز ادا مه جنگ قدرتی که در صحنه سیاسی - اقتصادی کشور از مدتها پیش بین این دو جناح در گرفته و در هر زمان هر یک دنباله نقظه ضعفی از دیگری میگردند تا با دستاویز کردن آن، ضربه بیشتری بر رقیب برای دور کردنش از مواضع قدرت وارد آورد. نگاه مختصر و کلی به

برخی از جنبه های اساسی بودجه به وضوح نشان میدهد که چگونه لیبرالها از منافع توده ها بعنوان گلوله ای استفاده میکنند تا به طرف حریف شلیک نمایند. زدم زدن های مکرر آنها از خواسته های توده ها، فریبی بیش نیست.

۱- یکی از انتقادات اساسی که لیبرالها به لایحه بودجه دولت رجائی دارند آنگونه که در اعتبارات جاری در این بودجه تا این حد بالاست مثلا مهندس عزت الله سعایی رئیس کمیسیون برنامها و بودجه پیشنهاد میکنند که اعتبارات جاری از ۲۵۵۲۲ میلیارد ریال به حدود ۱۷۵۰ میلیارد ریال کاهش یابد (میزان ۲۴ خرداد ۶۰). با توجه به اینکه بخش اعظم اعتبارات جاری را حقوق و دستمزدها تشکیل میدهد چنین پیشنهادی معنای نادر در جزکا هست با زهم بیشتر درآمد حقوق بگیران. همین مسئله خود نکته ای است که نشان میدهد ادعاهای لیبرالها در دفاع از منافع توده ها تا چه اندازه توخالی و مزورانه است. در واقع آنها از ارائه راه حل های سرمایه دارانه خود در تصحیح بودجه، هدفی ندارند جز جلوگیری از تشدید روند تلاشی و سقوط اقتصاد در هر رشته و از هم پاشیده سرمایه داری وابسته ایران.

۲- پیشنهاد اساسی دیگری که لیبرالها برای تصحیح بودجه میکنند کاهش بخش رفاه اعتبارات عمرانی است. توضیح اینکه اعتبارات عمرانی از دو بخش طرح های تولیدی از قبیل تکمیل پروژه های صنعتی با ایجاد صنایع و... جدید و طرح های رفاهی از قبیل ساختن مسکن و... تشکیل میشود. سبب دیگری از سخنرانیهای خود در مجلس میگوید: "ما نمیبایستی خدمات رفاهی را افزایش بدیم آنهم بقیمت خرابی شدن اوضاع اقتصادی کشور، با پرداخت رفاهی در حدی باشد که ما مع به دولت بر میگرداند!" و میافزاید: "اعتبارات عمرانی باید از اعتبارات عمرانی زیربنایی و اعتبارات عمرانی رفاهی مجزا شود و طرح های اعتبارات عمرانی رفاهی کاهش یابد." (انقلاب اسلامی ۱۸ فروردین ۶۰) وی درجائی دیگر پیشنهاد میکنند که هزینه های عمرانی از ۱۱۰۹ میلیارد ریال به حدود ۷۰۰ میلیارد ریال کاهش یابد (میزان ۲ خرداد ۶۰) معین فرزند درصاحبهای با میسزان ۲۶ اردیبهشت یکی از راه های تصحیح بودجه را کم کردن هزینه ها "که چیزی جز کاهش اعتبارات جاری

و عمرانی نیست پیشنهاد میکنند. با این ترتیب میبینیم که لیبرالها در پیشنهاد اساسی دیگر خود نیز، همانند جناح رقیبشان دست اندازی به زندگی وهستی محقرانه کارگران و زحمتکشان میهن ما را هدف خود قرار داده اند. چرا که کاهش اعتبارات عمرانی رفاهی از یک طرف کم تر شدن هر چه بیشتر همان امکانات رفاهی بسیار اندک را به همراه دارد و از طرف دیگر و مهمتر، گسترش بیکاری آن بخش از کارگرانی را که در این قبیل طرحها بکار مشغولند، بدنبال خود میآورد.

۳- از پیشنهادات دیگر لیبرالها میتوان از "راه اندازی صنایع و لابایردن تولید" نام برد که با جرأت عجیبی از آن دفاع میکنند. بنی صدر در تحلیلی که از لایحه بودجه پیشنهادی رجائی میکند میگوید: "ما تا تولید راه اندازیم راه نجات نخواهیم داشت... و چاره این است که به رشد اقتصادی مطلوب فکر و عمل کنیم و از طریق جذب نیروهای سازنده و افزایش تولید، همچنان زندگی را به مردم برگردانیم." (انقلاب اسلامی ۱۶ اردیبهشت)

این پیشنهاد نیز چیزی نیست جز استثمار وحشیانه طبقات کارگر برای افزایش دستمزد در واقع تا زمانی که نظام سرمایه داری در جا میماند، تولید بیشتر معنای نادر در جزا می شدن سود بیشتر در جیب گشاد و پیر شدن سرمایه داران، به علاوه، افزایش تولید که بکسی از راه حل های پیشنهادی لیبرالها برای سنگین کردن وزنه تولیدات غیر نفعی در بودجه نسبت به تولید نفت است، برای قوام بخشیدن به اقتصاد زهم پاشیده سرمایه داران وابسته کشور مطرح میشود که نتیجه آن هم در خدمت سرمایه داران وابسته است و نه کارگران و زحمتکشان.

در همین حال در این جمله بنی صدر زرتنگی های همیشگی سرمایه داران را هم بوضوح مفاهد می کنیم که چگونه افزایش تولید را مساوی با برگرداندن "هیجان زندگی به مردم" جا میزند بر اساسی کدام کارگر آگاه است که تعداد در رژیم سرمایه داران بدنبال دارد و استثمار و بهره کشی وحشیانه تر را برای کارگران، در واقع هیجان زندگی را به سرمایه داران بر میگرداند

نان ، مسکن ، آزادی



که مبارزات طبقه کارگر و ایستادگی‌ها پیش در قبال زورگویی‌ها و بهره‌کشی‌های کارفرمایان خواب سود هرچه بیشتر را بر آنها حرام کرده است. ۴- پیشنها ددیگر لیبرال‌ها در رابطه با مالیات‌ها و بخش مستقیم آن است که مطرح می‌گردد باید مالیات از محل درآمد‌های سرما به‌دوران افزایش یابد. در این مورد باید گفت که اگرچه این پیشنهادها در ظاهر برخلاف منافع طبقات تیشان هست اما اولاً: برای لیبرال‌ها که چشم انداز آینده اقتصاد سرمایه‌داری کشور را بر ماسه با دیدی وسیع‌تر و آینده‌نگرتر نسبت به حزبها میبینند، کاهش اندکی در سودهای کلان سرمایه‌داران که در خدمت تأمین آینده نظام سرمایه‌داری کشور و افزایش عمر سیستم سرمایه‌داری وابسته در آینده اهمیت بیشتری دارد تا اینکه مانند حزبها در عرض مدت اندکی امکان سوازی شدن ۱۲۰ میلیارد تومان سود با درآمد رابسه جیبهای تجار سرمایه‌داران روآن کنند و فقط ۳/۵ بیلیارد تومان (یعنی کمتر از ۳٪) مالیات بگیرند. ثانیاً تکیه آنها از لحاظ افزایش مالیات مستقیم، بیشتر روی تجار است که طبق اعترافات خود مهندس سبحانی ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند و فقط ۳/۵ میلیارد آن را مالیات پرداخت کرده‌اند. چرا که لیبرال‌ها بیشتر از اینکه معتقد به میدان دادن به سرمایه‌داری تجاری باشند روی گسترش صنایع و امکان رشد برای سرمایه‌داری صنعتی تکیه دارند.

در همین رابطه گفته‌امین فرامیا و ریم که میگوید: "در تنظیم بودجه مثل اینکه دولت سعی داشته که همان باج دهی‌ها و جلوگیری از ناسازگاری‌ها و بیثباتی‌ها که احیاناً در بعضی از طبقات موجود می‌باشد در نظر داشته باشد. به این جهت به منابع مالی جدیدی که اکثر ناآشنایان مالیات بردارنده‌های بسیار زیادی که ظرف این دو سال اخیر قشر خاصی از اجتماع ما از آن درآمد‌ها برخوردار بوده و در حقیقت مالیاتی که بایستی از آنها گرفته می‌شود به آن توجه نشده و گویی سعی در این بوده که این طبقات به هیچ وجه آزرده نشوند. در این رابطه ارقام نجومی که از سوی مهندس سبحانی در طرح لایحه بودجه دور و ازدهم در مورد سود بخش خصوصی در سال گذشته در مجلس ذکر شد مؤید نظر من است و نشان میدهد که در حقیقت چه کسانی از بعد از انقلاب بیشترین درآمد را برده و کمترین مالیات را به صندوق دولت داده‌اند." (میزان ۲۶ اردیبهشت ۶۰)

با این ترتیب یک جمع‌بندی مختصر از انتقاداتی که لیبرال‌ها به لایحه بودجه وارد میکنند و پیشنهادها را که در این رابطه مطرح میکنند نشان میدهد که تکیه اساسی آنها بر روی افزایش درآمد‌های دولت و متقابلاً کاهش هزینه‌های آنست. و این همان نظریه‌گفتیم در رژیم سرمایه‌داری، از یک طرف کاهش درآمد‌های زحمت‌گشان و فقیر شدن هر چه بیشترشان را به همراه دارد و از طرف دیگر بالا رفتن استثماری بهره‌کشی از

آنها را بدنبال دارد.

جالب توجه اینجاست که در این درگیری لیبرال‌ها و حزبها با یکدیگر بر سر قضیه بودجه، نقش آنها نیز در قبال استخراج و فروش نفت، بر عکس شده است. حزبها که زمانی دم از حفظ و نگهداری ذخایر نفتی میزدند و تحریم نفت ایران از جانب امپریالیست‌ها را توفیق اجباری! در جهت حفظ ذخایر نفتی قلمداد میکردند و از این عارضه‌گر و گوناگونی بعنوان سلاخی بر علیه لیبرال‌ها استفاده می‌کردند. حال که خود را از طرفی در چنین مقصدها اقتصادی میبینند و از طرف دیگر برای پنهان نگاه داشتن کسری عظیم بودجه‌شان از چشم توده‌ها ناچاراً زباله بردن استخراج نفت شده‌اند، دیگر سخنی از ادعاهای عوام‌فروشی‌ها نشاندن دال بر لزوم حفاظت از منابع طبیعی و طولانی کردن عمر استفاده از نفت برای اینکه نسلهای آینده هم از آن بهره‌برند. امپریالیست‌ها و نسل‌های آینده متقابلاً لیبرال‌ها که دلسوز نسلهای آینده شده و ادعایان کرده‌اند که منابع نفتی طبیعی مان به تاراج می‌رود و برای نسل‌های آینده دیگر نفت ندارد. و بنی‌مدار گفته می‌گردد: "مگر عیبی داشت که این بنده خوشحالی برای غرب فراموش نمی‌کردیم و نفت ما هم در زیر زمین میماند تا اینکه درآمد نفت خود را به قیمت‌های بی‌دون شک گرانتر بفروشیم؟" (انقلاب اسلامی ۱۶ اردیبهشت ۶۰)

در درگیری لیبرال‌ها و حزبها بر سر بودجه لیبرال‌ها علاوه بر اینکه رقیب خود را از جهات گوناگونی زیر کجا رحلات خود قرا ردا ده اند در عین حال فرصت را مفتنم کرده و از این جریان در جهت پاک کردن گذشته‌نگین خود نیز سود می‌جویند، آنها که به وضوح نا توانی‌های جناح رقیب را در دست اندازی هر چه بیشتر و بهتر به زندگی محقرانه کارگران و زحمتکشان و ادارات سیستم سرمایه‌داری وابسته کشور میبینند و در دورانی که در بعد از قیام در اس حکومت نشسته بودند افتاد و مرتب آن زمان را به رخ حریف مردم میکشند و بدین ترتیب سعی میکنند خیانت‌های خود را از ظره مردم برده و هر چه بیشتر توهم توده‌ها را در مقابل‌ها حزب جمهوری نسبت به خود بیشتر کنند.

در مقابل سروصدای زیاد که لیبرال‌ها بر علیه حزبها برآوردند، آنها خسته‌اند و صفحات روزنامه‌ها نشان را معلوماً از افشای حزب و تحلیل بودجه دست‌پخت آن کرده‌اند، حزبها عمدتاً سکوت کرده‌اند و بندرت دیده می‌شود که در مقام دفاع، تحلیل لایحه پیشنهادی‌شان ارائه دهند. آنچه هم که دیده میشود بیشتر از موضوعی تدافعی و صرفاً در مقام حبه‌های نخست و زیر سوختن کوشش بهزاد نبوی است که هیچ استدلالی در لایحه‌های حرفه‌ایشان وجود ندارد. از همین رو در اینجا هم لیبرال‌ها که از موضع اپوزیسیون ارتجاعی بر علیه دولت ارتجاعی رجائی حرکت کرده‌اند و مانند گذشته مواد دخام بسیاری برای افشای حریف در جهت بی‌اعتبار کردن آن در نزد توده‌ها و پس گرفتن مواضع

قدرتی که از دست داده‌اند، دارند عرصه کارزار را کاملاً ملاحظه نمودند و با راه‌های بی‌ظهور توده‌ای، و عوام‌فروشی‌ها خود، سعی در جلب نظر مردم بسوی خود دارند.

اما کارگران و زحمتکشان باید با آوری دورانی که لیبرال‌ها بجای حزبها سرکار می‌روند و دیدیم که چگونه ما هم و ما هم مردم را سرد و آندند و بجای بر آوردن خواسته‌های اساسی توده‌ها، فقط و فقط "مبارزات انقلابی" و در صورت عدم پذیرش صبر-انقلابی، سرکوب خونین را تحویل آنها دادند و و با بخاطر آوردن عوام‌فروشی‌ها و حیل‌گری‌ها نشان و در سایه افشای کارهای کمونیست‌ها از اهمیت و عملکردهای ارتجاعی لیبرال‌ها، فریب این ادعاهای آنها را نخورده و با چشمی باز به عملکردها و نظرات آنها بنگرند، چرا که لیبرال‌ها نیز در صورت عقب‌راندن حزبها و روی کار آوردن خودشان، سر نوشتی جز سرنوشت حزبها را برای توده‌ها به ارمان نمی‌آورند.

در همین رابطه وظیفه کمونیست‌هاست که با آگاهی از نقش مردم فریب و محیلانه لیبرال‌ها و ماهیت درگیری‌های دو جناح، به افشای مضمون واقعی عوام‌فروشی لیبرال‌ها پرداخته و موضع حقیقی آنها را در سروصدای‌ها که در باره لایحه بودجه بر علیه جناح رقیب برآوردند، افشا کنند برای کارگران و زحمتکشان افشا نمایند.

بقیه از صفحه ۱۸ پاسخ به ...

- رفیق م. پرو: در مورد ضرورت مبارزه با ایدئولوژیک به حول سپید و رزمندگان، برخورد کرده‌ام که بزودی منتشر خواهد شد.
- رفیق م. فرناز: در اشارة به مقاله "مجاهدین: باز هم تزلزل در راه انقلاب" می‌پردازم: در حالیکه مجاهدین ۱۱۹ که به واقعه اول اردیبهشت برخورد نموده است چند روز زودتر از بیکار ۱۵۵ منتشر شد پس چرا متن بیکار که در آن به سکوت مجاهدین در اینبار راه انتقاد شده بود، اصلاح نگردیده است.
- رفیق! همانطور که در شما ره‌پیش گفته‌ایم متأسفانه زمانی که مجاهد دستمان رسید که بیکار زیر چراغ بود و امکان تغییر آن نبود. ضمن تصحیح مطلب، از برخورد مثبت مجاهدین در اینبار راه استقبال نمودیم.
- ک. چها: قطعه عکس رسید "نتیجه تحقیقات شما صحیح بود."

سایر رفتاری که نامه فرستاده‌اند:

سیمین - ح. ت. ش. کارگراهل سنج - خ. ب. مادری - ک. مادری و بیکار - م. ج. مادری دو کمونیست - روزا از آنلی - ح. ایمان از بهبهان - جمال از کامیاران. رفیق م. باشار "قصه بلند" که فرستاده بودی رسید، به آن برخورد خواهد شد.

با درودهای گرم کمونیستی دست رفقا را میفشاریم

رویزیونیسیم فلسفی "طبری-نگهدار": خیانت آشکار نسبت به مارکسیسم لنینیسم (۱)

ما تریالیسم و ایده‌آلیسم، بر واضح است. ایده‌آلیسم فقط در یک شکل بروز پیدا نمی‌کند. ایده‌آلیسم برکلی (۱) بر آن بوده که روح خالق ماده است. جهان خارج از ذهن وجود ندارد و تصورات ما خالق اشیاء می‌باشند. برکلی یک ایده‌آلیست ذهنی است و به همین خاطر وجود پدیده‌ها را در خارج از ذهن نمی‌کند. اسلام به وجود پدیده در خارج از ذهن اعتراف می‌کند، لیکن آیا ذات پدیده‌ها را برای بشر قابل درک می‌دهد؟ یا ما در خالق روح بشما رمباورد؟ جواب منفی است. ایده‌آلیسم برکلی شکل نهائی و عریان ایده‌آلیسم است. حال آنکه اسلام نیز از نقطه نظر فلسفی از ایده‌آلیسم منشا می‌گیرد.

مذهب هیچگاه جدا از ایده‌آلیسم نبوده و نمیتواند هم باشد. آری ما تریالیسم دیا لکتیک در جدال با ایده‌آلیسم رشد کرده و غلبه یافت، لیکن این جدال در عین حال علیه آن نگرش فلسفی بوده که مذهب متکی بر آن است. مقابله ما رکیست‌ها و از جمله لنین با ایده‌آلیسم بهیچوجه نمیتوانست و نمیتواند جدا از "نظریات فلسفی و حکمی" ادیان باشد. اما طبری این نوکر بورژوازی همه این حقایق را نمی‌کند. او با تحریف آشکار بیان می‌کند که اسلام جزو ادیان و گاه ایده‌آلیسم نیست؛ هیچگاه یک مارکسیست این خزعبلات مرتجعانه را نمیتواند تذبذب آن آورد. تنها کسانی که به ما رکیسم خیانت کرده‌اند، تنها کسانی که مدافع طبقات استثمارگر شده‌اند، تنها کسانی که ایدئولوژی بورژوازی دارند، میتوانند اینچنین آشکارانه ایده‌آلیسم را تطهیر کرده و مبلغ آن باشند. فقط برکلی نیست که ایده‌آلیست است، مرتدانی چون طبری نیز ایده‌آلیست هستند. منتها بشکل پیچیده‌تر. بقول لنین ایده‌آلیستی جدید تصورات خود را "با تردستی بیشتر و شکلی مبهم و تاریک و با استفاده از یک رشته اصطلاحات

(۱) - ژرژ برکلی (۱۷۵۳-۱۶۸۴) اسقف انگلیسی، فیلسوف ارتجاعی معتقد به ایده‌آلیسم ذهنی.

در ذهن ما است". به بیان دیگر زدیدگاه طبری، نگرش فلسفی اسلام "رتالیسم" بوده و این نگرش در خالی که به ایده‌آلیسم منجر نمی‌شود در مقابل ما تریالیسم دیا لکتیک نیز قرار ندارد. برای آنکه عمق ارتجاعی این تفکر را دریا ببینیم ببینیم پوزیتیویسم چه می‌گوید. پوزیتیویسم گرایش فلسفی ایده‌آلیستی بورژوازی فلاسفه علم‌گرا می‌باشد که فلسفه را نفی کرده و می‌گوید خود را بر فراز ما تریالیسم و ایده‌آلیسم قرار دهد. این جریان اگر چه وجود پدیده در خارج از ذهن معتقد است ولی بر آن است که علم بشری قادر به شناخت ذات پدیده‌ها نبوده و تنها قادر به درک ظاهر پدیده‌ها می‌باشد. پوزیتیویسم معتقد است قوانین عینی تاریخی را نمیتوان درک کرد و بر آن است که تضادهای سرمایه‌داری ریشه در روحمیات و احساسات انسان دارد. این جریان فلسفی درکی ایده‌آلیستی از تاریخ ارائه داده و برضد ما تریالیسم تاریخی جبهه‌گیری نموده است. این جریان فلسفی کوشش در احیای ایده‌آلیسم برکلی داشته و کوشش می‌کند علم را بر مذهب انطباق بخشد. این جریان غیر غم‌ظا هر علم‌گرای خود متکی بر ایده‌آلیسم ذهنی بوده و یک جریان سراپا ارتجاعی می‌باشد.

رویزیونیسیت‌ها که از ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم ارتداد نموده و به مدافعین بورژوازی تبدیل شده‌اند، از نقطه نظر فلسفی پوزیتیویست بوده و در حقیقت در برابر اعتدالی مارکسیسم - لنینیسم، می‌کوشند تا جسد متعفن و گندیده ایده‌آلیسم را جانی تازه ببخشند. آنان بظا هر مخالف ایده‌آلیسم می‌باشند، لیکن مثنی فلسفی - ایدئولوژیک آن‌ها متضاد با ما تریالیسم دیا لکتیک بوده و از ایده‌آلیسم منشا می‌گیرد. طبری مرتد که ردالت خود را به اوج رسانده است، مذهب‌سب را بعنوان یک جریان فلسفی مستقل جا زده و بدین ترتیب خیانت به پرولتاریا و دیوریوژی - بورژوازی را به بیعتنا بیت میرساند.

هما نظر که بیان کردیم دو جریان اساسی فلسفی بیشتر وجود ندارند و دو عبا رتند ساز:

"رویزیونیسیم در رشته فلسفه بدنیا ل "علم" پروفیسور ما با نه بورژوازی میرفت، پروفیسورها "سوی کانت رجعت" می‌کردند، رویزیونیسیم هم بدنیا ل نشوکانا نتیسیم کشیده میشد، پروفیسورها هزار بار رساله‌گوشی‌های کشیشی را علیه ما تریالیسم فلسفی تکرار می‌کردند، - رویزیونیسیت‌ها هم با تبسمی اغماض آمیز زیر لب زمزمه می‌کردند که ما تریالیسم مدت‌ها است "دشمنه است" پروفیسورها با دادن نسبت "گمرده" به هگل او را مورد تحقیر قرار میدادند و در خالی که خودشان ایده‌آلیسمی را ترویج می‌کردند که هزار بار رست ترومبذلترا زا ایده‌آلیسم هگلی بود. با نظر حقا رت به دیا لکتیک می‌نگریستند. رویزیونیسیت‌ها هم ازین آنها در منجلاب لئوت فلسفی علم غوطه ور شده "ولوسون" "ساده" (و آرام) را جایگزین دیا لکتیک "زنگ" (واقلائی) می‌کردند، پروفیسورها در مقابل دریا فت مقررری دولتی خودسیستما ی ایده‌آلیستی و "انتقادی" خود را با فلسفه "قرون وسطائی" (یعنی بایزدانشنا سی) همساز می‌کردند، - رویزیونیسیت‌ها هم بود را به آنها نزدیک کرده و کوشش داشتند مذهب را "کاخ خصوصی" اشخاصی کنند منتها نه در مورد دولت معاصر، بلکه در مورد حزب طبقه پیشرو.

(لنین - مارکسیسم و رویزیونیسیم)

پیش از این توضیح دادیم که چگونه رویزیونیسیت‌های مرتد فوالتین علمی دیا لکتیک را مورد تجدید نظر قرار داده و متا فیزیسیسم را بجای دیا لکتیک ما تریالیستی نشانده‌اند. رویزیونیسیت‌ها از دیا لکتیک حرف می‌زنند، اما درک آنان از این مقوله یک درک متا فیزیکی و ضد علمی است، زیرا هما نظر که طبری مرتدمی - گوید آنها منطق موری را پذیرفته‌اند و این منطق جز متا فیزیسیسم یعنی نفسی تغیر دیا لکتیک نمی‌تواند دوما رزه افشا دجز بدیگری نیست.

ما تریالیسم دیا لکتیک فلسفه علمی شناخت جهان جهت تغیر انقلابی آن است. این فلسفه به تبیین مادی جهان برداخته و قانون حرکت و تضاد را قانون مطلق هستی میداند. حال آنکه طبری ما تریالیسم را به مذهب نزدیک کرده ما تریالیسم را فلسفه "توحیدی و یکتایی" جا زده و به نفی تضاد می‌پردازد. به بیان دیگر طبری نه تنها ما تریالیسم را نفی می‌کند بلکه بدفع از پوزیتیویسم و ایده‌آلیسم ذهنی بلند میشود. طبری رویزیونیسیت دیدگاه فلسفی خود را که یک دیدگاه سراپا بورژوازی است چنین به نمایش میگذارد: "در رتالیسم اسلامی وجود مستقل ماده نفی نمی‌شود، امکان معرفت انسان به ماده نفی نمیشود، لذا مقابله‌ای از تعریف لنین و برخی از نظریات فلسفی و حکمی اسلامی نباید جستجو کرد. این مقابله انجام گرفته، در جای دیگر، در مقابله با ایده‌آلیسم" که معتقد است "وجود خارجی عینیت ندارد فقط

رویزیونیسیم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

افراد انسانی با مذهب تقسیم نمی شوند، بلکه با طبقات تقسیم میگردند و پرواضح است که مذهب مخصوص افرادی است طبقات دستگرو استعمارگرانی را در خدمت خود قرار داده اند تا بدین ترتیب بتوانند کارگران و زحمتکشان را فریب دهند. اولاً طبری مرتداگانها یعنی مسائلی را می پویند و سرما به داران و نمایندگان سیاسی آنان را تحت عنوان کلی و مبهم "الهیون" قرار میدهد تا با استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها آنها را بفریبند. منظور طبری از "الهیون" همان سران حزب مرتجع جمهوری اسلامی است. حزبی که جلادکاران و زحمتکشان و مدافع بورژوازی و سیستم سرما به خود جز خیانته و جنایت به کار دیگری نمیتواند بپردازد. ثانیا طبری خاشن از "مارکسیستها" اصل صحبت میکند که منظور همان مارکسیستهای تقلبی ویا همان رویزیونیستهای خیانتکار مانند توده های ها و اکثریتی هاست. مارکسیستهای اصلی و انقلابی همان کسانی هستند که بطرز آشتی ناپذیر علیه رژیم سرما به داری حاکم و تمامی کارگران را سرما به می جنگند و در راه آرمای پرولتاریا یک لحظه مبارزه انقلابی را فراموش نمی کنند، همان کسانی هستند که توسط جلادان رژیم جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده میشوند و تیرباران میگردند. ثالثا و بالاخره طبری رویزیونیست بانگرتی ایدالیتی از "مسائلی انسانی و تکامل بشری و عدالت انسانی" صحبت میکند. طبری بحثا به یک نما بده سالوس بورژوازی از "انسان" صحبت میکند تا طبقه سرما به دارا بیویند. طبری از "مسائل و عدالت انسانی" صحبت میکند، تا ستم طبقاتی، استعمار و در درون کارگران و زحمتکشان و هزاران بیدادگری بورژوازی جنایتکار را بیویند. از نقطه نظر مارکسیسم افراد به طبقات تقسیم میشوند و هر طبقه ای عدالت خاص خود را دارد. عدالت بورژوازی یعنی اعمال دیکتاتوری و ستم و استعمار طبقاتی بر پرولتاریا و عدالت پرولتاریا یعنی اعمال قهر انقلابی و دیکتاتوری انقلابی علیه بورژوازی دستگرو. اما طبری خاشن در شرایط حاکمیت سرما به داری و بورژوازی، از "عدالت انسانی" حرف میزند و در نزد او این "عدالت" جز تاشید حاکمیت ارتجاعی مرتجعین چیز دیگری نیست. بدین ترتیب درمی یابیم که منظور طبری از "الهیون" همان سرما به داران، از "مارکسیست" های اصل، همان رویزیونیستهای نوگرمشنی است که برای بورژوازی در یوزگی میکنند و از "عدالت انسانی" همان دستگرو طبقه بورژوازی است. طبری به زبان خود اعتراف میکند که میان بورژوازی و رویزیونیستها تفاوت ماهوی وجود ندارد. آری رویزیونیستها جز طبقه بورژوازی ارتجاعی بوده و در مقابل انقلاب و پرولتاریا، اشتراک منافع طبقاتی و وحدت طبقاتی دارند. طبقه در صفحه ۲۰

رویزیونیستها خود را طرفداران ما تریا لیسیم بحساب میاورند، حال آنکه آنان بدترین حامیان ایدالیسیم ارتجاعی میباشند. اگر مسای پویند "ما تریا لیسیتی" رویزیونیستها را کنار بزنیم، بشوریهها، سیاستها و کردار طبقاتی آنان را آشکارا ما زیم، متوجه میگردیم که آنها علیرغم اینکه با ایدالیسیم "مخالفت" میکنند، لیکن در منقلب پوزیتیویسم ارتجاعی و ایدالیسیم ذهنی غوطه ورنند. وقتی می بینیم که آنها مرز میان مارکسیستها (نمایندگان پرولتاریا) و الهیون (نمایندگان بورژوازی) را مخدوش ساخته و ایندو دسته را در تمام عرصه های فلسفی، ایدئولوژیک، سیاسی یکسان بحساب آورده و دارای وحدت طبقاتی بشمار میاورند، بمعنای دیگر وقتی آنها قوانین عینی حاکم بر مناسبات طبقاتی و مبارزه طبقاتی را نفی میکنند، چیزی جز پوزیتیویسم ارتجاعی و ایدالیسیم ذهنی خود را بنمایش نمیگذارند. آنها دارای ظاهری علمگرا میباشند، اما علم را تا آن حدی مطرح می - سازند که در خدمت منافع طبقاتی بورژوازی است، آنها علم را در خدمت شناخت علمی پرولتاریا برای دگرگون سازی انقلابی جهان عینی قرار نمیدهند، آنها در خود گرایش بسوی مذهب نشان میدهند و در تعلق گوئی و چا پلوسی در مقابل بورژوازی همان زبانی را بکار میگیرند که الهیون "بوسی سبب نیست که لنین میگوید: "ایدالیسیم فلسفی... را هی است که بسوی ظلمت کلیشی میروند". آری رویزیونیستهای توده ای اگر چه از ما تریا لیسیم و ما ده سخن میگویند، اما راه آنان همان رویزیونیسم و ایدالیسیم ذهنی است. در نزد آنان اصطلاحات "طبقه کارگر"، "سرما به داری"، "مبارزه" هیچگاه واقعیتهای مشخصی و ملموس و ما دی خود را در نمی یابند. این اصطلاحات در نظر آنها واژه های مجردی هستند که از هر گونه فاق نومنندی عینی جدا میباشند. رویزیونیستها از مبارزه طبقه کارگر علیه سرما به داری حرف میزنند، اما آنان هیچگاه مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه سرما به داری را قبول ندارند. و جز خرابکاری ضد انقلابی در حرکت پرولتاریا و کوشش در بر سره ساختن آن کار دیگری نمی کنند. آنها خاشن به سوسیا لیسیم و پرولتاریا بوده و تغییر و تحولات را تا آنجا قبول دارند که در دایره منافع ارتجاعی بورژوازی قرار دارد.

بنابراین درمی یابیم که رویزیونیستها چگونه از نقطه نظر فلسفی نگرشی پوزیتیویستی داشته و دیدگاه آنان در تضاد آشکارا با دیا لکتیک ما تریا لیسیتی قرار دارد. آنچه طبری مرتجع در عرصه فلسفی میگوید علیرغم ظاهر ما تریا لیسیت و علمگرای خود، بخمسای رویزیونیستی بیش نیست و هیچ وجه اشتراکی با فلسفه مارکسیسم لنینیسم ندارد. اما ببینیم جوهر ارتجاعی سخن طبری در عرصه طبقاتی - اجتماعی چیست و چه اهدافی را تعقیب میکند.

"جدید" بیان میکنند، تا ما ده لوچان آنرا بعنوان "نوترین" فلسفه ها بپذیرند. (ما تریا لیسیم و آمبریو کریتیسیسم)

طبری تازه جوانی نیست که تفاوت میان ایدالیسیم و ما تریا لیسیم و وجه اشتراک مذهب و ایدالیسیم را نداند. طبری مرتجع همه این مسائل را میداند، اما او بحثا به نما بده بورژوازی و یک شارلانتا سیاسی طرفدار سرما به داری، ضدیت خود را با مارکسیسم به نمایش میگذارد. در اینجا طبری میخواهد چنین القاء کند که جریان سومی در فلسفه وجود دارد، حال آنکه این فریبی بیش نیست. او با این مغز خرافات، دفاع خود از ایدالیسیم را ثابت میکند و آشکارا پوزیتیویسم ارتجاعی خود را عیان میسازد.

طبری مرتجع میگوید: "..... ما بین الهیون بخصوص الهیون پبروخط اما موما رکسیستهای اصل انقلابی که مدعی اند در درک مسائل انسانی و تکامل بشری و عدالت انسانی تفاوت ماهوی وجود ندارد، در صورتیکه تفاوت از لحاظ ظاهری میتواند وجود داشته باشد."

طبری رویزیونیست چه میگوید؟! و بر آن است که الهیون و مارکسیستها در درک "مسائل انسانی و تکامل بشری و عدالت انسانی" تفاوت ماهوی ندارند. ما قایل آنکه هدف طبری را در عرصه طبقاتی - اجتماعی توضیح دهیم، از زاویه فلسفی میگوئیم تا عمق ارتجاعی این نظر را برملا کنیم. آیا براسی در نگرش فلسفی - ایدئولوژیک الهیون و مارکسیستها تفاوت کیفی و ماهوی وجود ندارد؟ مگر نه آنکه الهیون ایدالیت و مارکسیستها ما تریا لیسیت میباشند؟ مگر نه آنکه الهیون به متا فیزیسیم و مارکسیستها به دیا لکتیک ما تریا لیسیتی اعتقاد دارند؟ مگر نه آنکه الهیون به ایدئولوژی بورژوازی و مارکسیستها به ایدئولوژی پرولتاریا می معقد میباشند؟ مگر نه آنکه ایدالیسیم با ما تریا لیسیم متا فیزیسیم با دیا لکتیک و ایدئولوژی بورژوازی با ایدئولوژی پرولتاریا در تضاد آشکار میباشند؟ آری، هرگز الهیون و مارکسیستها در عرصه فلسفی - ایدئولوژیک دارای دیدگاه مشترک و واحد نیستند و نمیتوانند با شد. اما رویزیونیستها در جانشان از بورژوازی این حقایق عریان را می پویند. "تکامل بشری" از نقطه نظر ما تریا لیسیم دیا لکتیک مبتنی بر تغییر و حرکت، تا ثیرات متقابل، تضاد و مبارزه افراد و با لاف و جش های ناگهانی بوده و فی المثل جهت تاریخی جوامع بشری بسوی دیکتاتوری پرولتاریا و برقراری کمونیسیم است. آیا الهیون نیز به همین امر معتقد هستند؟ "عدالت انسانی" از نقطه نظر پرولتاریا بسک عدالت طبقاتی است و دمکراسی پرولتری همان دیکتاتوری پرولتری است. آیا کسانی که متکی بر ایدالیسیم فلسفی هستند و ایدئولوژی بورژوازی اساس تفکر آنان را تشکیل میدهد می - تواند بدین امر اعتقاد داشته باشد؟

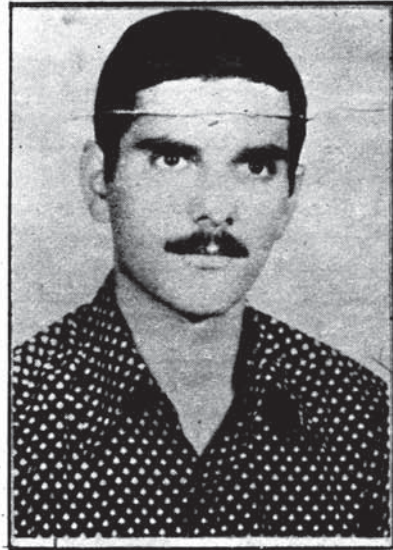


چهلمین روز شهادت رفقای کمونیست قهرمان ایرج ترابی و آذر مهرعلیان!

■ چهل روز از جنایت هولناک پاسداران سرمایه که با پرتاب نارنجک جنگی به میان تظاهرات کنندگان کمونیست در بزرگداشت مقاومت خونین دانشجویان انقلابی - اول اردیبهشت - رفقای کمونیست هوادار سا زمان مارا بخون کشیده و موجب شهادت سه کمونیست قهرمان، رفقای پیکارگر آذر مهرعلیان، ایرج ترابی و سپس مرگان رضوانیان گردید، می گذرد.

انقلابی نبود، درگذشته هربا رکه کمونیست ها و انقلابیون برای افشای جنایات رژیم و اعتراض به کشتارها و سرکوب خلقها اجتماعی برپا کرده و با تظاهرات نمودند با یورش وحشیانه پاسداران و با شان رژیم جمهوری اسلامی مواج گشته اند این یورش های فاشیستی اغلب با حادثه مرگبار و با خونینی همراه بوده است. در شیراز اندازی های پاسداران به صف نیروهای کمونیست و انقلابی تاکنون دهها انقلابی و بویژه از هواداران مجاهدین بشهادت رسیده اند. در روز ۲۲ بهمن ۵۹، در سالگرد قیام خونین بهمن پرتاب سه رایی بمبان تظاهرات کنندگان

کمونیست در آمل منجر به شهادت کمونیست قهرمان رفیق محمدطه ماسی از اعضای سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار (مانندران) گردید. اما پرتاب نارنجک جنگی به میان تظاهرات بزرگداشت حماسه خونین اول اردیبهشت نشانه و آغاز یک ترور وسیع و سازماندهی شده از طرف ارتجاع بود که بعدا ادامه یافت. رژیم جمهوری اسلامی که یورش های وحشیانه پاسداران و مزدوران چماق بدستش به نیروهای کمونیست و انقلابی نتوانسته بود کوچکترین تزلزلی در اراده و استقامت آهنگین فرزندان دلاور توده - های زحمتکش بهاریاورد، این بار با یک برنا مهربی گسترده، سرکوب و ترور سیاها را در مورد کمونیست ها و انقلابیون بکار میبرد و دیدیم که این ترورها دامنه گسترده ای دارند و از قاشم شهر تا شهر کرد و از تهران تا رشت را فرا گرفت. سرکوب و ترور فاشیستی که با اطلاعیه ها و بیانیه های ارتجاعی رژیم بویژه بیانیه ماده ای "داستان انقلاب" تکمیل گشته و همچنان ادامه دارد.



ما در چهلمین روز شهادت رفقای قهرمان کمونیست های پیکارگر آذر مهرعلیان و ایرج - ترابی با تجدید عهد و پیمان در ادامه راه سرخی که آنرا راه در آن نهاده بودند، راه سرخی که انقلاب رها بی بخش زحمتکشان و پیروزی سوسیالیسم را نوید میدهد، یاد آن رفقا را گرامی میداریم. رفقای شهید ایرج ترابی و آذر مهرعلیان با آگاهی به منافع تاریخی طبقه کارگر و سوسیالیسمی استوار و قدم در راه سرخ مبارزه برای آزادی طبقه کارگر گذاشتند و درحالی که قلب های سرخشان مالا مال از عشق سرشار به طبقه کارگر و ایمان را سخ به ما رکیسم لنینیسم بین پرچم ظفر نمون مبارزات زحمتکشان بود و درحالی که آماده جانفشانی های بیشتر در راه شاهی زحمتکشان و مبارزه علیه ارتجاع، سرنا به اداری امیریا لیستیها ی جها نخوا بودند با مرگ زودرس به کاروان شهیدان کمونیست پیوستند. یادشان گرامی و راهشان پیونده باد!

روز خونین مقاومت دانشجویان انقلابی برپا شده بود با پرتاب یک نارنجک جنگی بخون کشیدند. در اثر این جنایت وحشیانه و کمونیست دلاور رفقای پیکارگر ایرج ترابی و آذر مهرعلیان هم تروزشهادت رسیدند و همتان در اثر شامه های نارنجک زخمی شدند که از میان آنان رفیق مرگان رضوانیان، کمونیست جوانی که بیش از ۱۶ سال نداشت پس از ۲۰ روز جنگ میان مرگ و زندگی بشهادت رسید.

و امروز چهل روز از آن روز خونین میگذرد. جنایت خونین ۳۱ فروردین، اولین نمونه از جنایات وحشیانه پاسداران ارتجاع در یورش به راهپیمایی نیروهای کمونیست و

اول اردیبهشت در تاربخ جنبش انقلابی توده های زحمتکش میهن ما با خون ثبت شده است. اول اردیبهشت روز حماسه آفرین و خونین مقاومت دانشجویان کمونیست و انقلابی است.

در اول اردیبهشت ۵۹، حزب جمهوری اسلامی با همدستی بنی صدر خائن، دانشگاه های ایران، این سنگرهای همیشه مقاوم مبارزه و آزادی را بخاک و خون کشیده و بیش از ۳۳ دانشجو - کمونیست و انقلابی را بشهادت رساندند.

در آستانه اول اردیبهشت ۶۰ (عصر ۳۱ فروردین ۶۰) پاسداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی تظاهرات دانشجویان و دانش آموزان پیکارگر که بمناسبت اولین سالگرد

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

۱۵ خرداد ۴۲ و نقش آن در جنبش نوده‌ها



جهت استسما رنبروی کارگران زحمتکشان ما صورت میگرفت، نمیتوانستند توده‌های ستمدیده ما را بفزیند و توده‌ها فریاد خشم و اعتراض برآوردند. یورشهای چکمه پوشان و دژخیمان محمد رضا شاه بر علیه حرکت‌های آزادیخواهانسه و انقلابی توده‌ها بویژه کارگران و دانشجویان دانشگاه تهران و کشتار طلاب مبارز فیضیه و... هیچکدام قادر نبودند بر علیان خشم توده‌ها سربوش بگذارند و ۱۵ خرداد ۴۲ نقطه اوج این خشم و خروش مبارزاتی توده‌ها بود. در روز ۱۵ خرداد زحمتکشان شهرورستانه خیا با آنها ریختند و در حالیکه از زماندهی سرتاسری و رهبری واحد انقلابی برخوردار نبودند در زیر آفتاب سوزان خرداد ۴۲ فریاد آزادی سردادند. بخت عمده ای از حرکت توده‌های زحمتکش تحت نفوذ و روحانیت مترقی و بویژه آیت الله خمینی - که در آن زمان برخی مواضع ترقی خواهانه را بود قرائت داشت - توده‌های زحمتکش و ستمدیده با داستان خالی بمصاف تا نکها و گلوله‌های ارتش ارتجای شاه رفتند. دژخیمان شاه فریادهای خشم توده‌های خلق را با شلیک گلوله و برق سرنیزه‌ها پاسخ میدادند. توده‌های روستائی و دهقانان زحمتکش با اطلاع از گسترش جنبش مبارزاتی بسوی شهرها سرا زیر شدند. درجاده‌ورامین، زاندارمه‌ها و مزدوران رژیم شاه صف دهقانان را که به تهران می آمدند بهر گویا ریستند. در آن نوز خونین هزاران تن بر روی سنگفرش‌های داغ نیمه خردا بخون سرخ خویش خفتند و قیام توده‌ها سرکوب شد و با شکست مواجه گشت و لکنه‌نگ دیگری بردا میان رژیم منفور شاه نقش بست.

گرچه جنبش خلق ما در پیان نزد هم خرداد ۴۲، با شکست مواجه گشت، اما این شکست به حاکمیت بیامتنازع فرمیسومپا رلما نتا ریسمدراجه ما بیایان بخشید. آن به بعد درجه ما، انقلابیون جان برکف، در جده‌توان خود، به جمع بندی از غلغل بر روز و شکست جنبش توده‌ای خرداد ۴۲ و در سگیری از آن بردا خفتند و با تبلیغ آلترا نتا انقلابی

در ۱۵ خرداد ۴۲، چکمه پوشان رژیم شاه مایخون کشیدن هزاران نفر از مردم زحمت کش کما منتهای گره‌گرد مبرای آزادی قیام کرد. دست به جنایتی زد که بتنهائیش لکنه‌نگی ابدی بردا مان رژیم تنهگارووا بسته شاه بشمار می‌رود.

شکست خونبار خرداد ۴۲ یک بار دیگر در سن بزرگ تاریخی را با ثبات رسا نندکشد توده‌های زحمتکش برای پیروزی در مقابل ضد - انقلاب مسلح به رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر سازماندهی منسجم و سلاح نیازدا رنند و تنهائیک انقلاب قهرآمیز میتوان ما شمس نظامی - اداری کهن را درهم شکست.

قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲، از جایگاه با اهمیت در مبارزات توده‌های زحمتکش خلقهای ما بر علیه رژیم ضد خلقی شاه و اربابان امپریالیست برخوردار است. در آغاز دهه ۴۰ که رژیم شاه به شاه امپریالیست آمریکا مشغول پیدا کرده خدا انقلاب نفیذ جهت رشد سرمایه داری وابسته به امپریالیست و جایگزینی سرمایه داری بمشابه شیوه تولیدی املی بجای فئودالیسم حاکم بر ایران بود، زحمتکشان ما از وجود یک سازمان انقلابی سراسری که بتواند خشم و خروش انقلابی آنان را سازمان دهد و با رشد آگاسی سیاسی آنان، بحران کمزگشتی را که رژیم شاه و نفوذ امپریالیست برجا معه ما تحمیل کرده بود به یک انقلاب پیروز تبدیل سازد بی بهره بودند. تنهائیکه جریاناتی که در صحنه مبارزات سیاسی میهن ما خود نمائی میکردند، جریانات فرمیسومپا و سازنگاری چون جبهه ملی و... بودند که در برابر "ملاحظات ارضی" شاهانه، شعار "اصلاحات آری، دیکتاتوری شاهانه" را مطرح ساختند و ازشانه میخواستند که "سلطنت کند و نه حکومت، جریانات سیاسی دیگری که اظها ر وجود میگرد - و عمدتاً در سواحل دریای سیاه و استراحتگاههای کشورهای رویزیونیستی - حزب خیا نت پیشه "توده" بود که به تائید "اصلاحات ملوکانه" و هورا کشیدن برای "اقدامات ترقی خواهانه" شاه خاشن مشغول بود.

تا بسا مائیهای اقتصادی، بیکاری، فقدان آزادیهای سیاسی و اجتماعی... توده‌های زحمتکش را تحت شدیدترین فشارها گذاشته بود. هر حرکت اعتراضی مردم با سرکوب روبرو میشد و در منطقه خفه میگشت. "رهبران" جنبش میکوشیدند با کشانیدن توده‌ها به مبارزات پارلمانی و جلب توجه مردم بسوی "مجلس" که سراسری بیش نبود بر خشم و غلیان توده‌ها مهر سکوت و خاموشی بزنند. اما وجدانهای بیدار توده‌های زحمتکش آرا نمیگرفت. مردم قهرمان ما رژیم شاه را مسبب اصلی تا بسا مائیهای و عوامل املی بدبختی، فقر، فلاکت و... میدادند و توطئه‌های رژیم منفور شاه که با شاه امپریالیست آمریکا و برای گسترش نفوذ امپریالیستهای غارتگر آمریکا می و تبدیل ایران به بازار فروش محصولات کشورهای امپریالیستی و ایجاد گسترش امکانات لازم

و ضرورت سازماندهی توده‌ها حول مبارزه قهر - آمیز انقلابی در برابر قهر خدا انقلابی ارتجاع و امپریالیست به تنهائیکه راه‌های خلقهای ستمدیده لزوم مبارزه انقلابی را درجا معه مطرح کرده و به حاکمیت پارلمانا ریسوم فرمیسوم به منشا به تنهائیکه حاکم بر جنبش سیاسی جامعه خسته دادند. برپا به همین جمع بندیها بود که محافل، گروهها و سازمانهای متعددی بسا به عرصه وجود گذاشته و جنبش نوین انقلاب بوجود آمد. جنبش نوین انقلابی با خود دستاوردهای مهمی چون ضرورت اعمال قهر انقلابی علیه دولت طبقاتی حاکم، مرز بندی با فرمیسومپا ایجاد تشکیلات مخفی انقلابی... پدید آورد. نیروهای تشکیل دهنده این جنبش اساساً به دو بخش - مارکسیستی و دمکرات انقلابی تقسیم میشدند. آنچه در باره بخش مارکسیستی جنبش نوین با بد گفت این است که این جریان اساساً به انحراف "چپ" مئی چریکی در غلغله، جنبش نوین کمونیستی بتوانست مرز بندیهای خود با انحرافات گذشته را به یک خط کشی پرولتری و بینش پرولتاریائی تبدیل کند. حاکمیت مئی ما جراحیانه ما نسج از آن گردید که جنبش کمونیستی به وظایف اساسی خود در قبال جنبش کارگری جهت ایجاد دستا در زمینه طبقه کارگر عمل کند. حزبی که پیش شرط پیروزی انقلاب دمکراتیک - خدا امپریالیستی خلقهای ایران بوده، هست و خواهد بود.

در هیجدهمین سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ دلاوریهای توده‌ها را اگر می دانستیم و با تکیه به درسهای خونبار آن راه انقلاب و سوسالیسم را همچنان ادامه خواهیم داد.

بزرگداشت چهلمین روز شهادت رفقا ترابی و مهرعلیان

روز جمعه ۸ خرداد ماه مراسمی بخاطر شهادت چهلمین روز شهادت رفقا ایرج ترابی و آذر مهرعلیان بر سر مزار رفیق آذر دیربخت زهرا که با گل‌های سرخ زینت یافته بود برگزار گردید.

در این مراسم که با حضور حدود ۲۰۰ نفر از هواداران برگزار شد، رفقا با خواندن سرود انترنا سونال و... با دررفقای شهید را گرامی داشتند. سپس بیامان زمان، بیامان زمان دانشجویان و دانش آموزان بیگانه رقران شد و مادر رفیق آذر سخنان پرشوری ایراد کرد و شعری بیاد سه رفیق شهید اول اردیبهشت رفقا آذر، مزگان و ایرج خوانده شد.

در پایان مراسم رفقا با خواندن سرود و مشت‌های گره کرده با شهیدان کمونیست بیامان بستند که همچنان راه سرخ آنان را که راه‌های زحمتکشان بود، دنبال کنند.

ترور یکی از جنگزدگان در اردوگاه فسا

در اردوگاه جنگزدگان فسا که زیر نظر فردی بنام نامطمی اداره میشود، سرکوب و خفقان و کنترل به شدت رواج دارد. ناظمی مرتجع مدتها بوده که نسبت به یکی از زنان شوهردار جنگزده سوخته و نظردار شده و از طرق مختلف سعی در برآوردن هدف پلید خود داشته ولی موفق نمیکردد. شوهر زن ناممرد شده بنا م عباس خنقاری که از جنگزدگان مبارز بوده است، پس از اطلاع از این جریان، خانواده خود را به شیراز منتقل میکند و خود برای افشای ناظمی مرتجع به اردوگاه فسا باز میگردد. مزدوران مستقر در اردوگاه که با افشاگریهای جنگزده مبارزها همیت کثیفشان بر ملا میشود ضمن ریختن بر سر او و کتک زدنش، با شلیک چهار گلوله به او، وی را میکشد و فوراً شایع میکنند که خنقاری خودکشی کرده است! اجالب توجه اینکه مسئولین اردوگاه با بنجنا و آنجا از مرگ وی اظهار بیعت میکنند و میگویند "زدستش راحت شدیم!" نقل و تلخیص: خبرنامه محلی شماره (۴) تنکلیات شیراز

رژیم به آوارگان خدمت میکنند یا خیانت؟

رژیم جمهوری اسلامی در بیش از ۸ ماه جنگ ارتجاعی کنونی، هرفشا روحنا پتی که از دستش برآمده و سرآوارگان جنگ زده اعمال کرده است و این بر کسی پوشیده نیست. اما روزی نیست که سردمداران جمهوری اسلامی وقیحا نه در مورد کمک های شان به آوارگان داستانرا نمیکنند. همانطور که در پیکار ۱۶۰۶ اثاره شدنبوی مرتجع درهما جبهه ای در مورد رسیدگی دولت به جنگزدگان گفته است:

"آئیندردولت به جنگزدگان اهمیت داده است که چیزی بنا مبنیادامورجنگزدگان ایجا دکرده است... و همانطور که میدانید ۶ میلیار تومان بودجه بنیاد جنگزدگان است." (جمهوری اسلامی - ۶۰/۲/۲۱)
گرچه بعدا مشخص شد که ایجا د بنیاد جنگزدگان "دقیقا بخاطر قبا بت دوجنا ح ارتجاعی و در مقابل "هلال احمر" که در دست لیبرالها بود صورت گرفته است (اطلاعات ۶۰/۲/۲۱ - مصاحبه نسوی) ولی بد نیست نمونه های از اهمیت دادن دولت ارتجاعی به جنگزدگان ارائه دهیم تا عمق بیستی و ردالت سردمداران جمهوری اسلامی را بیش از پیش نشان دهیم:

آموزش و پرورش سروجرده آموزشگاهها دستور میدهد که "کلیه اطباء خالی خود را به

جنگ و آوارگان

"انبار" ویا "دفتر" ویا "کلاس درس" (آنهم در ۱۵ اردیبهشت که تعطیلی مدارس نزدیک است!) تبدیل نمایندنا از طرف جنگزدگان اشغال نشوند. (سند ۱)

در حالیکه آوارگان زحمتکش جنگ دیدتیرین شرایط و تحت انواع تضییقات و فشارها در شهرها و بیابانها و اردوگاههای فادوسا مثل اولیسه زندگی آواره هستند، رژیم جمهوری اسلامی ترجیح میدهد که ما حتما نهایی خالی به "انبار" نمایی تبدیل شود تا آوارگان نتوانند آنها را به اشغال درآورند. چرا که رژیم میداند که آن حداقل امکاناتی را هم که زحمتکشان آواره بدست آورده اند در راه شرمنا رزه متحدانه شان بوده و اگر محل سکونتی در اختیارشان قرار گرفته نتیجه مما دره نقلایی خود آوارگان است. و اما آوارگان جنگ زده ای که در اردوگاهها بسر میبرند با انواع فشارها، تهدیدها محدودیت های ارتجاعی روبرو هستند. فرماندار با بل با انتشار اطلاعیه ای زحمتکشان جنگ زده را با تهدید به اخراج از اردوگاه، به سرفسرد آوردن در مقابل دستورالعمل های سرکوبگرانه رژیم فرا میخواند (سند ۲).

طبق این اطلاعیه ها ننداردوگاههای اسیران جنگ ورود و خروج آوارگان از محوطه اردوگاه کنترل میشود، پس از ساعت ۸/۵ شب جنگزدگان حق ورود و خروج ندارند، زحمتکشان جنگ زده حق بیعت و درددل با دیگر زحمتکشان و با زگوشی دردهایشان ندارند و... والا از اردوگاه اخراج میشوند.

این اطلاعیه نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی تا چه اندازه از انتقال آگاهیه به نودها ها، از اتحاد زحمتکشان و مبارزه متحدانه آنان وحشت دارد که با "تهدید به اخراج" مذبحا نه کوشش میبندد و آوارگان، در برابر فرقا نیستن ارتجاعی حاکم بر آوارگان و بیلاهای که جنگ ارتجاعی بین رژیمهای فدخلقی ایران و عراق بر سر زحمتکشان آورده است سکوت نمایند اما این تلاشهای ارتجاعی سردمداران رژیم همچنانکه مبارزه متحدانه، سراسری و گسترده زحمتکشان جنگ زده نشان میدهد، برای رژیم جز سنگ و رسوائی بیشتر نتیجه ای سار نخواهد آورد.

آب - رشتگاه - ۲۵۲۸
۶,۲۱۵

کلیه اطباءهای خان آموخته، محل کار خود را به انبار کلاس درس و دفتر چه بل فریاد زحمتکشانه اجناسی خالی بایستد اشغال آن بوسله جنگزدگان حتمی بوده و مشعل شرفسی اولیا - آموخته رشتگاه خواهد بود.

اداره آموزش و پرورش - رشت

سند شماره یک

تاریخ ۱۵ اردیبهشت
شماره ۱۹۶
پرست: غلامرضا

وزارت کشور
«استانهای آزادگان»
فرمانداری شهرستان پابل
پسته تاملی
«اللهی»

به تمام میمانان اسکان ۱۵۰۰ شده در جمع جاکر - بیلاهای بانک سکن - بانک کنایزی - بل بانکلی و دست بیزی موارد ذیل ابلاغ میگردد:

۱- خواهانان پایه حجاب اسلامی را کلا "واپست نماید از ورود و خروج افراد بدون حجاب اکید" جلوگیری خواهد شد.

۲- صورت میمانان فقط با اجازه به بران بیلاها و پروردن غیر مسموس امکان پذیر میباشد.

۳- نگهبانان بیلاها موظفند که "توقا" کاره شناسایی افراد را مرفوع برون بازده و از دخول افراد بدون حجاب جلوگیری نماید. اجازه کسی به بران میمانانها.

۴- در بی میمانانها در ساعت ۸ شب بسته شده و از ورود و خروج افراد جلوگیری میشود.

تاریخ ۱۵ اردیبهشت
شماره ۱۹۶
پرست: غلامرضا

وزارت کشور
«استانهای آزادگان»
فرمانداری شهرستان پابل
پسته تاملی

فراوان بهج وجه میمانان با یواشخوار کتاه در محوطه ظاهر شوند نگهبانان موظفند که شهیدا در این مورد جلوگیری بعمل آرند.

۲- خواهانان و برادران در بیعت خود از بازار از هرگونه بحث و گفتگو خودداری تا شنگی برایشان برود نباید.

۳- بران محل اسکان موظفند که شهیدا "واپست بواره نوب را نبرده و در صورت مشاهده تعقیب افراد خاطی را به بنیاد امور جنگزدگان این شهرستان معرفی تا نسبت به اخراج نوبی حتمی اقدام گردد.

۴- بران بیلاها در صورت سهل انگاری و اتمامی بیعت تعقیب تا نوبی قرار خواهد گرفت.

علی اکبر شهری
سپرست فرمانده آری پابل

اطلاعیه نوب به تمام برانک تحت سرپرستی این بنیاد ابلاغ به بران بیلاها - موظفند در صورت نوب را کلا "واپست و در صورت مشاهده این بنیاد را کتبا" - مطلع نمایند.

سپرست و بنیاد امور جنگزدگان
شهرستان پابل

سند شماره دو

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

درباره هدایت بحث‌های خیابانی

رفقای پخش و توزیع محلات جنوب طی نامه - ای به ضرورت جمع بندی از دستا وردها و تجارب دهکده ها و بحث های خیابانی و انعکاس آن در پیکار و ارائه نمونه های خوب تبلیغ اثاره نموده اند و در مورد ضرورت منسجم بودن موضوع بحث ها نیز توضیحاتی داده اند .

رفقا! در هفته پیش نیز توضیحاتی در مورد مسئله هماهنگی بین واحدهای تبلیغ و بحث - های خیابانی بر سر بساطت ها دادیم و هم اکنون در رابطه با این مسئله در فکر ایجا دیک سیستم ارگانیک که بین "پیکار" و واحدهای تبلیغ مناسبات لازم را تامین نماید، هستیم. از کلیه رفقا نیز میخواهیم اگر پیشنهادی دارید در این زمینه در این صورت انعکاس نمونه های خوب تبلیغ در پیکار نیز پیشنهادها مشت است. از کلیه رفقا - میخواهیم که پیشنهادها خوب تبلیغ را چه آنها که جنبه تئوریک دارند و چه آنها که مبتنی بر تجربه عملی است برای ما ارسال نمایند تا در کسب تجربه نمود، برای ما ارسال نمایند تا در پیکار ردرج نماید. برای آموزش و کسب تجربه حتی نمونه های منفی تبلیغ نیز میتواند ذکر شود تا با تحلیل از آن بتوان در ارتقاء امر تبلیغ کوشید. در پایان از کلیه رفقا میخواهیم که تجارب تبلیغ و پیشنهادها را در ارتقاء رابطه ما با نقش پیکار در این زمینه برای ما ارسال نمایند. برای رفقا آرزوی موفقیت مینمایم!

● رفیق م
ضمن اشاره به یکی از مقالات پیکار در باره کردستان پرسیده است آیا سیاست حد اکثر خودداری از درگیری با دمکرات بدان معنی است که مولد رقابتی است؟ یا همان حزب دمکرات نباید ایستاد؟ و اگر چنین است، پس چه باید کرد؟ رفیق! ما منظور که میدانی دشمن عمده خلق کرد، ارتجاع حاکم است. بنا بر این مبارزه خلق کرد عمدتاً بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و صورت منظور بدست آوردن حق تعیین سرنوشت صورت میگردد. انکاء به چنین سیاستی باعث میشود که ما در مورد نیروهای سیاسی کردستان مانند حزب دمکرات (نیروهای که ما هیتی بورژوازی دارند) سیاست مقابله نثالی را در چپین شرایطی در پیش نگیریم و در روند مبارزه علیه حاکمیت کنونی به افشای سیاست واهداف آن بپردازیم و با منفرد نمودن آن در جنبش - گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی در کردستان باری رسانیم. بر اساس چنین سیاستی، ما منظور که گفتیم جداگانه کثرتت و بر داری را در مقابل تحریکات حزب دمکرات برای ایجا درگیری بکار نمی بندیم. اما این بدان معنی نیست که در مقابل حملات نظامی آن به نیروهای کمونیست سکوت میکنیم. بلکه چه موقع با بدر مقابل حملات حزب دمکرات دست به تعرض مقابل زد، بستگی به عوامل متعددی نظیر تناسب نیرو



شرایط ذهنی توده ها، تا سیر چنین تعرضی در زدودن توهم خلق کرد از حزب و... در این باره این اگر چه درگیری نظامی بین حزب دمکرات و نیرو - های کمونیست و انقلابی را بسود خلق کسود نمیدانیم و از این رو تا آنجا که بتوان از بروز چنین درگیریهایی خودداری میکنیم، ما در صورت حمله نظامی حزب، با توجه به محاسباتی که ذکر کردیم، دفاع از خود را با توجه به شرایط مذکور در باره اولی می شماریم.

● رفیق کارگرم - ب
طی نامه ای مینویسد که رفقا از هنر نیروی سیاسی که سوال میکنی، خود را از همه بهتر میدانند و دیگری را به انحاء مختلف محکوم میکنند و آنرا منحرف و یا ضد انقلابی میدانند.

رفیق پرسیده است برآستی از کجا میتوان فهمید که کدام درست است و از کجا معلوم که بهترین نیروها نظیر شما اگر بقدرت برسند، خود در مقابل زحمتکشان نباشند؟

رفیق کارگرم! درست است که امروز بسیاری از دشمنان ما را کمیسر، در لباس های گوناگون خود را کمیسر و طرفدار طبقه کارگر میخواهند و درست است که بین نیروهای کمونیست نیز اختلافاتی وجود دارد، اما با دیدن چنین وضعیتی به "شک گراشی" نباید دچار شد و یا حیانا کلیشه نیروهای کمونیست را به زیر سوال برد و یا سرنوشت همه نثندی را برای آنها تصور کرد. اولاً رومیونیستها، یعنی پیگیرترین دشمنان طبقه کارگر در جنبش کارگری، از بیخ و بن ضد انقلابی و نوکری بورژوازی هستند. این امر مربوط به امروز نیست، از دوران مارکس و انگلس و لنین گرفته و تا زمانیکه طبقات وجود داشته باشند، دشمنان طبقاتی پرولتاریا برای فریب دادن پرولتاریا خود را به لباس "سوسیالیست" و "کمونیست" درآوردند و مدعی طرفداری از طبقه کارگر میشوند. اما اینها را چگونه میتوان از کمونیستها برآستین متمایز نمود و فهمید که اینان دشمنان طبقه کارگرنند؟ گافتی است نیاستها، تئوریهایی و پراتیک آنها بررسی شود تا به ما هیت ضد انقلابی آنان و دشمنیشان با طبقه کارگر پی برده شود. بررسی نمونه حزب توده و "اکثیت" در ایران، نمونه زنده و روشنی از خیانت و دشمنی آنان با کارگران و زحمتکشان و بطور کلی انقلاب است.

اما در مورد انحرف در جنبش کمونیستی و اختلافات سیاسی، ایدئولوژیکی که در میان گروهها و سازمانهای کمونیستی وجود دارد، این امر ناشی از آن است که بدلیل احاطه زندگی پرولتاریا توسط خرده بورژوازی و بورژوازی

افکار غیر پرولتری مرتباً در صفوف پرولتاریا نفوذ میکند. انحرافات جنبش کمونیستی مبین انحراف خرده بورژوازی و بورژوازی در بین پرولتاریاست که باید در تصحیح آن کوشید. در اینجا با زهم بررسی سیاستها و پراتیک این نیروهاست که میتوان نشان داد که کدایک منحرف و کدایک را از خط مشی پرولتری اند

بدین ترتیب از ورود انحرافات در جنبش کمونیستی و با وجود مدعیان ما را کمیسر که نوکری بورژوازی را میکنند به نفی حق نیست کلیه کمونیستها رسیده. و با صلاح لا درگیری و "نمیدانم کدایک درست میگوید" را راج داد. باید ضمن بررسی منافع پرولتاریا و خط مشی کمونیستها، خط مشی پرولتری را با شناخت و آنگاه هر رفیق کارگر کمونیستی میبایست به زیر پرچم و خط مشی پرولتری به مبارزه علیه دشمنان جنبش کمونیستی و انحرافات غیر - پرولتری بپردازد و در صورت دفاع از ما را کمیسر انقلابی را برعهده گیرد. و ما در مورد امکان دور شدن ما و یا هنر نیروی کمونیستی دیگری که به قدرت برسد، از منافع پرولتاریا با بدگفت این امکان وجود دارد، چرا که تا طبقات از بین نروند، نیروهای غیر پرولتری میکوشند تا با نفوذ افکار روعا بدخود صفوف پرولتاریا را از ادامه راه منحرف سازند. اما چنین احتمالی را چگونه باید برخورد نمود؟ باید کوشید با مبارزه ایدئولوژیک فعال، پیگیر و دائمی هرگونه انحراف غیر پرولتری را از صفوف خود پاک نمود تا سرنوشتی که توسط پرولتری، پیش نیاید. هر - گاه یک نیروی کمونیستی بر خط مشی پرولتری تکیه زده باشد، هرگز از پرولتاریا و منافع وی دور نخواهد شد. این امر در صورتی اتفاق خواهد افتاد که مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی متوقف باشد و بر بستر آن انحرافات غیر پرولتری بتوانند آهسته آهسته غلبه نمایند.

● رفیق م
در نامه اش از صفحه در نامه آموزشی استقبال نموده و ضمن برشمردن اثرات مثبت این بخش در پاسخگویی به سوالات و بهایات رفقا و کارگران پیشرو... پیشنهاداتی را نیز مطرح کرده است و در آنها بر زنده بودن موضوع آموزش و قابل استفاده بودن آن برای کارگران پیشرو تکیه کرده است.

ما ضمن تشکر از رفیق در مورد پیشنهادها دانش نامه اش را برای کمیته تعلیمات سازمان فرستادیم. رفقای آموزش خود قصد دارند به حول زنده ترین مسائل روز و برخی مسائل کارگری در نامه آموزشی تهیه کنند. بی شک برخورد فعال رفقا در مورد پیشنهادها و انتقادات میتواند در ارتقاء کیفیت این صفحه موثر باشد. بنابراین از کلیه رفقا میخواهیم که پیشنهادها را در این زمینه ارسال نمایند. تا کمیته تعلیمات بتواند از نظرات رفقا بهره مند گردد.

کمکهای مالی در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی

موردجا به مجددکمکهای افزایش تیراژ
"بناطردرج ناروشن کمکهای مالی سی در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی جهت افزایش تیراژ وعدم تکفیک روشن آن ازلیست کمکهای عادی وبنا به تقاضای رفقا در این شماره ما کلیه کمکهای مالی جهت افزایش تیراژ پیکار از انتشارفراخوان کمیته مرکزی تاکنون رادر ج سکینیم. ضمن بپوش ازرفقای کمک کنشده، کمکهای مالی عادی این هفته رادرشماره آینده درج خواهیم کرد."

کمکهای مالی مندرج در پیکار ۱۰۵

- اصفهان:**
۱- ر.جمال ۵۰۰۰
۲- عیدی ۵۰۰۰
۳- ن ۱۲۲۰۰
۴- ها شه ۲۰۰۰
۵- پروجرود:
۱- م ۶۰۰۰
۲- ن - س - معلم ۵۰۰۰
۳- هواداران ۲۲۰۰۰
تهران:
۱- آواکان قمرتیرین ۳۱۰۰
۲- احسان ۲۰۰۰
۳- زبروجرد ۵۰۰۰
۴- اکبر ۲۰۰۰
۵- الف ۱۱۲۰۰
۶- الف - زورامین ۱۵۰۰
۷- الف - ط ۲۸۱۰۰
۸- بدون کد ۶۰۰
۹- بدون کد ۱۳۱۰۰
۱۰- بدون کد ۱۵۰۰
۱۱- بدون کد ۱۷۰۰
۱۲- م ۶۰۰
۱۳- ب ۸۰۰
۱۴- م ۱۷۸۰۰
۱۵- ب ۲۱۳۰۰
۱۶- ت ۶۰۰۰
۱۷- تن ۳۰۰
۱۸- توزیع مرکزی ۳۰۰
۱۹- توزیع د.د ۵۱۲۰۰
۲۰- جمع ۱۲۷۰۰
۲۱- جمع ت ۷۵۰
۲۲- ۱۲۱۰۰
۲۳- د.د.د ۱۲۰۰
۲۴- ۸۲۱۰۰
۲۵- دانشجویان ۳۰۰
۲۶- دانشجویان ۱۲۵۰۰
۲۷- د.د.د ۹۰۰
۲۸- د.د.د - کمیته ک ۹۰۰
۲۹- دون ۱۴۱۴۰
۳۰- ح ۳۴۱۴۰
۳۱- رخ ۸۰۰
۳۲- دبلیمه آستانه ۸۰۰
۳۳- رفقای شتا تر ۲۵۰۰
۳۴- رفقای موسیقی ۱۰۰۰
۳۵- رفیق هما فیر ۳۰۰
۳۶- سجاد ۳۰۰
۳۷- س - دبلیمه لاهیجان ۳۰۰
۳۸- سرباز ۱۰۰۰
۳۹- س ۱۰۰۰
۴۰- س ۷۱۰۰
۴۱- ش ۱۲۶۰۰
۴۲- شکاک ۱۰۰۰
۴۳- ع ۱۷۷۰۰
۴۴- ط ۱۵۱۰۰
۴۵- ع - ح ۲۰۰
۴۶- علی - م ۳۰۰
۴۷- ع ۱۰۰۰
۴۸- ع ورامین ۲۵۰۰
۴۹- ف - ت ۸۲۱۰
۵۰- ف ۳۰۰
۵۱- ف - دانش آموز ۳۴۰۰
۵۲- کارگر ۱۶۷۰۰
۵۳- کمک به سازمان ۵۰۰

کمکهای مالی مندرج در پیکار ۱۰۶

- دیپستان ولی الله نصر**
۱- م ۱۰۰۰
۲- م ۱۰۰۰
اصفهان:
۱- احمد ۵۰۰
۲- پرویز ۵۰۰
۳- ح ۵۰۰
۴- سیدجواد ۵۰۰
۵- شهلا و جمی ازرفقا ۲۰۰۰
۶- مفر ۲۵۰
۷- کریم - کارگر ۱۰۰۰
۸- محمود ۵۰۰
۹- مهدی ۲۵۰
۱۰- هسه تلاش ۲۵۰
اهواز:
۱- الف.د. کارمند ۵۰۰
۲- الف.ب.ک ۳۰۰
۳- تکمیل ۱۳۰
۴- پ. سربازوظیفه ۶۲۰
۵- کارگر ۵۳۰
۶- دبلیمه وظیفه ۲۴۰
۷- سرباز وظیفه ۵۰
۸- سرباز وظیفه ۵۰
۹- سرباز وظیفه ۲۰۰
۱۰- دبلیمه وظیفه ۲۰۰
خرم آباد:
۱- احمدی ۹۰۰
۲- ع ۹۰۰
۳- مجتبیان هوادار ۱۶۰۰
کرمانشاه:
۱- (توش تاش) ۲۰۰
۲- م معلم ۲۰۰
۳- هست "سی" ۲۵۰
مازندران:
۱- اکبربروخ ۱۰۰
۲- ر.دکتر ۱۰۰
۳- ش - م ۱۰۰
۴- الف ۵۰
مسجد سلیمان:
۱- هسه کارگری سن ۲۳۰
شهد:
۱- احمد ۵۰
۲- پ - ق ۴۵۰
۳- دلف ۳۰۰
۴- رضا ۵۰
۵- طبیه ۶۴۰
۶- ع ۲۰۰
۷- عبدالله ۱۲۰۰
۸- ۴۰۰
۹- کبری ۳۰
۱۰- محمود ۲۰
۱۱- ۵۰
۱۲- م - از محل فروش ۱۰۰
۱۳- دوجرخه ای ۹۹۰
۱۴- یوسف ۱۰۰
توشهر:
۱- ز - ی ۵۰
۲- الف ۱۰۰
۳- م ۱۰۰
۴- ر ۵۰
۵- الف ۱۰۰
۶- ه ۱۰۰
۷- ل ۵۰
۸- و - ی ۱۰۰
نور:
۱- ج ۱۰۰
۲- ۲۰۰
هدایا و کمکهای جنسی
مربوط به فراخوان:
آغا جری:
۱- ب ۱۰۰
۲- گ ۲۰
تهران:
۱- آنا، دویکه نیمهار ۲۰۰
۲- ش ۲۱ انگشت ۶۰۰
۳- محمود ک ۱۲۷۰
۴- واحد مودن ساعت سیکو ۴۰

۵- اصغر آقا، م. ل. تیرتیرین
عزت ای. د. ج. انگشت
همراه ما مدو طرح پرشور
برای سازمان
۷- واحد شهید مودن (۱)
گردند.

کمکهای مربوط به فراخوان این هفته

- اصفهان:**
۱- حوزه خوب آهن ۵۰۰
۲- ر ۸۷۰
۳- قاسم ۵۰۰
۴- م - ز ۵۰۰
۵- م - ز ۱۰۰
۶- ن ۱۰۰
تهران:
۱- آ ۸۲۲
۲- آ ۱۰۰
۳- آ ۱۵۱
۴- آ ۸۲۲
۵- سیاد رفیق شهید ۶۰۰
۶- ایرج تراسی ۶۲۳
۷- ب ۸۰۰
۸- ۱۰۰
۹- ب ۵۲۲
۱۰- تبلیغات مرکزی ۱۰۰
۱۱- ت - ی ۵۸۰
۱۲- ت - ی ۶۱۰
۱۳- جمع بانگها ۲۳۵۰
۱۴- جمع ۲۶۲۰
۱۵- جمع ناسیوال ۲۱۰۰
۱۶- ج ۵۱۳۸
۱۷- ح و همسر ۶۰۰
۱۸- ح ۷۵۰
۱۹- ح ۱۲۲۰
۲۰- ح ۸۲۳
۲۱- ح ۴۰۰
۲۲- دبیرستان محبیه ۴۰۰
۲۳- د ۸۲۲
۲۴- ر ۲۰۰
۲۵- ر - ی ۳۰۰
۲۶- م ۴۰۰
۲۷- ز ۹۷۰
۲۸- س ۲۲۰
۲۹- ش ۱۲۲۰
۳۰- ع - م ۲۱۰
۳۱- ع ۲۲۰
۳۲- م - م ۲۲۰
۳۳- ع ۷۵۰
۳۴- ع ۱۱۷۰
۳۵- ع ۱۲۲۰
۳۶- ع ۱۲۲۰
۳۷- ع ۱۳۷۰
۳۸- ع ۱۶۰۰
۳۹- گارگتنان مبارز ۳۱۲۰
۴۰- کارگران هسه یک ۳۰
۴۱- همراه ما به تورا نکیز ۳۰
۴۲- کارمندان ۷۰۰
۴۳- ک ۴۰۰
۴۴- م - با زکریستان ۲۵۰
۴۵- م ۲۰۰
۴۶- م - ر ۲۰۰
۴۷- مرداد ۶۱۰
۴۸- م - ع ۶۱۰
۴۹- م - مجتبی ۱۵۰
۵۰- م ۲۵۰
۵۱- م ۵۰
۵۲- م ۲۴۲
۵۳- ن ۲۱۷
۵۴- واحد رفیق شهید ۱۰۰
۵۵- واحد مودن ۱۰۰
۵۶- واحد رفیق شهید ۳۰۰
۵۷- مینا زمعمدی ۲۰۰
۵۸- م - و ۴۰۰
۵۹- هسه دا رویخ ش ۵۴
۶۰- هسه رفیق شهید ۵۴
۶۱- علوی توشتری ۱۰۵
۶۲- هسه ه ۱۰۰
۶۳- همسر رفیق به همراه ۵۸
۶۴- نا مه پرشور ۱۰
۶۵- هواداران از زمحل ۳۰۰
اهواز:
۱- الف ۲۳۰
۲- بدون کد ۵۰
۳- ب ۱۰۰
۴- ب ۳۵۰
۵- الف ۹۰۰
۶- الف - ه ۱۰۰
۷- الف ۲۳۰
۸- الف ۲۳۰
۹- الف ۱۰۰
۱۰- الف ۲۳۰
۱۱- الف ۲۳۰
۱۲- بدون کد ۵۰
۱۳- ب ۱۰۰
۱۴- ب ۳۵۰
۱۵- الف ۹۰۰
۱۶- الف ۲۳۰
۱۷- رفقای هوادار ۲۱۰
۱۸- رفقای هوادار ۳۶۰
۱۹- رفیق تهران سی ۱۰۰
۲۰- آ - م ۱۰۰
۲۱- الف ۱۲۰
۲۲- س ۲۱۰
۲۳- س ۲۱۰
۲۴- ع ۲۱۰
۲۵- ع ۲۱۰
۲۶- ع ۲۱۰
۲۷- ع ۲۱۰
۲۸- ف - ب - د ۳۰
۲۹- ف ۶۰
۳۰- ف ۳۱۰
۳۱- الف ۳۰
۳۲- الف ۳۰
۳۳- ج ۳۰
۳۴- ج ۳۰
۳۵- جنس ۱۵
۳۶- م - اخراجی ۹۰
۳۷- ع ۷۰
۳۸- م ۱۰
۳۹- م - ح ۵۰
۴۰- م ۵۰
۴۱- م ۵۰
۴۲- م ۷۰
۴۳- م ۷۰
۴۴- م ۸۰
۴۵- م ۱۵۵
۴۶- م ۵۵۵
۴۷- م ۸۰
۴۸- م - د - خانواده ۳۰
۴۹- م - ر ۵۰
۵۰- م - ف - معلم ۵۰
۵۱- م - کارمند ۱۰۰
۵۲- م - جگزه ۱۰۰
۵۳- م - ه - دانش آموز ۵۰
۵۴- ن ۳۱۰
۵۵- وای ۱۰
۵۶- هسه محلی ۱۰
دزفول و توشتر:
۱- آ ۱۶۰
۲- آ ۳۰
۳- ز ۱۰
۴- هسه بازان احمد ۱۱۰
۵- هواداران دزفول ۴۰

حمایت از زندانیان زن

حسب اعلام خانواده‌های زندانیان سیاسی زن که فتوکپی آن پیوست است، بدنبال اتمام غذا، فروردین ماه گذشته زندانیان سیاسی زن تعدادی از بسا داران در تار و پود زندانیان سیاسی زن ۶۰/۲/۱۲ به بند زنان وارد شده و پس از ضرب و شتم اعتراضی با سر زندانیان از بند بنده نقطه نامعلومی بوده اند که دو نفر از آن را پس از چند روز مراجعت داده اند ولی تا پنجشنبه ۶۰/۲/۲۴ (آخرین روز ملاقات) از سرنوشت دو نفر دیگر اطلاعی در دست نبوده و تا این تاریخ نیز اطلاعی بقیه در صفحه ۲۲

گزارشهای مربوط به مبارزه زندانیان سیاسی زن در راه تامین خواسته‌های بحق خود و اقدام آنان به اتمام غذا و نیز مقاومت قهرمانانه آنان در برابر فشارها، بند رفتن و ضرب و شتم که بوسیله بسا داران علیه این فرزندان دلاور زحمتکش اعمال می‌شود را از چند هفته پیش در پیکار آورده ایم. در زیر بنا به جمعیت حقوقدانان ایران (کمیته فرعی دفاع و حمایت از حقوق زندانیان سیاسی) خطاب به "ادستان کل کشور" که در تاریخ ۳۰ اردیبهشت در رابطه با همین موضوع ارسال شده نظر تان می‌گذرد:

جناب آقای دادستان کل کشور

بقیه از صفحه ۱۴ روز نویسیم

حال موضوع درمی با بیم‌گرایان رویزونیستی در عرصه فلسفه اشکاس منافع بورژوازی بشمار می‌آید. با وه‌های ارتجاعی طبری که تحت عنوان ما رکیسم خودنما می‌نماید جز با آید آلیسم بسزک شده و طرز دیده و جز بویستیسیسم منط، چیز دیگری نیست. بقول لنین، رویزونیستیها "در دشمنی با ما تریا لیسمدیا لکتیک متحد شده اند و در عین حال دعوی دارند که در فلسفه، ما رکیسم می‌باشند. لبرمان میگوید که دیا لکتیک انگلیسی "عرفانی" است، با زارف در ضمن ما نند چیز که خود بخود مسلم باشد میگوید که نظریات انگلیسی "کهنه شده" این آقایان جنگا و ردلیبرگوشی ما تریا لیسمدیا، با انکاء غرور آ میزبه "نشوری جدید معرفت"، به "نازه ترین فلسفه" (یا "نازه ترین فلسفه بویستیسیسم")، به "فلسفه‌های جدید طبیعی" و یا حتی به "فلسفه طبیعی قرن بیستم" رد میکنند. (ما تریا لیسمدیا بویستیسیسم) طبری نیز که دشمن ما رکیسم لنینیسم است، کینه-توزا نه دیا لکتیک را "کهنه شده" میداند و اعلام میکند: "ما رکیسم یک فلسفه خاصی، یک سیستم فلسفی خاصی ایجاد کرده و با سیستم سازی مخالف است."

ما رکیسم در فلسفه انقلاب کرد و به عالی ترین وجه آید آلیسم را محکوم کرده و ما هیت ارتجاعی آن را بر ملا ساخت، دیا لکتیک آید آلیستی هگل را به دیا لکتیک ما تریا لیسمدیا تبدیل ساخت و ما تریا لیسمدیا نیکو را نفی دیا لکتیک نمود. فلسفه ما رکیسم، ما تریا لیسمدیا لکتیک است و این تنها فلسفه علمی است که در طول تاریخ بوجود آمده است. این فلسفه تنها ا صلحه انقلابی در دست پرولتاریا برای دگرگون نمودن جهان کهنه است. این فلسفه را بطه تنگ تنگی با علم داده و بر حرات اعلام میکند که در خدمت تنها طبقه تا به آ خرا انقلابی، یعنی پرولتاریا است. فلسفه ما تریا لیسمدیا لکتیک، جهان بیینی طبقه کارگران و پرواضح است که نگارش پرولتاریا در عرصه اقتصاد، سیاسی و اجتماع، جدا از این جهان بیینی نمی باشد. این فلسفه دقیقاً فلسفه

خاصی است که نتیجه مبارزه طبقه‌ای پرولتاریا و منکی بر آخرین پیشرفتهای علوم و دانش بشری است. ما رکیسم میگوید: "متدبیا لکتیکی من نه تنها در اساس خود با متد هگل تفاوت دارد، بلکه مستقیماً متضاد آن می‌باشد." (متمجد اول چا دوم آلمانی کتاب "سرما به" اولننن میا فزاید: "ما رکیسم در ضمن اینکه ما تریا لیسمدیا فلسفی را عمیق تروکا مل تر ساخت، آن را به سرانجام خود رساند و معرفت آن را به طبیعت بر معرفت به جا مع بشری بسط و توسعه داد. ما تریا لیسمدیا تاریخی ما رکیسم بزرگترین پیروزی فکر علمی گردید. (سه متسبع و جزء ما رکیسم)

آری، فلسفه ما رکیسم، فلسفه ای نوین و علم مبارزه طبقه‌ای پرولتاریا است. اما طبری که بشما به نما بنده مرتجع بورژوازی در بی تحقیر ما رکیسم لنینیسم است و برای انقیاب دپولتاریا با ما تریا لیسمدیا لکتیک خصومت میورزد میگوید "ما رکیسم یک فلسفه خاص نیست، بلکه فلسفه کهنه ای بشما رمیا بد. این سخنان ارتجاعی از سرنا آگای نیست، این خزیلات ضد انقلابی، معتقدات رویزونیستیها می است که نوکس بورژوازی بوده و جز خیانت مستمر نسبت به پرولتاریا و وظیفه دیگری ندارند.

بورژوازی و نوکوران رنگارنگش "بحث آزاد" تشکیل دادند تا ضدت خود را نسبت به ما رکیسم لنینیسم به نمایش بگذارند. طبری و نگهدار این بردتان خیانتکاران در این نمایش بورژوازی به دفاع از متا فیرسیم، با آ لیسمدیا بورژوازی بردا ختنند و پرولتاریا را به راه خود دعوت کردند اما پرولتاریا بگور همه این مرتجعین را کنده است و ما رکیسم لنینیسم، این بچرم ظفر نمون طبقه کارگر، را هیر پرولتاریا بسوی آینه پسر شگوه است. پرولتاریا متا فیرسیم و با آ لیسمدیا ارتجاعی را برای نوکوران سرما به واگذاشته است، لیکن خود ا تکاء به ما تریا لیسمدیا دیا لکتیک، این تنها فلسفه علمی، بسسوی سوسال لیسمدیا و کمونیسم می شناید و در این راه بورژوازی و تمامی نوکوران سرمایه را نابود خواهد ساخت.

"با این"

۹۰۰۰	م - ۵	را مهریز:
۵۰۰	ع - ۱	۱- بیگا رخ
۵۰۰۰	ی - ۷	۲- دکهدار
		۳- دیلم بیگار ع
		۴- د
		۵- رفقای جنگنده
		۶- رفیق جنگنده آبادانی
		۷- رفیق جنگنده دختر
		۸- رفیق جنگنده
		۹- رفیق دختر دانش
		آموز
		۱۰- رما درط - بانامه
		۱۱- ستاره
		۱۲- ش
		۱۳- کارمند متقی
		۱۴- دیلمه وظیفه
		۱۵- معلم هوادار
		۱۶- معلم هوادار
		۱۷- معلمین هوادار

۵۰۰۰	م - ۵	سریندر:
۲۵۰۰	د - ۲	۱- خ
۵۵۲۰۰	ن - ۳	۲- رفقای آواره
		۳- س
		۴- ش
		۵- عادل
		۶- ق
		۷- آواره

۸۰۰۰	م - ۵	ما شهیر:
		۱- الف
		۲- ایران زاین
		۳- پ - رفیق زندانی
		۴- حاتم
		۵- ن - کارمند آواره

۳۰۰۰	م - ۵	شمال:
		۱- ج - ن
		۲- ع
		۳- غ
		۴- قاسم

رفقا سلام!
امیدواریم سلام گرم ما را بپذیرید و همیشه با کار و کوشش در راه آزمان طبقه کارگر و زحمتکش با دست آورد های زیبا دستگی خودتان را از زمین بدر کنید ما کارگران هسته پونک این جشن کارگری را به شما و تمام کارگران سرا سرچینان تبریک میگویم رفقا چون در پیکار ۱۰۱ خوانندیم که با زمان برای بالا بردن تیرا زینیکار احتیاج به کمک داریم ما این مبلغ را از قسطه پس اندازی که داشته ایم برایتان ارسال داریم. ما شتم مبلغ ذکر شده چهار هزار تومان موفق باشید کارگران هسته پونک

تظاهرات دانش آموزان انقلابی به پشتیبانی از کارگران شهید

بندبال حمله پاسداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به اجتماع کارگران بیگارستدج در تاریخ ۶۰/۲/۵ و شها دت ۳ تن از کارگران و زخمی شدن تعدادی دیگر از آنان، دانش آموزان مدرسه "حاجی آباد" که اکثر فرزندان زحمتکشان میباشند، خشمگین از این جنایت رژیم، دست به تظاهرات باشکوهی در میزد و تمام نقاط مدرسه را از شعار بر میبافید. دانش آموزان زحمتکش در پاسخ این حرکت ضد خلقی و تحت تاثیر دلاوریهای پیشمرگه های قهرمانان انقلابی به یکدیگر می گفتند که:
"اگر پدر و ما در میان حریان شهید شد، با شد، ما به شمرگه می شویم و می رویم به کسوه."
حرکت این دانش آموزان انقلابی بار دیگر پیوند جدائی ناشی از پذیرش جناح انقلابی دانش آموزی را با جنبش کارگری نشان میدهد.

لبنان: مصاف انقلاب و ضد انقلاب در اوج

چند هفته است که اخبار جنگ ۶ ساله داخلی لبنان، بصورت اولین خبرنگار خیرگزاریهها در آمده است. سرنوشت لبنان در محافل بین المللی مطرح شده و عبارات دیگر حق تعیین سرنوشت خلق در لبنان در معرض تهدید است. جنگ بین توده های زحمتکش و انقلابی فلسطینی و لبنانی از یکسو و نیروهای دست راستی فالانژ از طرف اسرائیل و آمریکا حمایت میشوند از سوی دیگر، با شدتی کم با بقه ادامه دارد. سوریه و اسرائیل در آستانه جنگ قرار گرفته اند و صف آرایی آمریکا و شوروی، هر یک برای حفظ مناطق تحت نفوذ خود، در دریا می تدبیرانه و وضع تازه ای فته است. امپریالیسم جنایتکار آمریکا نما بنده خود "فیلیپ حبیب" را به خاور میانه فرستاده است تا با اجرای توطئه ای جدید و به کمک ارتجاع عرب، اسرائیل و سیاست کمپ. دیویدی سادات را نجات دهد و "سربریده" انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان را پیش شرط تسلیم خلقهای عرب در برابر امپریالیسم و صهیونیسم گردد. این است خوابی که آمریکا و اسرائیل و ارتجاع عرب برای لبنان می بینند و آنرا به "حما خون" تبدیل کرده اند.

سیر وقایع را در چند هفته اخیر ما مرور کنیم:
از اوایل خرفوردین، جبهه متشکل از نیروهای دست راستی در پیشاپیش آنها حزب فالانژیست یک سلسله حملات سراسری را علیه "نیروهای باز دارنده عرب" (که اکثریت قریب با تفاق آنها را بر زبان سوری تشکیل میدهند) آغاز کردند. اسرائیل با بمباران مناطق مسکونی جنوب لبنان که در آن زمان تا نزدیکیهای بیروت امتداد می یافت، مقدمات حمله را تدارک دید و فالانژیستها آتش توپخانه خود را روی شهر زحل و نیروهای سوری حول وحوش آن متمرکز نمودند. مقصود از حمله حساب شده اسرائیل و فالانژیستها خنثی کردن توافق بود که بین رژیمهای سوریه و لبنان برای ورود ارتش لبنان به جنوب صورت گرفته بود، استقرار ارتش با صلاح قانونی لبنان در این مناطق، راه را بر "جنایات وحشیانه" در روسته سرگرد سعدا دو گشت و گذار "هر روزه نیروهای اسرائیلی در لبنان ظاهر می بست، این است که اسرائیل پیشدستی کرده تهدید نمود که اگر ارتش به این مناطق وارد شود اسرائیل حتی با نیروهای کلاه آبی سازمان ملل متحد و اردن جنگ خواهد شد و عملاً هم با حملات هوایی، دریایی و زمینی به جنوب لبنان و حتی نیروهای ملل متحد، چندین تپه را به اشغال خود در آورد.



با وجود آنکه ارتش لبنان اساساً وابسته به فالانژیستهاست (حدود ۹۰ درصد)، ولی چون تمرکز ارتش در جنوب با موافقت سوریه و دولت با صلاح قانونی لبنان صورت میگرفت، تا حدودی میتوانست مانع از پیشرفت هر چه بیشتر "سعدا دو" و ایجاد صلاح "دولت آزاد" او در مرزهای اسرائیل گردد، امری که برای ایجاد یک اسرائیل دیگر در لبنان قدم لازم محسوب میشود.

علت حملات جدید فالانژیستها را در تلاش برای خنثی کردن توافق سوریه و رژیم لبنان و هماهنگی فالانژها با طرحهای اسرائیل و آمریکا با جد جستجو کرد. توضیح اینک:
توطئه "صلح" کمپ دیوید که بین سوریه و اسرائیل و وابسته مصر به بری سادات از یک طرف و اسرائیل از طرف دیگر بر نظر و رهبری کاژرت در سه سال پیش صورت گرفت، دچار بن بست است. این سازش خائنانه چنان رسواست که حتی رژیمهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم عربی کمتر جرات کرده اند اقدامات رانائید کنند. از سوی دیگر شش سال جنگ فرساینده داخلی در لبنان، نتوانسته است توده های آگاه و مسلح لبنان و انقلاب فلسطین را از پا در آورد. و به تسلیم در برابر آمریکا بکشاند. این است که برای خروج از بن بست، آمریکا بر دو خط حرکت میکند:

۱- کشاندن رژیمهای عربی دیگر به خط سادات. هم اکنون سودان، نیمی و اردن ملک حسین اما ده پیوستن و تائید سادات میشوند، ولی سرکشی رئیس جمهوری لبنان، در برابر موج آگاهی و مبارزه توده های این کشور، عاجز تر از آن است که به این اردوگاه بپیوندد. این است که بتکار عمل بدست فالانژیستها داده میشود تا با وارد کردن ضربه های هر چه بیشتر بر پیکر مقاومت فلسطین و نیروهای ملی لبنان و جدا کردن سوریه از مقاومت، لبنان را عملاً بصورت پشت جبهه امنی برای اسرائیل در آید.

۲- درهم شکستن و نابود کردن انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان و کموتاکردن دست سوریه از "همکاری مرحله ای" با آنها و با آخرین تضعیف و گوشمالی دادن به سوریه و مجبور کردن آن به پیوستن کامل به جبهه خائنانه کمپ دیوید. طرح فالانژیستها این بود که با شروع حمله از زحل، مناطق تحت نفوذ خود را به مناطق تحت سلطه سعدا دو از آنجا به سرزمینهای تحت

اشغال اسرائیل پیوند دهند. و در پیشرویه های شبکه و ارخود که با کمک اسرائیل و سعدا در صورت میگردد، نیروهای بازدارنده عرب (متشکل از حدود ۲۲ هزار سرباز سوری و ۱۰۰۰۰ را طی حملاتی کاژرتی در محاصره خود قرار دهند. فالانژیستها این نکته را نیز دور نداشتند که سوریه بر خسی مناطق مسیحی بیطرف را نیز مجبور به حمایت از خود کنند.

حملات فالانژیستها در داخل بیروت نیز روی این نکته، متمرکز بود که با تشدید هر چه بیشتر درگیری بین منطقه شرقی و غربی و اعمال فشار بر "ارتش آزاد" دببخ فلسطین "که بعنوان یک نیروی نظامی جزء نیروهای بازدارنده عرب فعالیت میکنند، فلسطینی ها را عامل درگیری معرفی نماید. بطور خلاصه قصد تمرکز حمله فالانژیستها روی سوریه و فلسطینی ها، کشاندن آمریکا و شوروی به این قضیه بود که برای اخراج نیروهای سوری از لبنان اقدام کنند تا با دست باز بتوانند در جهت نابودی مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان فعالیت نمایند. بدنبال شروع این حملات و پاسخ سختی که سوریه به فالانژیستها میدهد و با تمام قوا آنها را میکوبد، "هیگ" نما بنده امپریالیسم آمریکا به منطقه میاید و علیرغم سقر به کشورهای کوه بنوعی میتوانند در راه نجات منافع امپریالیستها و صهیونیستها کوشش کنند، راه به جایی نمیرسد و طرح جنایتکارانه و ضد انقلابی فالانژیستها درگیری مشکلات جدی باقی میماند.

موضع سوریه

رژیم بورژوازی دولتی حاکم بر سوریه هر چند در آغاز جنگ داخلی لبنان (در سال ۱۹۷۶) از ترس پیروزی انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بر فالانژیستها، و تحت تاثیر تهدید اسرائیل به دخالت نظامی در لبنان، بر علیه انقلاب فلسطین و نیروهای ملی لبنان وارد جنگ شد و فحاشی فراوان شدنی نظیر تحکیم موقعیت نظامی و سیاسی فالانژیستها و نیز سقوت تل الزعترو... را فراهم آورد ولی هم اکنون که متحدان سابقش چنان قدرت یافته اند که با کمک اسرائیل، لبنان را در سراشیب تجزیه قرار داده اند، شدیداً احساس خطر میکند. رژیم ارتجاعی حافظ اسد در برابر بیورش جدید فالانژیستها عکس العملی حاد از خود نشان داد، تعهدات و روابط نظامی دوستانه اش با "حکومت قانونی لبنان" را زیر پا نهاد و فالانژیستها را در شهر زحل (نزدیک مرز سوریه) با خشونت تمام کوبید. ساداتین دوست قریب رخلق فلسطین از پشتیبانی شوروی نیز در این میان برخوردار بود، زیرا سوسال امپریالیسم شوروی پس از اخراج مستشارانش از مصر، راه دیگری برای تامین منافع حیاتی خود در خاور میانه جز حمایت از سوریه (بعنوان یک پایگاه نفوذ) و درک خطراتی که رژیم اسد را تهدید میکرد نداشت

بقیه از صفحه ۲۰ **حمایت**

به این جمعیت واصل نشده است .
حسب اعلام آقای کاظم حقیقت بدریکسی از زندانیان سیاسی در تاریخ ۶۰/۲/۳ نیویورک با سازمان گروه ضربت اوپن با هجوم پیدا خل بند ۳، پس از ضرب و شتم زندانیان سیاسی که موجب زخمی شدن تعدادی از آنان گردیده ۶۰ سال ۷ نفر را به سلولهای انفرادی ۲۰۹ و غیره منتقل نموده اند، بعلاوه صرفنظر از قطع ملاقات برخی از زندانیان از خروج زندانیان سیاسی از بند ما نعت بعمل آورده، هوا خوری و ورزش روزانه آنان را قطع کرده، تلویزیونهای شخصی آنان را از بند خارج نموده و غذا ردن روزنامه در اختیار آنان خودداری نموده اند .

بموجب شکوایه واصله از خانواده های زندانیان سیاسی به این جمعیت، زندانیان زن خواهان :
- جدا نمودن آنان از زنان بدکاره و سواکلیها و عمل رژیم منحط سابق
- رسیدگی به وضع زندانیان بلاتکلیف
- رسیدگی بوضع بهداشت زندانیان
- داشتن ملاقات حضوری

- قطع شکنجه و آزار زندانیان سیاسی و روشن نمودن وضع و محل اقامت و دفتر رژیم بند های خود میباشند.
جمعیت حقوقدانان با تاکید مجدد بر لزوم اجرای اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ضرورت رعایت حقوق زندانیان سیاسی از جناح بعالی میخواهد ترتیبی اتخاذ فرماید تا ضمن تامین حقوق و خواستهای بق زندانیان سیاسی مرتکبین اینگونه اعمال تحت تعقیب قانونی قرار گیرند، گمبته فرعی دفاع و حمایت از حقوق زندانیان سیاسی

دنبال خواهد شد تشکیل کنفرانس روزی خا رجه عرب در تونس ویا کنفرانس های دیگر نظیر آن تفسیر قابل ملاحظه ای در تراز ن نیرو - ها نخواهد داد .

با بداری انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان در برابر توطئه های خدا انقلاب، میتوانند از تجربه لبنان و افتادن آن بدست صهیونیستها و بسن - المللی کردن سرنوشت آن، ما نعت کنند و علاوه بر آن احتمال دارد که با توجه به مشکلات، دیگری - ها و ما زشهای که در سطح منطقه و جهان وجود دارد، شرایط را به سمت ایجاد "دولتی فلسطینی" برانند، اما ملطمان این "دولت" که محصول سازش است بهیچوجه نمیتواند مانع خلق فلسطین را تا مین نماید. خواست عمیق توده های فلسطین نا بودی دولت صهیونیستی اسرائیل و استقرار دولست دیمکراتیک خلق فلسطین است. در راه تحقق این هدف، خلق فلسطین در کنار سایر خلقهای عرب منطقه راه درازی را در پیش دارد. ملطما پیروزی آینده به انکاء رژیمهای ارتجاعی و فریبکار ما نندست سوره بدست نخواهد آمد، این پیروزی در مرز - بندی با سازشکاران و روبرو سونیستها و در مبارزه سازشنا پذیرها امیریا لیستیهای رنگارنگ، صهیونیسم و ارتجاع منطقه حاصل خواهد شد .

مشروط بر آنکه آنها اسرائیل را محکوم کنند، سعدها در ان نیز محکوم نمابند و ارتش را برپا به شرکت و نفوذ کلمه نیروها و از کلمه مناسطق لبنان دوباره با زما زی کنند. جنبش ملی می - کوشدا و فاع نظا می خود را بهبود بخشیده، خطر نا بودی کامل را که هم اکنون در نتیجه تهدیدات اسرائیل و اقدامات فالانژیستها با لبسان می بیند، از خود دور سازد .

۳- تلاش برای نجات معاهده صلح کمپ دیوید از بسبب گنونی همچنان در دستور کار قرار دارد. آمریکا و مصر و اسرائیل و دیگر نیروهای ارتجاعی منطقه، روی فعالیتهای فالانژیستها زیبا حساب میکنند. هدف آنها عبارت است از: نا بودی مقابله فلسطین، تجربه لبنان (که خود بمعنی سپردن همه با قسمت اعظم کشور بدست صهیونیستها و متحدان آنها است .) ، برهم زدن اتحاد گنونی بین فلسطین، جنبش ملی لبنان از یک طرف و سوریه از طرف دیگر، و در نتیجه محصور کردن سوریه به بیوستن به گردونه صلح

کمپ دیوید، این نکته را با بداهه کنیم که در بر توارایش گنونی نیروهای محلی و بسن - المللی احتمال جنگی قریب الوقوع بسبب اسرائیل و سوریه وجود ندارد. بسبب کمپ - دیوید همچنان باقی است و یکبار دیگر طرچه های امیریا لیستی آمریکا و حملات اسرائیل و فالانژیستها نتوانسته است ما له را بنفع آن حل نماید. تلاش برای نجات "صلح سادات - بگین" و نقطه پایان گذاردن بر انقلاب و ما له فلسطین، همچنان در راه برنا مه های خاور میانه - ای آمریکا قرار دارد. کشتن اردن بسه گردونه کمپ دیوید و تقویت نقش سعودی بصوص بس از نزدیکی هر چه بیشتر اردن به عراق و عراق به سعودی و تحکیم روابط بین سوادن و مصر (سادات روز ۴ خرداد در سوادن بود و در جشن سالگرد کودتای نمیری شرکت داشت) و تقویت صف دوستان و وابستگان آمریکا در دستور کار فرستاده ریگان قرار دارد، ولی مقابله ویت توده های فلسطینی و لبنانی همچون چوبی لای چرخ، گردونه توطئه های آمریکا و دست نشان نشان را از حرکت به پیش باز داشته است .

در آینده نیز:

اسرائیل با کمک سعدها دمزدور به حمله های مداوم به پایگاههای نیروهای مشترک فلسطینی و لبنانی اقدام خواهد داد، مناطق معکونی جنوب را خواهد کویید و زمختگان را آواره خواهد ساخت، تا خود با خیال راحت از یک طرف مواضع استراتژیک جنوب را اشغال نماید و از طرف دیگر حد اکثر تفرات را بین مردم لبنان و حضور فلسطینی - ها در لبنان دام ن بزند. فالانژیستها نیسز علیرغم برخی کوتاه آمدنهای سیاسی و طسرح "مقابله ملی" همچنان به عملیات نظا می خود، با شدت کمیا زیبا دادا می خواهند. ما له بسن المللی کردن لبنان که با "حق خلق لبنان در تعین سرنوشت خویش" تفا ددا رده همچنان مطرح است و از سوی امیریا لیستها و فالانژیستها

موشکهای ضد هوایی سوریه در دره بقیاع، که دامنه آن از شرق لبنان تا جنوب (مرزهای فلسطین اشغالی) امتداد می یابد مستقر گردید و پروازهای اکتشافی و تهدیدات روزمره اسرائیل علیه سوریه و پایگاههای فلسطینی و جنبش ملی لبنان را تا حدود زیادی خنثی کرد. هم اکنون که فرستاده دیگر "ریگان" فیلسطین حسیب بدر خاور میانه بسرمیبرد، یکی از مسائل مهم مورد مذاکره، انتقال همین پایگاههای موشکی سوریه از لبنان به داخل خاک سوریه است .
موضع نیروهای فلسطینی و جنبش ملی لبنان نیز در برابر برتجاه فالانژیستها و تهدیدات اسرائیل جزئیات و مقابله و مت هر چه بیشتر نیست . ما له برای آنان مساله مرگ و زندگی است . توان انقلابی در دوره اخیر چنان بالا گرفته است که علیرغم گذشت ۶ سال از جنگی فرساینده استقبال از بسیج عمومی کم با بقه بوده است .

امیریا لیست آمریکا و صهیونیستها ای اسرائیلی و فالانژیستها وقتی در برابر مقاومت سرخستان توده های فلسطینی و لبنانی و موضع "قاطع سوریه (در این مرحله)" قرار گرفتند و حمایت شوروی نیز به ما له یک بعد جانی بخشید، آنها چاره ای ندیدند جز آنکه برای "بین المللی کردن بحران لبنان" تلاش تازه ای را آغاز کنند. امیریا لیست فرانسوی به یکبارگی فالانژیستها آمد و "تعیین سرنوشت لبنان" در ملل متحدیا . . . مطرح گردید. این موضع فرانسوی با سخن مقابله و فلسطین و سوریه مواج گشت. ناگامی طرح فالانژیستها چه در زمینه داخلی و چه خارجی و شکستهای نظامی و سیاسی، هم اکنون آنها را در بسبب قرار داده است .

با سخن به این سوال که آینده لبنان چگونه خواهد بود، با توجه به پیچیدگی شدید اوضاع، بسا دشوار است، ولی در یک خط کلی و عام میتوان روی این نکات تاکید ورزید:

۱- با سقوط کامل رژیم وابسته به امیریا - لیست ایاس سرکس به دام فالانژیستها، توهمی که برای برخی از مردم و نیروهای لبنانی همچنان وجود داشت که "بهر حال این رژیم شاید با توجه به آرایش نیروها در منطقه، بتواند نسبتا مابیت ارضی، دیمکراسی (بورژوازی) و عرب بودن لبنان را در برابر اسرائیل حفظ کند" (۱) بسبب از پیش فروریخت .

۲- جنبش ملی لبنان علیرغم انحراستات متعدد خود و در راستاها حاکمیت جریان روبریو - نیستی، و با نومیادی از سازشکارهای گذشته، میکوشد "جبهه گسترده میهنی" را که هدف از آن "تأمین ارضی لبنان، اعاده دیمکراسی (بورژوازی) و حفظ عرب بودن لبنان" است بسبب بوجود آورد و در اتحاد با مقابله و فلسطین و رژیم سوریه پای می فرسد. جبهه گسترده میهنی حاضر است حتی فالانژیستها را به درون خود بپذیرد

لایحه قصاص: (قسمت سوم) نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

درباره لایحه قصاص، تا کنون علاوه بر مسائل کلی، روی دو جنبه از جوانب ارتجاعی آن مکتب کرده ایم: اول - جرم بیک پدیده اجتماعی است و بر اساس شرایط و محدودیتهای جامعه طبقاتی صورت میگیرد و بنابراین نمیتوان کیفر آنرا بدست یک شخص (شاکلی) سپرد. کاری که لایحه قصاص میکند و در نتیجه با احیاء سنن عقب مانده قبیله‌گی و نهادهای ماقبل سرمایه داری، مساله خونخواهی و انتقام کشی های فردی را زنده میکند. و کیفر برپا به خواست و اراده فرد مسود جنبات و ورشها و را بطور قانونی رسمیت میدهد. ثانیا در لایحه قصاص، تبعیض های گوناگون بین افراد را معالفاست قانون بخود پوشتاده و افراد را معالفاست آنکه شتر و تنند با شند یا فقیر، زن یا شند یا مرد و مسلمان یا شند یا غیر مسلمان، احکام مختلفی نسبت به جرایمی که حیانت مرتکب میشوند تعلق میگیرد. مساله در شماره قبل تا کیفر دیدیم که در این لایحه قانونی جانب فرد شتر و تنند گرفته شده و جنبین فردی بلا تکیه به مال خویش، که مسلما از غارت دسترنج زحمتکشان تصاحب کرده، نه تنها در جامعه طبقاتی زمیندار ارتکاب جنایت برایش فراموش است، بلکه حتی میتواند خود را از کیفر نجات دهد و مثل لایحه متعددی در این باره دیدیم.

در رابطه با تبعیض فاحش و شرم آوری که از لحاظ حقوق انسانی بین زن و مرد قائل شده اند ما قبلا در مقاله ای تحت عنوان "زن در جمهوری اسلامی و سوسیالیسم، نگاهی به لایحه قصاص مندرج در شماره های ۱۰۲ و ۱۰۴ یکبار و نیز در دستاورد که کلیشه آنها را در حاشیه همین مقاله ملاحظه میکنید، مطلبی گفته ایم و نشان داده ایم که علیرغم سخنان آیت الله سی مینی برای اینکه: "نقش زنان در انقلاب بیشتر از مردان بود" (سخنرانی روز ۲/۳/۶۰) زنان تهران و ممالرزمیهی ما نه تنها بدلیل عدم موفقیت انقلاب، مثل مردان زحمتکش ما به آنها ای خویش دست نیا فتند، بلکه حتی از زنی هم که در سالها پیش با مبارزه خود بدست آورده بودند محروم گشتند و هم اکنون با آنها معا مله بیک "نیمه انسان" میشود. "انسان کامل" لایحه قصاص در واقع وارث و پیمانگسرتان فرهنگ عقب مانده و ابتدائی دوران تکامل جامعه بشری است که انگلس در کتاب منشاء، خوانواده (صفحه ۸۵) چنین از آن یاد میکند: "برافتادن حق مادری، شکست جهانی - تاریخی جنس مونث بود. مرد، فرما نروا شی خانه را نیز بدست آورد. زن تنزل مقام یافت، برده شد، بده شهوت مرد و ابزاری صرف برای تولید فرزند ان این موضع تنزل یافته زن... بتدریج بسزک شده و آراسته گشته و اندازهای در لغاف شکلهای ملامتتری پیچیده شد، اما هیچوجه از زمین نرفت."

مادر اینجا، مکتب بیشروری این تبعیض و قیاحتها را لازم نمی بینیم و به نکات دیگر میگردیم:

مجرم اگر مسلمان باشد یا غیر مسلمان، کیفرش فرق می کند!

سر ما به داران و دیگر نیروهای ضد خلقی، وقتی پای حرف بمیان می آید و میکوشند که در

با بدبیر سیداکوزن مسلمانی مرد غیر مسلمانی را بکشند یا برعکس زن غیر مسلمانی مرد مسلمانی را بکشند چه حکمی دارد و چرا لایحه در اینباره حرفی نمیزند؟
" ماده ۷ - هرگاه عا فرزند می (یعنی بیروان ادیان دیگر غیر از اسلام مثل مسیحی و یهودی و... که در کشور اسلامی زندگی میکنند) عمد اکافر ذمی دیگری را بکشد قصاص می شود.
(در اینجا لایحه نمیگوید که اگر فرزند مسلمانی بکشد عا فرزند می را بکشد یعنی اگر بکشد فرزند مسلمانی یکی از هموطنان از اقلیتهای مذهبی را بکشد چه حکمی دارد؟)
" ماده ۸ - هرگاه عا دو یا چند مرد مسلمانی مشترکا

● بر اساس رای فقها اگر مسلمان، کافر ذمی (مسیحی، یهودی، یا زرتشتی) یا غیر ذمی را بکشد محکوم به قصاص نیست. اگر مقتول، کافر ذمی بوده فقط باید خونبهای او را پرداخت (در مورد زن، نصف خونبها!) و اگر مقتول کافر غیر ذمی می مثلا کونیتست بوده حتی خونبها هم تعلق نمیگیرد! زیرا حساب کونیتها با اصطلاح "مرتدین" و یا با اصطلاح "منافقین" (!) از نظرنیروهای ضد خلقی حاکم کاملا روشن است!

مرد مسلمانی را بکشند...
(قانون روشن نمیکند که اگر آنها مشترکا بک غیر مسلمانی را بکشند چطور با بک غیر مسلمانی را بکشند؟)
لایحه قصاص عمد اکافر را به سوالاتی که در باره ۴ ماده مطرح کردیم ساکت است، زیرا بنا به مصالح سیاسی فعلی رژیم، مناسب نیست که برده ها با لارود و آقا بان حرف آخرشان را که چیزی جز یک جنگ طبیبی و کشتار و نایبده گرفتن حقوق اولیه هموطنان و زحمتکشان غیر مسلمانی نیست بزنند، آقا بان قانونگذار، حکم در باره این موارد "بغیرا موشی سپرده شده" را تلویحا بعهده حکام شرع امثال خلخالی و فهمیم کرمانی گذاشته اند تا بر اساس فتوای گوناگون محتهدین از ده سال پیش به اینطرف، حکم صادر نمایند. اصل ۱۶۷ قانون اساسی خیرگان میگوید: قاضی موظف است کوش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیا بدو اگرنه بیا بدو استناد به منافع معتبرا سلامی با فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید..."

بر اساس رای فقها اگر مسلمان، کافر ذمی (مسیحی، یهودی، یا زرتشتی) یا غیر ذمی را بکشد محکوم به قصاص نیست. اگر مقتول، کافر ذمی بوده فقط باید خونبهای او را پرداخت (در مورد زن، نصف خونبها!) و اگر مقتول کافر غیر ذمی مثلا کونیتست بوده حتی خونبها هم تعلق نمیگیرد! زیرا حساب کونیتها با اصطلاح "مرتدین" و یا با اصطلاح "منافقین" (!) از نظرنیروهای ضد خلقی حاکم کاملا روشن است!
رژیم ارتجاعی حاکم خواب روزی را میبندد که بتواتر شمشیر تکفیر و ارتداد، دشمنانان طبقاتی و آشتی ناپذیر خودشان را تا بوند کدو لای این خیالی است باطل که رژیم - علیرغم همه توهمات موجود در سطح جامعه - آرزوی آنرا بسزک خواهد برد. جنبش او جگر برنده خلق و مبارزه طبقه

میدان نصیحت و اخلاق داد سخن بدهند و توده های زحمتکش را بغیر بینند، خیلی حرفهای زیبا از آزادی، برابری و برادری و دمکراسی و مساوات همگان از هر جنس و هر مذهب و هر نژاد در برابر قانون و در مقام انسانیت، از آنان میشنوی ولی زمانیکه پای عمل و با اصطلاح اجرای "قانون به میان آید آنوقت معلوم میشود که مصاف بین طبقات متخاصم، بسر بدین استئما رگنندگان و استئما رگنندگان هرگز متوقف نمیشود، تا زمانیکه جامعه طبقاتی را زایل کرده و بجای آن جا معای بدون طبقات و خالی از استئما رگ نشینند. بر اساس همین قانون مبارزه طبقاتی است که نیروهای ارتجاعی همواره قانون را همچون زنجیری بیای زحمتکشان و چون بوسی برگردن آنان میگذارند، تا حاکمیت و بهره کشی خود را جنبه قانونی دهند و با آنطور که مثلا در لایحه قصاص (و با لاتر از آن قانون اساسی خیرگان) میبینیم سوا استفاده از عقاب بدستنی و ذهنیت توده ها، به حاکمیت خود جنبه "الهی" بخشند.
لایحه قصاص بین مسلمان و غیر مسلمان از لحاظ کیفری فرق میگذارد، به این موارد توجه کنید:

" ماده ۵ - هرگاه مرد مسلمانی عمد آن مسلمان را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن با بدولی (زن ورشه مقتول) قبل از قصاص قاتل نصف دبه مرد را به او ببپردازد."
(ما قبلا به این ماده در رابطه با تبعیض بین زن و مرد و تعلق کردن زن بعنوان یک نیمه انسان، بحث کرده ایم در اینجا روی این نکته درنگ میکنیم که اگر "مرد مسلمانی یک زن غیر مسلمان را بکشد چه حکمی دارد و چرا لایحه در این باره ساکت است؟)

" ماده ۶ - هرگاه زن مسلمانی عمد آن مرد مسلمانی را بکشد، فقط محکوم به قصاص است و نیا بد چیزی به او ولایه دم ببپردازد."

است "از دواج با سیا هیوست، کرد و عرب چادر نشین و... رانا پسندداشته است (۱) شما از لایحه قصابی که از روی آن وامشمال آن "کیسه" شده چه توقعی دارید؟
۱۵۱ - دارد
(۱) - کتاب نکاح، سال ۸، صفحه ۶۲۴

در پایان به این نکته اشاره میکنیم که تبعیض‌ها بی‌آن نوع که بر شمریم، همان‌طور که بهشتی و امثالش میگویند مأخوذ از نظریات "مراجع بزرگ" است و وقتی در یکی از رساله‌های بسیار معتبر یعنی رساله "العروه الوثقی" که مجموعه فتوای مجتهد معروف محمدکاظم یزدی

کاگر قهرمان ایران و نقش انقلابی کمونیستها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، "دولت مستعجل" ارتجاع را بسپارند ترا آنچه پنداشته میشود، بر اساس ماهیت میرنده اش به افول قطعی و نهائی خواهد گشتند.

در جمهوری اسلامی، زن نصف آدم می‌ارزد!

است به‌خاطر نواده‌ها که کشته شده بپیردا زدوا زکشته شدن نجات یابد. اما اگر نواده‌ها زن کشته شده بخوانند تا تل را که یک مرد مسلمان است بکشند چون بیش از "طلبی" که دارند "چیزی" را وصول میکنند با بدنتی که قیمت مرد را به نواده‌ها تل بپیردا زند. ماده ششم لایحه مزبور موضوع را اینچنین تکمیل میکند:

"هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را بقتل رساند فقط مهرم به قصابی است و نباید اولیا دم بپیردا زد."
سران رژیم جمهوری اسلامی با گفتن عباراتی نظیر "دختران زینب" و "ناگردان فاطمه" و تعریفهای توخالی دیگر نظیر اینکه "ازدواج من زن است که مرده معراج می‌رود" (که با زهم بین مرد است که معراج می‌رود!) خواهند چهره‌گریه قوانین قرون وسطائی شان را پوشیده نگاه دارند و لسی فقط تصور کنید که بر اساس همین قانون اگر زن زحمتکش را شوهر مکتب‌پاش بکشد، خانواده زن با ایداز بچا زات او و فرزندانش خونیهای زن را که نصف یک آدم است به قاتل فرزندشان بپیردا زند تا بتوان او را مجازات کرد! فعلاً ما از اینکه "مردان قیام‌زنان هستند"، از آرث نا مساوی، از اینکه شوهر میتواند نذرش را کتک بزند، از اینکه شهادت دادن دوزن برابر یک مرد است سخن نمی‌گوئیم فقط به ذکر همان ماده لایحه قصابی اکتفا کرده‌ایم که می‌کنیم که این نگرش نسبت به جایگاه انسانی زن جدا از ماهیت ارتجاعی این رژیم نیست، زن فقط در جامعه سوسیالیستی و در جریان محو استثمار آزاد میشود.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۲/۱۳

سری ج. ت. ش ۲۴

سران رژیم جمهوری اسلامی درباره مقام زن حرفهای زیادی میزنند و ادعا میکنند که زن را گرامی میدارند! آنها بیکروز را بعنوان "روز زن" نامیدند تا با فریبکاری دیگری خود را مترقی و طرفدار حقوق پامال شده زن در طول تاریخ جا بزنند!

آنها در روز روشن و پیش چشم میلیونها زن و مرد زحمتکش و آگاه‌ها ادعا میکنند که زن در جمهوری اسلامی از حقوق برابر با مردان و حتی بالاتر (۱) برخوردار است!

ولی قوانین قرون وسطائی و بسیاری ارتجاعی شرم آور که در برابر زن و حقوق او تصویب و اجرا میکنند مشت‌آنان را بازمیکند.

در لایحه قصابی که از طرف شورای عالی قضائی یعنی از طرف بهشتی و قدوسی و شرکا، به مجلس شورای اسلامی داده شده در ماده پنجم چنین آمده است:

"ماده ۵ - هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصابی است لیکن باید دولتی قبل از قصابی قاتل نصف دیه مرد را بپردازد"

برخی تبعیض‌های ضد انقلابی که در همین یک ماده دیده میشود بشرح زیر است:
اولاً یک انسان بر اساس آنکه "مسلمان" باشد یا معتقد به آئین دیگر یا کمونیست و... با شوق و خیر می‌کند.

ثانیاً اگر مرد مسلمانی، یک مرد مسلمان را بکشد یا بدو اراکت زبیرا او بیک مرد را یعنی درست معادل ارزش انسانی خود را ازین برده است.

ثالثاً اگر مرد مسلمانی یک زن مسلمان را کشت، کشتن اولیای او نیست بلکه قاتل میتوانست خونیهای زن را که نصف قیمت یک آدم

بر طبق لایحه قصابی: آدم‌کشی در مکانهایی که فقط زنان حضور دارند، از مجازات معاف است!

اتفاق افتد قانون رژیم جمهوری اسلامی برای شهادت و گواهی زنان هر چند تا هم که باشد ارزشی قائل نیست و نمیتوان جرم را ثابت کرد! و جنایت - کار میتوانند از مجازات معاف گردد!

این است آن اعتبار روحیستی که سران رژیم جمهوری اسلامی بر اساس ماهیت بسیار ارتجاعی خود به زنان زحمتکش و آگاه و مبارز ما میدهند. رژیم جمهوری اسلامی زن را نه انسان بلکه یک نیمه انسان، یک کالا، یک ابزار تولید مثل و استثمار رجنی و در "بهترین" حالت یک موجود قابل ترجم و ضعیف تلقی میکند!

کارگران، زحمتکشان، زنان آگاه و مبارز!
با تمام قوا، این قوانین ظالمانه و آدمکش را فشاء و محکوم کنید و توده‌های ستمدیده و دچار رتوهرها هر چه بیشتر با ماهیت واقعی رژیم آشنا سازید.
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۲/۲۹

سری ج. ت. ش ۲۹

کارگران، زحمتکشان، زنان آگاه و مبارز!

اها نت به شخصیت زن در جمهوری اسلامی بعدی رسیده است که در دورانهای تاریک عهد باستان نیز نظیرش کمتر دیده میشد. آن جمله است محروم کردن زن از حق طلاق، حق قضاوت، محرومیت از آرث مساوی، او را نصف آدم تلقی کردن و مجازات کشتن زن را نصف کشتن مرد تلقی کردن (ماده ۵ لایحه قصابی) و بسیاری از محرومیت‌های دیگر که همگی محصول ستم‌مفای است که در جامعه طبقاتی بر زن روا داشته شده است. موارد متعددی برای این ستم دوگانه و ارتجاعی میتوان شمرد مادر اینجاق فقط به یکی از آنها اشاره میکنیم:

بر اساس ماده ۲۳
الف - قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود این ماده بدین معنی است که اگر در جایی دو مرد عادل وجود نداشته باشد هر چند زن هم که بر وقوع جنایتی شهادت دهند، با بده ندارد. فرض کنید در حرامی زنانه یا مدرسه دخترانه یا کارگاهی که همه کارکنان آن زن باشند اگر قتلی

نگاهی به زندگی اندوهبار زحمتکشان



■ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی ادعای کنند که، حکومت فعلی، حکومت "کوخ نشینان" است. آیا بهشتی ها، رستخانی ها، بنی صدرها با زرگانها، خلخالها و... در چنین جاها شای زندگی میکنند؟

■ تا سرمایه داری بر مبین ما خاکم است تا رژیم حافظ سرمایه داری وابسته بر زحمتکشان حکومت کند، زحمتکشان ما چون این پیرو سالخورده بیمار باید در برف و باران، باد و طوفان، گرما و... محروم از کوچکترین نیازهای اولیه زندگی در چنین خانه ها شای زندگی کنند.

■ برای تغییر چنین زندگیهای سوزناک برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و پیروزی سوسیالیسم به بیکار و تلاش خودبسیار فزاینده.

ملاحظات کوتاه

تفتیش عقاید در رشته گورکنی!

رژیم جمهوری اسلامی که منافع نیروهای ارتجاعی را نمایندگی میکند مثل دیوا ز نور میترسد و از آگاهی توده ها و نفوذ افکار کمونیستی، انقلابی و مترقی وحشت میکند. این است که جلوی همراه کوره را می کشد که نگاه کنی برچم تفتیش عقاید قرون وسطایی را بلند کرده است تا از نفوذ کمونیستها و مجاهدین جلوگیری کند تا فلان از آنکه افکار انقلابی مانند هوا و آب، چون مورد نیاز توده ها و مبارزه طبقاتی آنان است، بنا گزیر به قلب توده ها نفوذ خواهد کرد و با آنان درخواهد آمیخت. بهرحال "سویا پهای" تفتیش عقاید بد که بخصوص حزبها در کارخانه ها، مدارس و ادارات و هر جای دیگر نصب کرده اند کارآئسی چگونگی بدان موانع را در هم شکنند. در پیکار با رها نمونه های تفتیش عقاید افشاء شده و اینهم یک نمونه دیگر که آنرا رفیق دانش آموزی برای ما فرستاده است منجمله از او پرسیده اند:

- ۱- اگر خمیسی دستور دهنده است تا قطع کنید، قطع میکنید؟
- ۲- اگر یک روحانی دستور کاری دهد و بنی صدر آن را لغو نماید شما از کدام طرفداری میکنید؟
- ۳- دولت رجایی چه کارهای انجام داده است؟
- ۴- چرا ما به عراق حمله کردیم؟ (چون دروغ گو فراموشکار است، سوال کننده یادش رفته که تا حالا گفته اند عراق حمله کرده است)
- ۵- چه روزنامه های را مطالعه میکنید؟ (با سوگند!)

ضمناً ملاحظه نویس از دوستی شنیده است که از یک جوان داوطلب بکر رشته مهندسی (هواپیما یا کشتی سازی) پرسیده اند "کفن مرده چند تکه است؟" آیا بنظر شما رژیم رشته مهندسی میخواسته با زکند با رشته گورکنی؟! ★ ★ ★

سیاری از روابط ارتجاعی و سلطه گرانه عربان خواهند شد. رژیمهای ارتجاعی برای فریب توده ها، برای ادا مسئله استعمار و غارتگران خوشی برای حفظ و گسترش منافع سیستم جهانی امپریالیستی علیر غمناقی و تهای ظاهر در عملکردشان، از یک راه میروند و به همین جهت سر نوشت محتوم آنها نیز با هم دیگر گره خورده است و گورستان تاریخ در انتظار آنان است!

بر مبادی توطئه ها و نیرنگهای رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلقهای ایران! ★ ★ ★

بسمه تعالی
۱۳۰۲/۰۱/۲۰۲/۱۹۲

از معاونت ف لوج نزا جا در امور تعمیر و نگهداری دایره جنگ افزار به فهرست گیرندگان

موضوع - معوظات جنگ افزارها

بهروز سعید اصل شماره ۵۰/۲/۳۱/۱۳۰۲/۰۱/۲۰۲/۶۲

احتراماً مشاهده شده که روی بعضی از جنگ افزارها علامت و نشانه های از برخی از کشورها و سازندهای غیر ایرانی موجود است که از نظر سیاست خارجی به صلاح کشور جمهوری اسلامی ایران نباشد

خواهشمند است دستور فرمایید با استفاده از روش معترضه اصل به روزی بالا مشخصاً به معوظات و معاینات فنی جنگ افزارها رسماً اقدام لازم حاصل دارند

معاون ف لوج نزا جا در امور تعمیر و نگهداری سرهنگ ستاد رشتا

پرونده جهت اقدام بشرح فون به فهرست گیرندگان فرستاده میشود

رئیس دایره تعمیر جنگ افزار

۱۳۱۲/۰۲/۱

۵۰/۱/۱

گیرندگان محترم مانده

ف کوی فرابری (گروه های ۶۰۲ - ۶۰۷ - ۶۰۰ - ۶۱۰ - ۶۱۱)

آموزشگاه رانندگی - پاسوی - ف پشتانی آرکان - رده ۳ قسمت فرابری

فرارگاه - بخت مقدسی - پاسواری -

ف بخت فریادهای مرکز - جلفا - اندیشک - بند راهام خمینی

بقیه از صفحه ۳۲ دعوا...
سند ضمیمه بخشنامه ایست که در این مورد در تاریخ اول آذر ۵۹، یعنی گرمای گرم جنگ ارتجاعی بین دو رژیم ضد خلقی ایران و عراق صادر شده است.

رژیم جمهوری اسلامی شب و روز ادعای "استقلال"، "عدم وابستگی"، "خودکفایی ارتش" و... را در بوق های تبلیغاتی خود بدمدولی برای حفظ سرمایه داری وابسته، ادامه استعمار توده های زحمتکش و ادامه جنگ ارتجاعی سازمان برانداز از هر کشور امپریالیستی و ارتجاعی و آنهم همراه با بتاراج گذاشتن منابع هنگفت و از جمله با "بالا کشیده شدن" ۵۶ میلیون دلار اسلحه خریداری شده است. مافاش شدن منابع تبلیغاتی رژیم ادعای بوج آن را نقش بر آب ساخته و موجب آگاهی بیشتر توده های زحمتکش خواهد شد و سردمداران جمهوری اسلامی سخت از این مسئله اجتناب ناپذیر و وحشت دارند و لذا فرماندهان مزدور ارتش دستور داده اند که

"علائم و نشانه های (که) زهری کشورها و سازمانهای غیر ایرانی" بر روی اسلحه ها موجود است پاک شوند، چرا که فاش شدن نام این کشورها و سازمانهای غیر ایرانی "سیاری از زود بیند" های پشت پرده را برملا خواهد ساخت و واقعیت

سخنی بارفقا:

برای هرچه غنی تر شدن مضمون و محتوای افشاگریهای پیکار و هرچه توده‌ای تر شدن آنها از کلیه رفقا میخواهیم که با تیزبینی و هشیارگی کمونیستی کلیه حرکتیهای اجتماعی را دنبال کرده و در تهیه مطالب افشاگرانها ما را یاری رسانند. رفقا مطالب افشاگرانها را - با اطمینان به صحت و درستی کامل آن - تنظیم کرده و از طریق مسئولین خود برای تحریریه ارسال دارند.

رفقا دقت کامل کنند که مطالب کاملاً موشق باشند تا اشتباهات گذشته تکرار نگردند. "موفق باشید"

فرماندهان ارتش از مبارزات و یاری پرسنل آگاه به انقلابیون وحشت دارند!

نیروهای انقلابی و کمونیست ممانعت بعمل آورند! و.....

★ پرسنل مبارزان آگاه ارتش بیش از پیش به توده‌های زحمتکش می‌اندیشند و با پشتیبانی از نیروهای انقلابی و کمونیستی و نیز پیوستن به صفوف آنها به انقلاب یاری میرسانند. سندی زبیریا نگرو حشمتی است که فرماندهان مزدور ارتش رژیم جمهوری اسلامی از یاری سربازان و پرسنل آگاه و انقلابی به انقلابیون و مبارزان راه‌های خلقی ایران دارند.

اما نه تنبیه و مجازات، نه زندان و اخراج و نه تهدیدهای قلدرمنشانه فرماندهان مزدور هیچکدام نخواهد توانست در پیوند و سمتگیری کارها و سربازان جوان بسوی زحمتکشان نیروهای کمونیست و انقلابی خلل وارد آورد.

در حالیکه:

- رژیم جمهوری اسلامی با اعمال سرکوب و خفقان در ارتش، با تحمیل فرماندهان دست‌پرورده امپریالیسم آمریکا و با فتوای پشت سرهم آیت‌الله خمینی کوشش می‌نماید که نظام اطلاعات کورکورانه را در ارتش حاکم گردانده و ارتشیان و سربازان را به موجودات مطیع و "سربزیر" تبدیل نماید.
- کوچکترین حرکت انقلابی در ارتش با تعقیب، مجازات، زندان و اخراج پرسنل مبارز و انقلابی مواجه میشود.
- فرماندهان مزدور ارتش با بخشنامه بدنبال اطلاعاتیه و به کمک دستگاه‌های عریض و طویل تبلیغاتی کوشش می‌نمایند تا از فعالیت انقلابی سربازان و کارهای باطن ارتش جلوگیری کرده و از پیوند آنها با زحمتکشان و

حزب توده: همصد با شکنجه‌گران، علیه انقلابیون

در هفته گذشته، گزارش "هیئت بررسی شکنجه" منتشر شد و هم‌اکنون نظریه‌ها با رها از طرف کمونیستها و انقلابیون دیگر پیش بینی شده بود، "هیئت" مزبور منکر وجود شکنجه در زندانها شدن و جزا بین نیز از این مرتجعین انتظار نمی‌رفت. اما وجود شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی انکارناپذیر است و اینها بدنهای سوخته و له شده انقلابیون دموکرات و کمونیست گواهی میدهند و نمونه‌ها آنقدر زیادند که حتی لیبرالهای خائنین (البته برای بهره‌برداری سیاسی و در چارچوب جنگ قدرت بین دو جناح ارتجاعی رژیم و فریب توده‌ها) در مورد آن سخن بسیار گفتند.

اما رویزیونیستهای خائنین، این مدافعین پروپاقرص بورژوازی و دشمنان قسم‌خورده زحمتکشان و برهمنان سیاست همیشگی شان به مداحی و تعریف و تمجید از "هیئت بررسی شکنجه" پرداختند خائنین "توده‌ای" برای تاکید مجدد بروفا داری - شان به بورژوازی در "تحسین" از مرتجعین هیئت فوق‌الذکر نوشته اند که:

"از خلال تمام سطور این گزارش، روح صداقت و امانت می‌تراود و جزا بینهم‌نیا بدبیا شد!" (نامه مردم - ۳، ۵، ۱۹ خرداد ۶۰ - تاکید از ما است)

دناشت و بیستی رویزیونیستها را حدی نیست خائنین حزب توده بنا به ماهیت ضد انقلابی و وابسته‌شان اگر منافع بورژوازی حکم‌کنند حتی میتوانند روشنی خورشید را نیز نابود کرده بگیرند. حزب توده برای آرایش ارتجاع، حرفهای پوچ رژیم‌تراکرا میکند که "فدا انقلاب عوامل خود را، بدون نهادهای انقلابی میفرستاده تا با تخلف و ستم‌موجب بدبینی مردم به ما موریس کمیته‌ها و یاساران را فراهم کنند. "حزب توده بنا به منافع طبقاتی اش و برای انجام وظایف

شماره: ۰۷-۰۲-۰۱-۲۱
تاریخ: ۰۹/۰۵/۶۰

از: ساجا ۲ (حفاظت اطلاعات)
ستاد نزارجا (معاونت پرسنل)

بشروع: بخشنامه

به نفرین نظامی طی گزارش اعلام نموده، اینکه در تاریخ ۸/۵/۶۰ با شخص که در تقاطع پارک و میانه میدان رتبه پخشان اعلامیه بر علیه حجت الاسلام خلخال میبندد است درگیر شده و از آن گزارش سرزنش یک دستگاه خودروی (پشوا ۱۲۲۷۸-ف لچ) نتایج حاصل می‌کند، نظامیان مذکور یاد خالت خود پخشان کنند، اعلامیه را بقصد معرفی بمرجع ذمه‌صلاح سوار خود بگردانند و گویا در وسط راه باعث فراز آمدن میشوند که این عمل مورد اعتراض به نفرین نظامی شایقی قرار میگیرد در نتیجه یکی از آنان توسط نظامیان مورد بحث مضروب میگردد، غیرنظامی مضروب در گزارش خود خواستار شناسائی و مجازات ۳ نفر نظامی درگیر در حادثه گردیده است، بدیهی است که پرسنل متعهد و مسلمان ارتش همراه با ملت قهرمان ایران از موضع مکتبی و اسلامی خود با هر حرکت انحرافی و ضد انقلابی برخورد قاطعانه میکنند ولی با توجه به شرایط وجودی حاکم بر کشور در چنین اموری آنهم با یونیفرم نظامی پسندیده و قابل قبول نبوده و چه بسا حرمت ارتش جمهوری اسلامی ایران با چنین دخالتیهای ناجامور تهدید قرار میگیرد، هدف یک نظامی متعهد خیل بالاتر از آن است که خود را درگیر اختلاف نظرها و احیاناً "مشاجره‌های خیابانی" کند.

خواهشمند است دستور فرمایید پرسنل سازمانهای پیکانهای تابعه اطلاع فرمایند که از دهالت در موارد مشابه و هرگز امری که وظیفه خدمت آنها ایجاد نینماید بویژه با یونیفرم نظامی شدیداً "پرهیز نمایند" در صورت مشاهده هر نوع تخلف وی نظم از این قبیل با پرسنل خاطی برابر مقررات رفتار خواهد شد.

جانشین ساجا - سر تیپ ولی الله نلاحی
از طرف - سرهنگ ستاد هاشمی روان

با رزی از سیاستهای رویزیونیستهای خائنین میباید شد. مگر حزب توده از جنا پتهای فاشیستهای حاکم‌برای تیوپی حمایت همه‌جا نمینمیکند؟ حزب توده با همصدائی با شکنجه‌گران رژیم جمهوری اسلامی یک بار دیگر دشمنی خود را با انقلاب توده‌ها که از ماهیت ضد انقلابی اش سرچشمه میگیرد به نمایش میگذارد و نشان میدهد که شعارهای "فدا میریالیستی و دفاع از دمکراسی" او نیز فریبی بیش نیست.

کارگزاریش نسبت به سوسیال امپریالیسم روس و در اجرای ما موریستهای خائنینهاش به دفاع آشکار از شکنجه‌گران میبپردازد. اصولاً حزب توده با سرکوب و شکنجه انقلابیون کوچکترین مخالفتی ندارد مگر از آنجا که "حزب توده" که قدرت سیاسی را غصب کرده اند چگونه رفتار میکنند؟ شکنجه و آزار زندان‌یان سیاسی انقلابی و کمونیست در زندانهای رژیم ارتجاعی افغانستان بدست دژخیمان همپالکی‌های حزب توده نمونه



بقیه از صفحه ۵ روزی ...

زحمتگان کردستان پس از آزمون کلیه اشکال مبارزه، از مذاکره با هیئت‌های با صلاح حسن - نیت رژیم تا اعتمادات و تحصنات و نظاهرات و در طی آنها با ارزیابی اهداف، برنامہ، سیاست و تاکتیکها و به بیان کلی خط مشی رهبران جنبش بطور نسبی، بدرستی دریا فته اند که پیروزی نهائی و کسب حقوق پایمال شده شان تنها در گرو شکل و بسج توده‌ای و پیشبرد مبارزه حول دمکراتیسم پیگیر طبقه کارگر است. آنها با رها دشمنی بورژوازی و ملاکین کردستان را با خود تجربه کرده و در مقابل به کمونیستها مادیافته اند. این چنین روندی بدون شک نمیتواند موجبات انزوا و انفرادی بورژوازی ضد انقلابی تا سیونال رفرمیست را فراهم نماید، انزوا و انفرادی که حزب دمکرات بیش از هر چیز آن وحشت دارد.

حزب دمکرات در حمله اخیر خود به پیشمرگان کومله و در برابر مقابله انقلابی پیشمرگان کومله، با دادن ۸ کشته از افراد خود، مفتضحانه عقب نشست. این عقب نشینی بویژه زمانی برجسته میگردد که بدانیم حمله عمال این حزب به کومله و سازمان ما بهیچوجه مورد حمایت توده‌های زحمتکش کردستان قرار نگرفته و طی آن حزبی که خود را "محبوب و موردنا شیبده ۹۰٪ خلق کرد قلمداد میکند" نه فقط در مقابل پیشمرگان کومله، بلکه عمدتاً در مقابل فشار آمیخته با تنفر افکار عمومی زحمتگان، نیرو و های انقلابی و شخصیت‌های مردمی کردستان و حمایت آنها از کومله، به اجرای آتش بس و اضعای توافق نامه گردن نهاد.

درگیری های اخیر اطراف ما با دونمونه - ی آن در قیل نه به صرف تعارض نیروهای مسلح دو جریان سیاسی بلکه از جنبه ترکیب طرفین و سیاست حاکم بر آنها حائز اهمیت فراوان است. دریک سو حزب دمکرات نماینده بورژوازی کرد، ملاکین و فئودالها، مرتجعین بافانی امثال کریم خالدا روهران کسی که جنبش مقاومت را دستاویز حصول به منافس طبقاتی خود قرار داده و در سوی دیگر کمونیستها، توده‌های زحمتکش آگاه و انقلابی - یون کردستان قرار گرفته اند. اما بدون تردید بینا به مصالح جنبش مقاومت، به اقتضای خواستهای برحق خلق کرد و بیاس خون هزاران شهید خلق کرد برای دفاع از منافع زحمتگان کردستان، کمونیستها آگاه و در چنین نبردی نبوده و نیستند پس چرا این چنین شعاری بوقوع می پیوندند و چرا حزب دمکرات دامنه عملکردهای ضد انقلابی خود را به حمله مستقیم به کمونیستها کشانده

است؟ این سوال را ما ضمن بیان فشرده‌ای از سیاست و عملکردهای ناشی از منافع طبقاتی حزب دمکرات در مقابل به کمونیستها پاسخ می دهیم:

۱- حزب دمکرات خود را تنها مسئول اجرائی "منطقه می داند"!

هدایت و رهبری مبارزات توده‌های زحمتکش کردستان بویژه دهقانان برعلیه سرمایه داران و ملاکین توسط کمونیستهای دو سال جنبش مقاومت، نمی تواند ختم و مخالفت فئودالها، ملاکین و سرمایه داران کردستان را برنیا نگیزد. دهقانان ستمدیده کردستان، عمدتاً تحت رهبری کمونیستها به مساعده انقلابی زمینها، باغات و احاطه دست میزند تا با این گونه اقدامات انقلابی - توده‌ای، حقوق خود و شماره استعمار را لایان دراز



توسط ملاکین و سرمایه داران را از جنگ ایمن دشمنان طبقاتی خونخوارشان بیرون بکشند. مساعده موال ملاکین، حاکی از قدرت اجرائی توده‌هاست. حزب دمکرات با "مسئول اجرائی منطقه" قلمداد نمودن خود، به مخالفت و مقابله این اقدامات توده‌ای که عمدتاً به ابتکار و رهبری کمونیستها انجام میگردد، برمیخیزد. این حزب از جمله به این علت که کمونیستها در جهت تامین حقوق و منافع زحمتگان کردستان به هیچ قدرت اجرائی جز حرکت و قسدرت زحمتگان و اقدامات و ابتکارات انقلابی آنها اعتقاد ندارند، آنها را سرکوب میکند.

۲- دفاع از ملاکین در برابر کمونیستها و دهقانان آگاه!

عملکردهای بویژه یکساله اخیر حزب دمکرات دیگر هیچ تردیدی برای نیروها و زحمتگان آگاه کردستان باقی نگذاشته که حزب دمکرات از ملاکین و سرمایه داران کردستان دفاع کرده و در این راه، کمونیستها این دشمنان اصلی

طبقات میرنده و ارتجاعی و استعمارگر را سرکوب میکند. کمونیستها در کردستان با پیگیری تمام توده‌های زحمتکش خلق کرد را حول دمکراتیسم پیگیر طبقه کارگر آموزش و تربیت سیاسی داده و آنها را علاوه بر ظلم و ستم فراوان بورژوازی حاکم از ستمی که ملاکین و سرمایه داران بر آنها روا میدارند، آگاه و میگردانند. آنها به زحمتگان کردستان میگویند که ضمن ضرورت مبارزه برعلیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، با بسد دشمنان خانگی را نیز شناخته و به ستم و استعمار آنها با این بخشند آنها توطئه‌ها و عوامفریبیهای سرمایه داران و ملاکین و سنگ اندازیهای آنها در مسیر جنبش مقاومت را پیش خلق کرد و بویژه دهقانان آفشاء میکنند. این چنین تربیت سیاسی و آموزش انقلابی توده‌های خلق کسرد توسط کمونیستها، پیش درآ مدحركات مستقل و انقلابی آنها جهت اعمال حاکمیت توده‌ای برای دفاع از حقوق و دستاوردهای مبارزات سیاسی خودشان است، حرکتی که در راستای مبارزه با ستمگری ملی بورژوازی حاکم، مبارزه طبقاتی را پیش برده و عمدتاً بسط استعمار کمونیستها از جمله در روستاهای کردستان منافع مالکان را مورد هدف قرار داده است و تردیدی نیست که این اقدامات توده‌ای - انقلابی به اقتضای ماهیت طبقاتی حزب دمکرات خشم آنرا برانگیخته و این حزب دست در دست مالکان به مقابله با کمونیستها و دهقانان آگاه، و مبارزات انقلابی آنها برخاسته است.

۳- کمونیستها سد راه سازش جنبش مقاومت با رژیم جمهوری اسلامی!

طی دو سال مبارزه ما سه آفرین، اکنون خلق کرد تجربه کرده است که جز با تداوم و مسماسازات انقلابی بدون اتکاء به قدرت مسلح خود و بریستر همبستگی آگاهانه‌اش با خلقهای سراسر ایران، نمیتواند به رنج و ستم و محرومیت سالیان دراز در ایران به پیروزی دست یابد. خلق کرد بدرستی دریا فته است که هرگونه سازش و مصالحه ضد انقلابی با رژیم جنایتکار حاکم، جز خیانت به زحمتگان کردستان معنی ندارد و در این روند بدرستی دریا فته است که فقط و فقط کمونیستها هستند که با هر نوع سازشی که ذره‌ای منافع خلق کسرد را زهری با بگذارد، سرستیز دارند. کمونیستها بر اساس همین سیاست، سازشکاریهای حزب دمکرات را پیش توده‌ها افشاء میکنند. آنها در هر گام از مبارزات خلق کرد تا کید میکنند که حزب دمکرات و بورژوازی کرد، نه برای تامین منافع زحمتگان کردستان، بلکه جهت اعمال حاکمیت ستمگرانه‌ای که بر اساس آن بتوانند در میدانی وسیعتر از آنچه که هست به استعمار زحمتگان بپردازد، در درگیری با مزدوران جنایتکار

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!



جمهوری اسلامی شرکت میکند و در این روند برای دستیابی به اهداف و منافع خود در مقابل کسب حداقل امتیازات از رژیم زدرسا زش سر آمده و خواسته‌ها و منافع انقلابی خلق کرد را زیر پا خواهد گذاشت. اما کمونیستها در جریان تداوم مبارزات انقلابی خلق کرد، نه به ما حبان قدرت و جلادان خلق کرد، بلکه به نیروی مسلح و پشتوانه سیاسی زحمتکشان مستعبد کرده‌ها تکیه کرده و مخالف سرسخت هرنیروی سازشکار میباشند. حزب دمکرات برای آزمایش برداشتن هرگونه سد مانعی در راه تسلیم طلبی و سازشکاری خود، به سرکوب کمونیستها و از جمله کومله و سا زمان ما در کردستان پرداخته و پیشمرگان انقلابی را خلع سلاح و دستگیر کرده و با حملات خود آنها را به شهادت میرساند.

۴- کمونیستها، افشاگران پیگیر حزب دمکرات کمونیستها ضمن تاکید بر ادا مه مبارزه سرخستان با رژیم جمهوری اسلامی، برای افزایش پتانسیل انقلابی و تداوم جنبش مقاومت، از افشای هرنیروی سازشکارشان اباشی ندارند. حزب دمکرات با سوء استفاده از احساسات پاک توده‌های زحمتکشان آگاهی که بر مبنای ستمی مبارزاتی این حزب در گذشته، بدان توهم دارند آنها را در جهت اهداف و منافع طبقاتی بورژوازی و ملاکین کردستان هدایت کرده و بهمین ترتیب تلاش دارند جنبش مقاومت خلق کرد را از مسیر واقعی آن برای آزادی از قید ستم ملی - طبقاتی بورژوازی حاکم و در جهت تأمین منافع طبقاتی خود منحرف سازد. کمونیستها این اهداف حزب دمکرات را به توده‌های زحمتکشان شهری و روستایی کردستان و سراسر ایران توضیح داده و سیاستها و عملکردهای ضد انقلابی آنها را در مقابل بله و دشمنی با کمونیستها و زحمتکشان آگاه کردستان افشاء میکنند. این چنین افشاکاری نمیتواند موجب وحشت حزب دمکرات از آگاهی زحمتکشان کردستان نگردد و بهمین خاطر حزب دمکرات علاوه بر تبلیغات زهر آگین بر علیه کمونیستها و مشوب ساختن اذهان توده‌های زحمتکشان کردستان در شناخت دوستان و دشمنان واقعی خودشان، به سرکوب و کشتار کمونیستها دست میزند.

۵- وحشت حزب دمکرات از فریب‌اشی توهم زحمتکشان و رشد کمونیستها در کردستان با ادا مه جنبش مقاومت کردستان و آگاهی روز افزون توده‌های زحمتکشان آنها در مبارزات انقلابی خود بر علیه ارتجاع حاکم، به مرز روشن بین دوستان و دشمنان واقعی خود پی میبرند. کار آگاه‌ها هرگز نه افشاکاریهای کمونیستها به مثابه عاملی است که بر اساس آن توده زحمتکشان کردستان ما هیت احزاب و گروههای ضد انقلابی پی میبرند. رشد پایگاه توده‌ای کمونیستها طی دو سال

گذشته در کردستان بخوبی بیانگر این نکته است که با گذشتن حرکات ضد انقلابی حزب دمکرات و نیروهای ظریف آن و با وقوف توده خلق کرد بر ما هیت واقعی این نیروها، بتدریج از حزب بریده و زیر پرچم کمونیستها به مبارزات خود ادامه میدهند. این چنین پیرویه اروپا شی توهم توده‌ها نسبت به حزب دمکرات، وحشت آنها نسبت به این گنجه است. از جمله در جریان چنین روندی است که حزب دمکرات برای تشبیه پایهای لرزان خود به شیوه ما کیا ولیستی به ملوث کردن چه - سره کمونیستها، مشوب ساختن اذهان زحمتکشان کردستان نسبت به سیاست، اهداف و عملکردهای انقلابی آنها توسط جسته و در نهان به حملات گسترده و در عین حال مذبح‌ها نیر علیه آنها پرداخته است.

حمله گسترده عوامل مسلح حزب دمکرات به پیشمرگان کومله نتیجه منطقی ادا مه سیاستها شی است که حزب مقابل جنبش مقاومت کمونیستها در کردستان بویژه کومله اتخاذ کرده است. کومه فکری خواهد بود هر آینه تصور کنیم که حزب دمکرات طی توافقنامه با کومله جهت آتش بس، از درگیریهای آینده و حملات گسترده دیگری اجتناب خواهد کرد. چه حزب دمکرات برای حفظ و بندست آوردن هر آنچه که مورد نیابت طبقه حاکمی و مورد حمایت است از هیچ جنایتی فروگذار نخواهد کرد.

توضیح این نکته ضروری است که کمونیستها در فضای حزب دمکرات و مقابل بله با توطئه‌های آن، با حملات رژیم حاکم و نوکران رویزیونیستی به این حزب، ریزبندی کامل و روشنی دارند. رژیم چنانچنانکه جمهوری اسلامی و کاسه لیسان رویزیونیستی ظنیر فدا شیان اکثریت و حزب و رشکته و خاشن توده، برای تخطئه ما هیت، اهداف و آرمانهای انقلابی خلق مستعبد کرده و در جهت سرکوب هر چه گسترده تر و روشن تر جنبش مقاومت، حزب دمکرات را مستمک قرار داده اند و از موضعی ارتجاعی و ضد خلقی به مخالفت با حید دمکرات برخاسته اند، حال اینکه کمونیستها ی کرد و کمونیستهای ایران، در جهت تعمیق جنبش مقاومت در مقابل بله با رژیم، برای دفاع و حفظ دستاورد های دمکراتیک جنبش و تأمین منافع زحمتکشان کردستان به فضای حزب دمکرات پرداخته و به مقابل بله با عملکردها و سیاستهای آن ادامه میدهند.

حمله اخیر حزب دمکرات به کومله، بدون تردید آخرین حمله این حزب به کمونیستها و انقلابیون نمیشود. این حملات در ادا مه سیاستهای فئودمکراتیک حزب ابعا دگسترده - تری بخود گرفته و در صورت عدم هوشیاری و عدم اتخاذ سیاستهای اصولی از جانب کمونیستها، ضربات جبران ناپذیری بر جنبش مقاومت خلق کردوا رخواهد ساخت. همکارای کمونیستها و کار آگاه‌ها هرگز نه وسیع در جهت مقابل بله با سیاستهای حزب دمکرات از شروط اولیه جنبش ساختن توطئه‌های آن میباشند. افشاکاری، تربیت سیاسی توده‌ها، تشکیل و بسیج توده‌ای حول شعارها،

اهداف و بیرویه کمونیستها در این شرایط، برای زدودن هرگونه توهم توده‌های نا آگاه کردستان نسبت به حزب دمکرات ضرورت فراوانی دارد. طبیعی است که در وضعیت کنونی، برای دفاع از منافع جنبش و مقابل بله با رژیم به مثابه دشمن عمده خلق کرد، کمونیستها با ایدنا حد امکان از درگیری با حزب دمکرات کاه خواهند آن است اجتناب نموده و هرگونه برخورد های ضد انقلابی حزب را با حداکثر متانت و بردباری کمونیستی پاسخ دهند. این عکس العمل نه به مفهوم میدان دادن به حزب دمکرات جهت گسترش حملاتش به کمونیستها در کردستان، بلکه دقیقاً به خاطر این است که رژیم جمهوری اسلامی به مثابه دشمن عمده خلق کرد و خلقهای سراسر ایران در صورت بروز جنگ داخلی در کردستان با خوشحالی فراوان از اوضاعی که پیش آمده‌ها بیت سود را برده و ب فراغ حال به سرکوب خلق کرد خواهد پرداخت.

مقاومت قهرمانانه پیشمرگان پیکار در "نوره"

در تاریخ ۶۰/۲/۲۷ ساعت ۱۲ ظهیر یک ستون ارتشی و جاش و با سدا مرکب از ۱۷ خودرو، ۵۰ عدد کالیبر ۵۰ و چند قبضه خمپاره انداز به قصد پاک سازی آبادی نوره در نزدیکی شهر سنندج به آنجا حمله ور میشوند، که با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان نیکار که در آن حوالی مشغول جوله بودند روبرو میشوند و درگیری بین طرفین بمدت ۵ ساعت تمام از ساعت ۲ تا ساعت ۷ بعد از ظهر ادا مه پیدا میکند که در آتش پیشمرگان، مزدوران قادر به خانه گردی آبادی نمیشوند و در نهایت با دادن ۳ کشته و بیش از ده زخمی عقب نشینی میکنند. در این درگیری هیچگونه صدمه ای به پیشمرگان و اردو پیشمرگان ن سلامه وارد روستا شده و با استقبال گرم و وسیع مردم روبرو میشوند. سپس برای آتانه سخنرانسی میکنند که مورد توجه و استقبال قرار گرفت.



تکمیل یک خبر
در پیکار شماره ۱۰۷ خبر "حمله مزدوران به روستای آویهنگ سنندج" از خبرنامه شماره ۱۲۴ کومله نقل شده و بدون ذکر منبع درج شده بود که بدینوسیله تکمیل میگردد.

اولین سالگرد شهادت پیشمرگه‌های های کمونیست، رفقای پیکارگر حسن (امیر) فقیر و مسعود ستایش گرامی باد!



یکسال از شهادت
شهرمانا نه دو کمونیست
پیکارگر، رفقای پیشمرگه
حسن (امیر) فقیر و مسعود
ستایش میگذرد، ایندو
رفیق دلاور در روز ۱۷ خرداد
۵۹ در جریان حمله قهرمانانه
پیشمرگه‌های جنبش
مقاومت به یک ستون
ارتشی درجاده کامیاران -
دج در راه‌های کوهستانی
زحمتکشان و دفاع ازمنافع
انقلابی خلق قهرمان گردیدند.

کرد بر علیه طاقت کورکورا نه و نظامی‌ها کم‌کم بر
ارتش به مبارزه برخاست و بجای شرکت در
سرکوب خلق کرد، درکنار رتوده‌های زحمتکش کرد
دوش بدوش پیشمرگه‌های دلاور جنبش مقاومت خلق
کرد به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی پرداخت .
رفیق پس از سه ماه دلاوری درکنار زحمتکشان
کردستان در روز ۱۷ خرداد سال گذشته درحمله به یک
ستون نظامی درجاده کامیاران - سنندج زخمی و اسیر
شد و همانجا بدست مزدوران ارتش تیرباران گردید .

کمونیست شهید رفیق پیکارگر مسعود ستایش
در سنندج بدنیا آمده و درکنار رتوده‌های زحمتکش
خلق کرد با دردها، رنج‌ها و محرومیت‌های آنان
آشنا شده بود و برای از بین بردن ریشه‌های ستم
و استعمار و اردبیر زحمتکشان به مبارزه برخاسته
بود. رفیق مسعود با شناخت ما رکیسم‌لنینیسم
و ایمان به علم‌رسان طبقه کارگر این پرچمدار
! انقلاب در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری
با تلاشی وصف‌ناپذیر مبارزه علیه ارتجاع و
امپریالیسم روی آورد و به صفوف هواداران سازمان
ما در سنندج پیوست. مسعود شهید در اوایل سال
گذشته بمشابه یک پیشمرگه کمونیست تمام توان
انقلابی خود را در خدمت مبارزه‌های بی‌خس
زحمتکشان و جنبش مقاومت خلق کرد. خرداد
رفیق مسعود در جریان مقاومت ۲۵ روزه مردم
قهرمان سنندج در بهار سال گذشته با دلاوری
کمونیستی، فعالانه و خستگی‌ناپذیر شرکت کرد و
در روز ۱۷ خرداد ۵۹ در جنگ قهرمانانه با
مزدوران ارتش همراه با رفیق هم‌رزمان امیرشهادت رسید.
با دلاوری و پیشمرگه کمونیست را در سالگرد
مرگ سرخشان گرامی می‌میداریم!

توانسته بود آگاهی انقلابی اش را تا حد زیادی
بالاتر برد. فعالیتهای انقلابی و کارگزارانه
رفیق که در ارتباط با رفقای هواداران سازمان
در تبریز انجام میداد و میروید و امیرنا گزیر
ارتش را ترک میکنند، و در فروردین ۵۹ خود را به
دست‌های زمان در سنندج میرساند و بدلیل شور
انقلابی و توانایی‌هایش بمشابه یک پیشمرگه
کمونیست سازماندهی میشود. رفیق امیر را ز
جمله ارتشیان انقلابی بود که با آگاهی به نظام
ارتجاعی ارتش و بی‌بردی به ما هیت ایمن
ارتش دست پرورده آمریکا که پس از قیام تنها
اسمش تغییر یافت، آگاهانه و در ارتباط با
سازمان کمونیستی که به آن احساس تعلق می -

رفیق شهید امیر در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده
کارگری در سوها (بخش از محلات جنوب
ران) بدنیا آمد و از کودکی رنج و محرومیت
ناشی از استعمار و اختلافات طبقاتی را با
بیست و گوشت خوردن تجربه کرده بود. تا دوره اول
دبیرستان در دبیرستانهای میدان شوش و میر -
داماد تحصیل کرد و سپس وارد ارتش شد. رفیق
امیر ما هم پیش از قیام بهمین، از ارتش فرار
کرده و درکنار رتوده‌ها به مبارزه علیه رژیم شاه
پیوست. پس از قیام مجدداً به محل خدمتش
بروز گردید. اما ارتش را همان ارتش
پیشین نماند. رفیق در آن هنگام

توس و هراس لیبرالها از شنیدن صدای انقلاب است!

لیبرالهاش به حساب می‌آید. اما تمام ایمن
با زیبا برای امتیاز گرفتن بیشتر از رقیب و
حفظ نظام ارتجاعی حاکم صورت می‌گیرد چرا که
لیبرالهای خائن میدانند که دبیری نخواهد
گذشت تا زحمتکشان ما بیشتر از پیش به ما هیت
ارتجاعی این فریبکاران آگاه‌ها یافته و
مبارزه انقلابی علیه یک جناح از رژیم را به
مبارزه قاطع و انقلابی علیه هر دو جناح آن
تبدیل سازند و همین جهت از روی "دوران‌اندیشی"
بورژوازی به رقیب همدار می‌دهند که اگر امروز
سر عقل نیاید و حاضر نشود همراهِ لیبرالها و بطور
شریکی به استعمار و تحمیل شود، با برپا زدن
فردا کلاه هر دو جناح و در نتیجه کل رژیم پس
معرکه خواهد بود.
"انقلاب اسلامی" شماره ۳ خرداد ۶۰ درستون
"چشم انداز" مقاله‌ای تحت عنوان رفرا ندم
نوشته که در بیان آن چنین آمده است:

با با لگرفتن تضادهای موجود میان دو جناح
خائن رژیم جمهوری اسلامی - حزب جمهوری
اسلامی و لیبرالها - لیبرالهای خائن با سو -
استفاده از توهم‌توده‌ها نسبت به این جناح از
استحاکم و تنفر آنان نسبت به حزب جمهوری
اسلامی، در تبلیغات فریبکارانه خویش میکوشند
تا خود را بعنوان قهرمانان "آزادی‌جایزه" و
مزورانه چنین جلوه دهند که گویا اینان شیفته
مردم و تسلیم خواست آنان هستند. در چارچوب
این تبلیغات مردم فریب است که بنی‌صدر
برای عقب‌نشاندن رقیب مسئله "مراجعه به آراء"
عمومی را طرح کرده و روزنامه انقلاب اسلامی
نیز به تبلیغ آن پرداخته است. بنی‌صدر خائن
نیک میدانند شرایطی که نیروهای انقلابی
از امکانات تبلیغاتی بسیار محدودی - نسبت
به آنچه که ارتجاع در اختیار دارد - برخوردار
بوده و توده‌ها از کم‌وکیف انتخابات بورژوازی
و حقه‌های آن اطلاع کافی نداشته و بخصوص نسبت
به جناحی از هیئت حاکمه - بنی‌صدر همیالگی -
های دیگرش - توهم‌دارند، مطرح ساختن این
حقه تبلیغاتی برگ برنده‌ای برای او و باران

"و هشدار که اگر این فرصت تاریخی بسادگی
از دست برود و گروه‌ها کم‌کم عدم درک شرایط
فعلی کشور، همچنان بر منافع تنگ نظرانه
خود امرا روززیده‌های ملت را ندیده
بگیرند معلوم نیست که فردا نیز چنین امکانی
برای خروج از بحران همه‌جانبه کشور که هر
روز عمیق‌تر میشود، وجود داشته باشد و چه
بسیار که در آن صورت همگی مجبوراً شیم تا وان
سنگینتری را درازا عدم توجه امروزمان
بپیرا زیم" (تاکید از ما ست)
آری، لیبرالهای خائن بنهان نمی‌کنند
که تمام داد و فریادهای امروزشان برای "سر -
عقل" آوردن رقیب "حزبی" است تا حاضر شود به
خاطر حفظ منافع کل رژیم بخشی از سهم خود را به
جناح دیگر بدهد و همچنان در سرکوب
کردستان قهرمان، کشتار خلقی ترکمن، بخسون
کشیدن دانشگاهها، و... نشان داده‌اند. دست
در دست هم سرکوب خلقها و استعمار زحمتکشان
ادامه دهند و الا مجبور خواهند بود همگی "تا وان
سنگینتری" را بپیرا زند.
بقیه در صفحه ۳۰

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!



بقیه از صفحه ۴ تثبیت ...

جامعه ما که برای یافتن کار و آسودگی بخور و نمیر آواره شهرها میشوند، نیست. ثانیاً در چهار رجب سیستمی که برای تأمین نیروی کار و ارتش ذخیره صنعتی به این "مهاجرتها" بی رویه "درواقع به نتایج خانه خراب شدن سریع دهقانان نیازمند است، به هیچ وجه نمیتوان صحبتی از کنترل این مهاجرت و بهبود وضعیت زندگی این مهاجرین نمود. بنابراین برای جلوگیری از این مهاجرتها مبادیست و وضع اقتصاد دروازه‌های را رویار کرده این عمل بمعنای واقعی آن از عهده رژیم ساخته نشده و تنها در جمهوری دمکراتیک خلق و تنها سوسیالیسم، میتوان اقتصاد کثرت و رزی را بنفع توده‌ها سازمان داد. ثالثاً بغرض آنکه رژیم بتواند جلوی این مهاجرتها را بگیرد، این مسئله موجب بالا رفتن سطح زندگی کارگران شهری نخواهد شد چرا که کارگران، مازاد را خارج و بیکاری ... و زندگی آنها را تهدید میکند.

بدین ترتیب روشن میشود که سخنان "معاون پارلمانی و نظارت و زارت کار و امور اجتماعی" جز مخدوش کردن ذهن توده‌ها و دروازه‌های عوامفریبی چیز دیگری نیست! آقای معاون وزیر در ادامه سخنان نشان ما هیت واقعی سیاستهای رژیم را بیشتر عریان میسازد و میگوید: "اگر در جهت بالا بردن قدرت خرید کارگر بخوانیم دستمزد را افزایش دهیم باید آثار ثانوی آن در کل جامعه در روابط کارکنان مورد ملاحظه و بررسی قرار دهیم چرا که این افزایش در نخستین مرحله سبب خواهد شد تا کارفرما از استخدا منبروی تازه کار خودداری کند و بموازات آن نیروی کار موجود خود را هم کاهش دهد که این مسئله در شرایط حاد و بحرانی فعلی به هیچ وجه به مصلحت نخواهد بود. به همین دلیل شورای عالی کار پس از بررسیهای کافی آخرین راه را در تثبیت حداقل دستمزد دانست و آنرا در روز ۶۳۵ ریال ثابت اعلام کرد چرا که این تثبیت نرخ سبب خواهد شد تا کارفرمایان و سرمایه گزاران صنعتی رغبت بیشتری به توسعه و گسترش صنایعشان دهند که یکی از ثمرات آن افزایش تولید خواهد بود. از سوی دیگر این حداقل دستمزد در حدی است که نمیتواند ساکنان مناطق کشاورزی را برای کسب درآمد بیشتر به شهرها بکشد. در اینجا نیز ما باید به رژیم سعی در دعوت واقعی، عدم استخدا مکارگروا خراج نا غلبین توسط سرمایه داران را که چیزی جز سود جوئی آنان و "صرفاً" نشان دادن سرمایه گذارهایی بیشتر در شرایط انقلابی کنونی، نیست لایو ثانی کرده و کارگران را از این مبرترسانده افزایش دستمزد موجب بیکاری آنها خواهد شد. در صورتیکه افزایش دستمزد تنها از سودهای کلان سرمایه داران خواهد کاست. همچنان که قبلاً (۳۳) گفتیم

دستمزد کارگران به نسبت رشد تورم در آنها نزول میکند و سطح زندگی آنها، بقدری پایین است که با فلاکت فاصله چندانی ندارند. بنابراین با آشکارا گسترش اخراج و بیکاری در شرایط کنونی نمیتوانند تعلیل "بالا بودن دستمزد" کارگران باشند. بلکه همانطور که قبلاً گفتیم، هدف سرمایه داران و رژیمها نشان اینست که بدین وسایل کارگران را وادار به قبول سطح زندگی پایینتر بنمایند تا بحران جامعه را از راه خدا نقلایی مذکور موقتاً بسود خود حل نمایند. امروز رژیم در شرایطی به تثبیت مزدطاهری کارگران و در واقع تقلیل سطح زندگی آنها حکم نمیدهد که مدیران دولتی و خصوصی حقوقهای معادل ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان دریافت میکنند و سودهای هنگفت بحیب سرمایه داران جاری میشود که یک نمونه آن که در روزنامه‌های رژیم منعکس گردیده (۳۳) خیر از سود ۱۲۰ میلیار تومان است. تا ربا زار در سال گذشته، میدهند این تنها مثنی است نمونه خروار!

دم خروس رژیم زمانی که ملاحظه می شود که نماینده اش اعتراف میکند که "تثبیت نرخ دستمزد سبب خواهد شد تا کارفرمایان و سرمایه گزاران صنعتی رغبت بیشتری به توسعه و گسترش صنایع نشان دهند". بنابراین هدف واقعی رژیم که جلب "رغبت" سرمایه داران برای سرمایه گذاری و در واقع "دل سوزاندن" برای منافع این طبقه است، از پس پرده لفاظی ها و عوامفریبیهای بیرون میافتد. همچنین راهی که از طریق آن دولت قصد جلوگیری از مهاجرتها را بی رویه "روستا نشانی" به شهرها را داشت، خود رسواگر چهره عوامفریبانه آنهاست. بدین صورت که اگر روستا نشانیان بخاطر فقر و فلاکت خود و برای تهیه لقمه نانی به شهرها هجوم میاورند، رژیم جمهوری اسلامی با نگهداشتن کارگران و زحمتکشان شهری در همان فقر و فلاکت، به روستا نشانیان میفهماند که "به هرگاه که روند آسمان همین رنگ است! چه در شهر و چه در روستا باید به شدیدترین وجه استقامت کرده و شمره کار خود را بحیب سرمایه داران و زمینداران بزرگ بپرزند. اما مازی خیال باطل! اعتلای انقلابی جنبش توده‌ها بیامدیگری بهمراه دارد، بهیامی که نزدیکی مرگ حاکمیت سرمایه داران و سیستم موجود را نوید میدهد.

با تمام قوا به افشای سیاست فکری کارگری "تثبیت حداقل دستمزد" بپردازیم! مبارزات کارگران را حول شعار "افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمتها" سازماندهی کنیم!

مبارزه برای افزایش دستمزد را به سلاحی برعکس سیستم سرمایه داری وابسته تبدیل نمائیم!

*** - رجوع کنید به پیکار ۱۰۵ مقاله "حداقل دستمزد ..."

*** - انقلاب اسلامی ۶۰/۱/۱۸ سخنان مهندس ساجی

بقیه از صفحه ۳ اعتصاب ...

از یکسوی ضعف رهبری اعتصاب که نتوانسته بود تمامی کارگران دوکارخانه را به حرکت بکشاند و بکشد و توسطه های عوامل رژیم را افشا سازد، از سوی دیگر، باعث شکست اعتصاب گردیدند و از روز ۲۶/۲/۶۰ تمامی کارگران به سرکار بازگشتند. این شکست تجارب با ارزشی برای کارگران داشت که میتوان آنها را بصورت زیر خلاصه کرد:

- ۱- در مجموع موجب افشای بیش از پیش رژیم و ارگانهایش در کارخانه "شورا"، انجمن اسلامی و مدیریت، گردید و توهم بسیاری از کارگران نسبت به عوامفریبیهای رژیم فروریخت.
- ۲- ضعفهای حرکت کارگران مشخص تر گردید که عمده آنها نشان داشتن تشکیلات واقعی، عدم یکپارچگی و همبستگی شان (که در هر حال نداشتن) است. قسمتها با اعتصاب بیون مشخص شده بود و ضعف رهبری اعتصاب در افشای شوطها و تهدیدات مزدوران رژیم، بود.

بقیه از صفحه ۲۹ ترس ...

آری! لیبرالهای پای انقلاب توده‌ها را میشنوند و از رسیدن آن روزی که "امکانی برای خروج از بحران همه جانبه کشور" وجود نداشته باشد، که بهر حال خواهد رسید، بخود می پیچند و نمی توانند ترس و هراس مرگبار خویش را پنهان سازند.

آری! لیبرالها همچون جناح مرتجع حزب جمهوری اسلامی، دشمنان طبقاتی و قسم خورده توده‌ها هستند و تمام ادویدهای امروزی شان بخاطر اینست که انقلاب فردای زحمتکشان را به تاخیر انداخته و او را محاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را امکان پذیر سازد و در چنانچه توده‌ها سهم بیشتری داشته باشند.

اما این تلاشهای مزدورانه و فریبکارانه در سرنوشت محتوم این رژیم و هر دو جناح آن - تفسیری نخواهد داد آنچه که تعیین کننده است رند آگاهیهایی انقلابی توده‌های انقلابی و رند و روبرشد جنبش اعتلائی زحمتکشان است که در مسیر خونبار ولی پیروزمندان خویش بر دروازه‌های جمهوری دمکراتیک خلق خواهد کوبید و در ریجه‌های سرخ پیروزی را بسوی سوسیالیسم خواهد گشود.

بقیه از صفحه ۷ مراسم ...

از رنده خود را در زمینه ترجمه آنرا سازمان به زبان انگلیسی و نمونه‌هایی از آنها را برای ما فرستاده اند.

علاوه بر اینها، مقالات متعددی از پیکار رنیز به زبانهای آلمانی، فرانسه و عربی ترجمه شده است. ما موفقیت رقابتی هوادار در خارج کشور را در پیشبرد وظایف کمونیستی و دمکراتیک خود منجمله معرفی آنرا و نظرات سازمان به نیروهای کمونیستی و انقلابی در سطح جهان، خواستاریم.

بقیه از صفحه ۳۲ یادداشت‌های...

چون دیکتاتور بورژوازی در تضاد با دیکتاتوری توده‌ای بود. رژیم جمهوری اسلامی بنا به ما هیت ضد دیکتاتوریک و ارتجاعی، هر دستاورد و هر صدای آزادیخواهی توده‌ها را تحت پنهان‌سازی و ریشیم و هرج و مرج "مورد سرکوب قرار داد. در واقع وقتی بهشتی خائن میگوید مخالف آن رژیم و هرج و مرج است، مخالفت و کینه توری خود نسبت به آزادیهای دیکتاتوریک که بنبغ کارگران و زحمتکشان است را بنمایش میگذارد. شاه مزدور هم آزادی طلبی توده‌ها و دیکتاتوری را انقلابی را که آنان برای مبارزه میکردند، "آنا ریشیم و هرج و مرج" جلوه میداد و بهشتی نیز همان کار را میکند. آزادی از نظر بهشتی‌ها یعنی حاکمیت و دیکتاتور توری طبقاتی بورژوازی، حال هر کس که علیه این حاکمیت به مبارزه انقلابی دست بزند دچار "هرج و مرج طلبی" است و بنا بر این باید سرکوب شود. این است منطق بورژوازی و جز این انتظار نیست.

بهشتی میگوید مخالف "آزادیهای" است که عبط را "فاسد" کند. بزبان دیگر بورژوازی بنا به ما هیت طبقاتی خود را ندیده‌ها شای بخش که توده‌ها را تحت تاثیر خود قرار دهد، هر مشی انقلابی که به بسیج توده‌ها علیه بورژوازی بیا نجامد و بخصوص ما رکیسم لنینیسم که کارگران را به مبارزه انقلابی علیه سرمایه‌داری میکشاند "فاسد" و "اور تلقی" می نماید. از نظر بورژوازی نیروهای دیکتاتور و بخصوص انقلابیون کمونیت که برای دیکتاتوری و انقلاب مبارزه میکنند، محیط را "فاسد" میکنند زیرا آنان توده‌ها را بر علیه بورژوازی و تمام چنان‌ها تش به نیبورد و امیدارند. و درست به همین خاطر است که بورژوازی بطور مستمر انقلابیون و کمونیستهای راستین را مورد سرکوب قرار داده و به جوخه اعدام می سپارد. از نظر بهشتی‌ها و همچنین "پیبرالهای" ضد انقلابی کسانی که با بورژوازی ما زش نمیکند "فاسد" میکنند. آری این منطق بورژوازی است و جز این انتظار نیست و البته فراموش نکنیم که کارگران و توده‌های زحمتکش و تمامی انقلابیون صدیق هرگز از زحمتهای ضد انقلابی بورژوازی هراس بخود را نمیدهند و به مبارزه خود برای دیکتاتوری و استقلال اقدام نمیدهند. ولی مسئله مورد بحث اینجا است که بهشتی‌ها که مدعی "بحث آزاد" بوده و خود را طرفدار "آزادی" نشان میدهند، مستگرا نیی بشما رمیانند که جز مستگری طبقاتی به کار دیگری نمی توانند بپردازند و تنها برای این مستگری پوشش قانونی میسازند تا حاکمیت ارتجاعی بورژوازی را "بدی و الهی" جلوه بدهند.

و اما رویزیونیستها که نوگرا نیی هستند و سلفه‌هایش نیستند نمیتوانند با سردمداران رژیم حاکم را از اشتراک نظر نباشند. کیا نوری مرتد از طبقات محبت میکند، از تضاد طبقاتی حریف میزند، از نبرد طبقاتی مستگروستگش سخن می‌راند و... ولی همه این مسائل برای فریب

بقیه از صفحه ۱ رژیم...

میان "مقامات و با مهر" محرمانه "از سر ملا شدن آنها جلوگیری کرد. اما رژیم در این مورد زیاد موفق نیست. نمونه‌اش سند ضمیمه است. که حاکی از تصمیمات دولت ارتجاعی رجایی در مورد "آزادی" مذاکرات با کمپانی‌های امپریالیستی آمریکایی است. هر چند مرتجعینی چون نیوی ادعا میکنند که رژیم با "دولتها" کاری ندارد و با "شرکتها" معامله میکند!! اما کیست که ندادن شرکتها را انحصاری امپریالیستی و از جمله سازندگان هوا پیمای سی - ۱۳۰ (C-130) که دولت اجازه مذاکره و وزارت دفاع را به آنها داده است (از متن سند) از اجزاء مهم تشکیل دهنده

نخست وزیر
محرمانه

مستقیم



جمهوری اسلامی ایران
بسم الله الرحمن الرحيم

تقریر
محرمانه

بر اساس مذاکرات جاسه مورخ ۲۲/۲/۶۰ هیئت دولت در عصر امفام مکتوبه با شرکت‌های آمریکایی طرف قرارداد تصمیمات زیر را مقرر کرد:
در مورد کمپانیهای آمریکایی: وزارتخانه‌ها می‌توانند مستقیماً وارد مذاکره شوند.
توسط دفتر هماهنگی و اجرای برنامه‌ها از اجراء فوری آن تا سه ماه خواهد شد که بر مذاکرات نظارت و کنترل خواهد داشت.
وزارت دفاع می‌تواند با کمپانی سازنده بوخرو هوا پیمای ۱۳۰ وارد مذاکره شود و اختلاف حسابهایش را حل کند.
چهار وزارتخانه: نیرو - پست و تلگراف - نفت و دفاع ازعت آید.
مذاکرات مستقیم با کمپانیهای آمریکایی را پیش از رایج اختلافات به دوری شروع و به حل مسائل اقدام کنند.
اختلاف مسائل که با دولت آمریکا وجود دارد می‌بایستی از طریق سفارت الجزایر حل شود و نیابتی نشان مستقیم گرفته شود.

دعای اجلاس هیئت وزیران در سرپرست دشت در توجیه نخست وزیر

۱۵/۱۰/۶۰
مجلس شورای

امپریالیسم آمریکا بشما ر میرود و در واقع دولت آمریکا نما بندگی این امپریالیستهای جهانخوار را به عهده دارد.

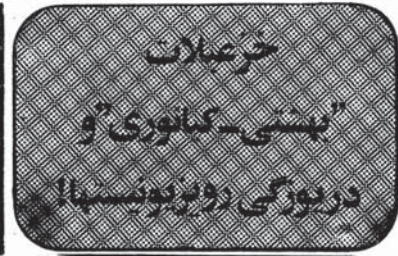
آری رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای ادامه حاکمیت ضد مردمی اش با امپریالیستها قرارداد های مخفیانه می بندد، ثروت عمومی مردم را به تاراج میدهد و وزارتخانه‌ها را وامیگذارد که

توده‌ها و بخصوص کارگران است. کیا نوری مرتد ژست مارکسیستی بخود میگیرد، اما مدافع مشی وسیاست ارتجاعی بورژوازی و بهشتی‌هاست. کیا نوری دلچکی است که در برابر بار بار سرمایه به چالپوسی می پردازد، و میگوید: "در این صحبت‌های آقا ی بهشتی، تا حدودی مطالبی که ما معتقد هستیم، در همان جهت که ما به آن معتقد هستیم گفته شد." سپس در ادامه می‌گوید: "سوسیالیستها و کمونیستها این دو محدودیت را بطور کامل قبول دارند."

آری رویزیونیستهای خائن در دیدگاه خود در باره دیکتاتوری و آزادی با رژیم سرمایه‌داری حاکم وحدت نظر دارند. آنان نیز منظورشان از دیکتاتوری، دیکتاتوری برای بورژوازی و مستگری برای کارگران و سایر توده‌هاست. کیا نوری از "طبقاتی‌ستگری" حرف میزند ولی خود را تمام قوا از مستگران و مرتجعین و جلادان پرولتاریا جمایت میکند و با آنها اشتراک نظر دارد. آری، بورژوازی با همکاری رویزیونیستها "بحث

مستقیم وارد مذاکره با کمپانیهای آمریکایی کردند و... اما برای فریب توده‌ها سردمداران رژیم فریب د میزند که: "رابطه با آمریکا را میخوامیم چه کنیم!!" رژیم جمهوری اسلامی بخشی از اردوگاه ضد انقلاب جهانی است و برای تحکیم و حفظ منافع خود را می جزگشترش روابط سرمایه‌داری و تحکیم وابستگی به امپریالیسم در پیش باندارد.

آزاد راه میاندا زنده توده‌ها بگوید که "آزادی طلب" است، حال آنکه سرکوبگران آزادی و دیکتاتوری و سوسیالیسم میباشند و رویزیونیستها به مشاطه گری بورژوازی و افراد منفوری چون بهشتی می پردازند تا به کارگران بردگی بیا موزند. روزی لندن میگوید: "در اس حزب کارگری ما رکیستی آلمان... مشتی ازنا بکارترین ار اذل و پلیدترین دون فطرتان که خود را به سرمایه‌داری فروخته‌اند، ازنا یدمان ونوسکه گرفته تا دایدولترین، این منفورترین جلادانی که از بین کارگران برخاسته و به خدمت سلطنت و بورژوازی ضد انقلابی کمر همت بسته‌اند، قرار گرفتند." (انترناسیونال سومه موقاسم آن در تاریخ) و امروز با زهم‌ها هدستیم که چگونه افرادی که لباس مارکسیستی به تن کرده‌اند، مشی نابکار رذل و پلیدترین دون فطرتان هستند که خود را به سرمایه‌داری فروخته‌اند و به خدمت بورژوازی ضد انقلابی کمر همت بسته‌اند. آری توده‌ها و اکثریتی‌های خود فروختگان به بورژوازی و خاشنین به انقلاب، طبقه کارگر و سوسیالیسم میباشند.



صحنه‌ای از مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت کمونیست‌های قهرمان، رفقا آذرمهر - علیان و ایرج ترابی .
در صفحات ۱۵ - ۱۶

دعوا بر سر پاک کردن علامت روی سلاحها بود!؟

رژیم‌خائن شاه‌جلاد برای تحقق اهداف پلید امپریالیست‌های غارتگر و سوزنده را با بان آمریکا شایسته‌ترین نیروهای ارتجاعی و از جمله سلطنت‌طلبان یمن شمالی اسلحه می‌فروشد ولی فقط بخاطر اینکه "کسی بونبرد" او "گندش در نیاید" علامت فتنگها، فتنگها... و نیز کلمه "ساخت ایران" را از روی اسلحه‌های ارسالی پاک میکرد.

و اینک دوباره پاک کردن علامتهای اسلحه‌ها تکرار میشود ولی با هدفی دیگر...
رژیم‌جمهوری اسلامی دستور داده است که "اخیرا مشاهده شده که روی بعضی از جنگ افزارها علامت‌نشان‌هایی از برخی از کشورها و سازمان‌های غیر ایرانی موجود است که از نظر سیاست خارجی بطرح کشور جمهوری اسلامی نمیشود" لذا "دستور فرما شد نسبت به محو آثار و علائم مورد نظر از روی جنگ افزارها و سایر اقلام اقدام لازم معمول دارند".

بقیه در صفحه ۲۵

که بر اساس آن بورژوازی به نما بندگان بهشتی‌ها و بنی صدرها به سرکوب و استعمار طبقه کارگر و دیگر توده‌های زحمتکش مشغول می‌باشند و کمپانی بهشتی‌ها میتوانند رای تمام داسی به ساری روی زمین‌ها با شد؟ نه هرگز! روی زمین‌ها و بهشتی‌ها دارای وحدت طبقاتی می‌باشند، اگر تا دیروز این بخش از بورژوازی این مسئله را نمی‌فهمید، امروز به روشنی به چنین امری واقف است و به همین خاطر به روی زمین‌ها اجازه می‌دهد تا در تلویزیون جمهوری اسلامی به تملق گوئی و چاپلوسی رژیم و فریب کارگران و زحمتکشان بپردازند.

نگاهی به خرعبلات ارتجاعی بهشتی و روی زمین‌ها نشان می‌دهد که آنان در دشمنی با توده‌ها هیچ دست کمی از یکدیگر ندارند. آنان از "آزادی" حرف می‌زنند ولی منظور آنان از آزادی، آزادی استعمار کارگران و تاجا وزبسه حقوق زحمتکشان است، آنان با واهای بسیاری درباره آزادی می‌گویند، اما هدف آنان تحمیل طبقه کارگر و سوزنده‌هاست. و در این راه اینان با یکدیگر وحدت کامل دارند. بهشتی می‌گوید: "در نظام اجتماعی آزادیها تا چه اندازه وجود دارد؟ می‌گوئیم آزادیها یعنی آزادیهای اجتماعی خودبخود محدود میشوند. دیگر از آزادی مطلق یعنی آنها رژیم و هرج و مرج نمیتوان در اسلام و نظام اسلامی سخن گفت. در نظام اسلامی آزادیها اجتماعی حدودی دارند، محدودیت‌هایی پیدا میکند. "محدودیتها کدامند؟ ۱- "آزادی یک فرد تا آنجا اعمال شود که به آزادی دیگران ضربه‌ای نزند" ۲- "آزادیها شایسته که محیط را فاسد نمیکند و زمینه را برای رشد فاسد درجا معاده میکند. این آزادیها هم در نظام اسلامی گرفته میشود."

همانطور که میدانیم که از زمان بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی تمام آزادیها و دستاورد‌هایی که حاصل قیام توده‌ها بود کما ل گردید و مورد سرکوب واقع شد. رژیم‌ها کمپانی تحکیم حاکمیت خود را می‌جسورکوب خونین کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی نداشت. سرکوب جنبش بیان مشخص دیکتاتوری طبقاتی بود که از جانب بورژوازی اعمال می‌شود. آزادیها و دیکراتیک‌ناشی از قیام توده‌ها "خود بخود" محدود نشد. آنها سرکوب شدند.

بقیه در صفحه ۳۱

"بحث آزاد" بهشتی و روی زمین‌ها بهشتی توده‌ای و اکثریتی در هفته گذشته نمونسه‌ای برجسته‌ای بود از حمله به ما رگسیم، کوشش در تحمیل توده‌ها و نقدهای آزادی ضد انقلابی سرطانه‌ها را. در این "بحث آزاد" انتظار رسمی - رفت (؟) که نظرات متفادی و در ردی یکدیگر قرار بگیرند. لیکن جوهر اساسی بحثها برینک روال بضمونی حرکت کرد و آن عبارت بود از تا نید سرکوب انقلاب و دفاع مشترک از آزادی گندیده و ارتجاعی بورژوازی.

در نمایش تلویزیونی بهشتی خط میداد و هدایت میکرد و سپس روی زمین‌ها در همان خط حرکت میکردند. البته این مسئله یک امر اتفاقی نبود زیرا علیرغم اختلافات لفظی و با بسا رفرعی روی زمین‌ها و سردمداران رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در باره اساسی ترین مسائل دارای وحدت نظر می‌باشند و این وحدت نظر ناشی از وحدت منافع طبقاتی است که آنها را به یکدیگر پیوند میدهد. کبانوری آنچنان نوکر - منشا نه حرف می‌زند که گوئی اسلام و آزادی اسلام بهشتی دو آتش تراست. او هر بحث روی زمین‌ها با بهشتی درک شایسته‌ای از آزادی عمل، بیشتر بود برای آنکه بتواند به تریه فریب طبقه کارگر و توده‌ها دست نزند و حاکمیت بورژوازی را تحکیم نماید. اگر چه حزب جمهوری اسلامی در دوره اخیر با برنامهریزی و به نوکران خویش التفات بیشتری میکند لیکن روی زمین‌ها در پی آنند تا از تمام مزایای قانون اساسی ارتجاعی رژیم بهره‌گیرند. مبارزه توده‌ها را به انحراف بکشند و برای نفوذ سوسال امپریالیسم زمینه مساعدتری فراهم نمایند. "فتا پور" نما بنده خائنین اکثریتی می‌گفت: "اختلافات نظری بمفهوم دشمنی نیست. آنچه این مرتد در رابطه با مناسبات روی زمین‌ها و بورژوازی حاکم می‌گوید حقیقتی است. اینکه میان روی زمین‌ها - های توده‌ای و اکثریتی با رژیم "اختلافاتی" وجود داشته باشد امر محیی نیست همچنانکه همیشه بیان بخشهای مختلف بورژوازی اختلافاتی وجود دارد، مسئله اساسی این است که روی زمین‌ها مدافع رژیم جمهوری اسلامی و سیستم اقتصادی ستمگرانه‌ای می‌باشند که در ستران سرمایه - داران کارگران را استعمار میکنند. روی زمین‌ها مدافع مناسبات طبقاتی ای می‌باشند

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست